حدیث بیداری

نویسنده: حضرت آیت الله صافی

بسم الله الرحمن الرحیم

حدیث بیداری

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

راسخون

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حدیث بیداری

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی، لطف‌الله، - ۱۲۹۷

عنوان و نام پدیدآور : حدیث بیداری: مجموعه‌ای از پیام‌های مرجع عالیقدر شیعیان حضرت آیت‌الله العظمی آقای صافی گلپایگانی/ صافی گلپایگانی

مشخصات نشر : قم: مرکز نشر راسخون، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ص ۱۵۹

شابک : ۹۶۴-۷۱۱۸-۰۳-۱۶۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۷۱۱۸-۰۳-۱۶۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه

موضوع : صافی، لطف‌الله، ۱۲۹۷ - ، پیامها و سخنرانیها

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳ /ص۲آ۱۷ ۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م۸۰-۱۰۷۳۷

سخن ناشر

عهدی که خداوند متعال، از عالمان دینی گرفته آن است تا حریم عبودیت و بندگی را به مردم بشناسانند و در مقابل انحراف بایستند و در این راه از هیچ کس، جز ذات لایزال او، نهراسند.

رسالت خطیری که بار مسؤولیت عالمان دینی را در دوران غیبت حضرت ولی‌الله الاعظم، امام عصر، ارواحنا فداه، سنگین‌تر می‌کند، حضوری مدبّرانه در بطن جامعه، برای پاسداشت آرمانهای بزرگی است که معرض تهدید بدعتها، کج‌فهمی‌ها و هواخواهی دنیاپرستان است.

بدون شک، کارنامه سراسر افتخار روحانیت اصیل شیعی، در طول تاریخ غیبت تاکنون، مشحون از توکّل، صبر و ایستادگی عالمان، فقیهان و مراجع بزرگیست که خاستگاه بیداری و عزّت فطرتهای پاک و خداجوی گردیدند.

در همین راستا، «حدیث بیداری»، کلام روشنگرانه و بینش خردمندانه یکی از مراجع آگاه و فقیهان بزرگ عصر ما، یعنی؛ حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی است که در فواصل زمانی مختلف، به بیان دغدغه‌های مهمّ اجتماعی- فرهنگی پرداخته‌اند و مهم‌تر آنکه به عنوان یک مقام بلندمرتبهٔ روحانی و یک مرجع دینی، قشرهای مختلف مردم، اعم از پیران و جوانان و زنان و مردان را مخاطب قرار داده‌اند.

آماده‌سازی این اثر، مرهون تلاش گروهی همکارانی بوده است که در گردآوری و تنظیم مقالات، تحقیق و ترجمه آیات و روایات و نیز ویرایش متن، نهایت سعی خود را به کار گرفته‌اند.

«راسخون»، مفتخر است پس از انتشار اثر نو و ابتکاری «باجوانان»- که با استقبال فزاینده و قابل توجه جوانان و نوجوانان عزیز روبرو شد- کار بدیع، ابتکاری و ارزشمند دیگری که نمود حضور، آگاهی و ارتباط مستمر و ریشه‌دار مراجع عظیم‌الشأن با مردم است را تقدیم مشتاقان می‌کند.

بنیاد فرهنگی راسخون/ مرکز نشر

حدیث بیداری، ص: ۴

موضوع: شعر و شاعری

تاریخ: شعبان ۱۳۹۸ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد و الصلوهٔ

اثر شعر در جنبش و انقلاب و نهضتها و اقدامات بزرگ و دعوت به خیر و اصلاح، تربیت روح و تهذیب اخلاق، گذشت از اموال و نفوس و استقبال از خطرات و مصایب و سختیها، در راه مقاصد مهمه، بر احدی پوشیده نیست، گاهی یک قصیده یا حتّی یک شعر، اثرش در رسیدن به هدفهای بزرگ، از هزاران سرباز مسلح و صرف میلیونها پول بیشتر است، و بسا که در بعض مواقف و مناسبات، نقشی را که شعر ایفا می‌کند، هیچ وسیله دیگری نتواند ایفا کند.

شعر در بوجود آوردن تاریخ مؤثر بوده و نفوس مردم را قرنها و اعصار، بلکه همیشه و همه وقت، تحت تأثیر قرار می‌دهد، نظم و سخن موزون، غرایز را بیدار می‌کند، الهام‌بخش روح، و زنده‌کننده احساسات و جهش‌آفرین است؛ شعر در برانگیختن عواطف انسانی عامل مهم بوده است و شعرای متعهّد در تمام رشته‌ها، نقش سازنده‌ای به عهده دارند. در تاریخ اسلام، اشعار و قصاید شعرای صدر اسلام، که در تبلیغ توحید و محکوم ساختن شرک و معرّفی دین و رسالت رسول اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، سروده شده بسیار ارزنده بود، همچنانکه در تاریخ تشیع و مبارزات شیعه علیه بیدادگران و غاصبان مقام خلافت، قصیده معروف فرزدق، و قصیده دعبل، و اشعار کمیت، و سید حمیری، و سید حیدر حلّی، و شیخ کاظم ازری و صدها شاعر دیگر، بسیار ارزنده و گواه این مدّعا است؛ برای شعرای مسؤول نمی‌توان قیمتی معین کرد، بدیهی است شعرا از نظر اینکه تعهّد و مسؤولیت داشته یا نداشته باشند، در یک درجه نیستند. شاعر غیرمتعهد همه گونه شعری می‌سراید و از مدح ستمگران و تقویت باطل و توهین به مقدّسات و تضعیف عدل و حق، باکی ندارد، شعر را وسیله پر کردن شکم و اشباع غرایز حیوانی قرار می‌دهد، و هر لحظه زبان خود را چون

حدیث بیداری، ص: ۵

شمشیر می‌کند تا شکم حریص خود را سیر نماید؛

هر لحظه زبان خود چو شمشیر کندو از مدح، سگی را صفت شیر کند

انبان دروغ را زیر و زبر کندتا این شکم گرسنه را سیر کند

شاعر متعهد و مسؤول کسی است که از ذوق و شعرش در راه هدفهای عالی انسانی و آزادی بشر از چنگال دیو نفس و حکومت حق و عدالت و نظام برادری و برابری، ارشاد و راهنمایی عامه؛ و پند و تبلیغ توحید و مدایح پیغمبران و امامان راستین و پاکان استفاده می‌نماید و شعر را وسیله ترقّی و تکمیل و ا صلاح و رستگاری مردم قرار می‌دهد، این دسته هستند که شعرشان ارزنده و جاودانی است، و همیشه مانند آفتاب، روشنی‌بخش دلهای تاریک است.

چقدر خوار و فرومایه است شاعری که شعرش را در توجیه ظلم و ستم ستمکاران و مدح آنها به هدر می‌دهد، و چقدر نفرت‌انگیز است شاعری که اندیشه‌اش، نه کرسی فلک را زیر پا می‌گذارد تا رکاب قزل ارسلان را ببوسد؛

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای‌تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند

و چقدر گرامی و ارجمند است شاعری که شعر و اثرش، توحید خداوند و نصیحت و هدایت و تشویق جامعه بدرستی و راستی و

کار و کوشش و علم و عمل است.

آری، در شعر هر چه روح سعی و حقیقت و دعوت به حق باشد، ارزنده‌تر است؛ چنانکه در قصیده‌ای گفته‌ام:

در شعر روح باید و معنی و درس دین‌آموزش و حقیقت و ایمان و اعتلا

شعر از برای جایزه و جاه و اعتبارهر گز نگفت شاعر آزاد و پارسا

بدبخت شاعری که پی سیم عمر خویش‌بر باد داد و حاصل او شد همه هبا

همچون گدای سفله به دربار هر خبیث‌از بهر لقمه‌ای به ثناخوانی و دعا

جای سپاس ایزد و مدح رسول و آل‌گوید سخن به مدح ستم پیشه‌ای دغا

جای نصیحت و ادب و منطق صواب‌هزل و چرند گفته و سعیش همه هجا

زیبنده است فخر کند شاعری که اوباشد زبان مردم محروم و مبتلا

افراد را بسیج و محرک به راه راست‌افکار را به سوی خداوند رهنما

حدیث بیداری، ص: ۶

با تقدیم این مختصر انتظار دارد خوانندگان گرامی گنجینه شعر توحید و مدایح و مراثی حضرت رسول اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، و اهلبیت عصمت و طهارت، علیهم‌السّلام، مواعظ و نصایح و تعهد شاعر ما، سخنگوی سخن‌پرور، آقای عیوقی، زید توفیقه، را ضمن اشعار او احساس بنماید، شاعر محترم از سرمایه خدادادی و ذوق و طبع موزون خود نیکو بهره گرفته و با تزیین آثار خود به معارف و حقایق، آنرا جاودان نموده است.

امید ا ست به هر بیتی، بیتی در بهشت به ایشان عطا، و به هر شعری درجه به درجه، درجاتشان افزوده گردد.

سخن تمام این است که ما مدایح حضرت رسول اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و و سلّم، و ائمه طاهرین، علیهم‌السّلام، را وسیله تقرّب به درگاه خداوند متعال و مایه اعتبار و افتخار سخن قرار می‌دهیم و به گفته شاعر پارسی‌زبان:

سخن به ذکر تو آراستن مراد اینست‌که پیش اهل هنر منصبی بود ما را

وگرنه منقبت آفتاب معلوم است‌چه حاجتست به شمّاطه روی زیبا را

و به قول شاعر عرب:

ما آن مدحت محمداً به مقالتی‌لکن مدحت مقالتی بمحمداً

رجای واثق اینکه اشعار و مدایح ایشان، مقبول صاحب ولایت قرار گرفته و نامشان در دفتر شاعران مخلص و مداحان متعهد اهلبیت، علیهم‌السّلام، برای همیشه ثبت و بر تحرّک و نشاط و احساسات اسلامی و معارف خوانندگان بیفزاید.

و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۷

موضوع: سالگرد رحلت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، رحمۀالله علیه

تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۴۱۲ ه‍- ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الْعُلَماءُ امَناءِ اللهِ عَلی خَلْقِهِ.[۱]

یکسال از ارتحال جانسوز بزرگ مرجع شیعیان جهان، حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی، قدس الله نفسه الزکیه، می‌گذرد و

همچنان شیعه سوگوار و دلهای مسلمین داغدار است.

مرجع عالی‌قدری که در سنگرهای جهاد و مبارزه با کفر و استکبار و بدع و الحاد و دفاع از حریم دین و یاری اسلام، همواره با قدمهای بلند و مقاوم و پایداری، اسوه و الگوی مجاهدان راه خدا و عاشقان حاکمیت اسلام بود.

فقیهی که در اجتهاد و استنباط احکام از کتاب و سنت، با استقامت سلیقه و روشن بینی بر ادامه روش فقهای سلف تاکید داشت.

شخصیتی که در تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی، مواضع و پیامها و سخنرانیهای ایشان قاطع و راهگشای مبارزات مردم مسلمان بود.

زعیمی که مسؤولیت خطیر حفظ شئونات حوزه‌های علمیه و پاسداری از استقلال آن و دفاع از رخنه‌ایادی استعمار، در مرکز بزرگ شیعه را با کمال موفقیت انجام داد و تا سر حد ایثارجان و بذل نفس و نفیس اعلام آمادگی می نمود.

آری! او به حق یادگاری از اجداد طاهرین خود بود و ولایت و پیروی از ایشان را تنها وسیله سعادت انسانها می‌دانست و تمسک به قرآن و عترت را تنها راه نجات می‌شناخت؛ از خوف خدا و یاد قیامت گریه‌ها داشت و همیشه در این اندیشه بود که آقا و مولایش، حضرت بقیهٔ الله الاعظم، ارواح العالمین له الفداء، را از خود خشنود سازد و در ردیف یکی از چاکران مخلص آن حضرت قرار داشته باشد؛

وَ سَلامٌ عَلَیهِ یوْمَ وُلِدَ وَ یوْمَ یمُوتُ وَ یوْمَ یبْعَثُ حَیا.[۲]

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۸

موضوع: برگزاری کنگره شیخ مفید، رحمهٔ‌الله علیه

تاریخ: شوّال ۱۴۱۳ ه‍.ق

بسم الله الرحمن الرحیم

قالَ اللّهُ تَعالی: الَمْ انَّ الله انْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً.[۳]

الله عزیز غفور.[۴]

السلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

در عصر ما و در یکصد سال اخیر، حوادث مهمی از جنگهای جهانی و انقلابات اتفاق افتاد که از آن جمله انقلاب کمونیستی و پس از سه ربع قرن، فروپاشی و شکست آن بود، ولی در میان این حوادث، حادثه گرایش مسلمانان، به بازگشت به هویت و شخصیت اسلامی و مهمتر از همه، حادثه خلاف انتظار سیاستمدارانی بود که همه مسایل را با دید مادی و قدرت تسلیحاتی بررسی می‌نمایند؛ حادثه ای که یک میلیارد جمعیتهای بشری را به حرکت و هیجان وجنبش در آورد و واقعه‌ای که حقیقت آن بیداری و نهضت و قیام انبوه‌ها، از صنوف و قشرهای انسانها، برای اقامه عدل و داد و رهایی از قید و بند استعلا و استکبار مستکبران است.

این حرکت توفنده که کم و بیش همه کشورهای اسلامی را شامل شده و مسلمانان را در فلسطین وکشمیر و مصر و تونس و الجزایر وکشورهای آزاد شده از زیر یوغ الحاد و جبّار شوروی سابق، به اسلام‌خواهی برانگیخته است، از تعالیم اسلام الهام گرفته و در واقع کل این نهضت و حرکت از معجزات اسلام و از برکت کارسازی احکام این دین حنیف، که دلیلی بر پیشتر و جلوتر بودن آن از تاریخ و زمان است.

این گرایش عظیم و امواج جهانگیر اسلام‌خواهی و استقلال‌طلبی، اثر طبع نوساز و بعثت و جهشی است که در تعالیم اسلام وجود

دارد؛ احکام نورانی این دین مبین، نور تجدید حیات و نوشدن را در باطن هر مسلمان، در هر زمانی که تاریکی‌هایی زیاد شود،

حدیث بیداری، ص: ۹

روشن می‌سازد و از رخوت و ضعف و مرگ و فنا و زوال و انقراض نجات می‌دهد و ناامیدی‌ها و بی‌حرکتی‌ها و سستی‌ها را به امیدواری، حرکت، عمل، نشاط و فعالیت مبدل می‌سازد.

قرآن کریم در همه قرون و اعصار و در هر شرایط و احوال، راه‌گشای مسلمانان و قوه محرکه چرخ اجتماعات آنها است که با بانگ بیدار باش و هشدار علما و مصلحین، اگر درنگ در اجتماعات مسلمانان بوجود آید، به زودی سرعت وشتاب می گیرد و ما یقین و داریم که بر حسب وعده‌هایی که به ما داده‌اند، همواره و تا عصر ظهور دولت کریمه و حقه حضرت مهدی آل محمد، ارواح العالمین له الفداء، این رشته باقی خواهد ماند و طایفه گروهی که از حق حمایت کنند و صدای حرکت نهضتشان بلند باشد، در هر عصر و زمان وجود خواهد داشت.

این قدرت بزرگ اسلام و استواری و پا برجایی تعالیم آن را دنیای معاصر با انقلاب نورانی اسلام در ایران مشاهده و تجربه کرد و کارساز بودن دین اسلام برای رستگاری و نجات از استکبار را درک نمود.

این قدرت بزرگ اسلام به رهبری علما و مراجع دین، از گریبان مردم فداکار و ایثارگر ایران، با فریادهای الله اکبر و با نثار خون پاک دهها هزار شهید دلباخته اسلام، به معرض نمایش گذارده شد و به جهانیان نشان داد که اسلام، همچنان کعبه آمال مسلمانان و صاحب قلوب این جوامع عظیم انسانی است.

در افغانستان دین اسلام بود که در برابر آن ابرقدرت بی‌رحم و سفّاک و الحادی شوروی سابق به جهاد برخاست و سرانجام با عدم امکانات مادی و با نیروی معنوی ایمان، آن را شکست داد و از افغانستان بیرون راند.

در فلسطین، دین اسلام است که درمقابل ابر قدرت دیگر آمریکا، حامی همه جانبه صهیونیسم، به جهاد و مقاومت ادامه می‌دهد و آزادی قدس عزیز را وجهه همت قرار داده است.

در الجزایر، این مسلمانان بودند که اسلام را برای حاکمیت و نظام خود برگزیدند و این مسلمانها هستند که اکنون در برابر اعمال ضد اسلامی بیگانه جهاد می‌نمایند و با وجود این همه سرکوبی توسّط رژیم حاکم، صدای تکبیرشان بلند است.

در مصر و تونس و در همه جا، علم توحید اسلام و

حدیث بیداری، ص: ۱۰

محکوم کردن رژیم و استبداد و استکبار در اهتزاز است.

این روح اسلام گرایی نمردنی و کشته نشدنی است و مستکبران و نظامات مزدور آنها نخواهند توانست آن را سرکوب نمایند.

یریدونَ لِیطْفِئُوا نُورَاللهِ بِافْواهِهِمْ وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْکَرِهَ الْکافِرونَ.[۵]

و این همان نور است که در مثل بوسنی و هرزگوین، بعد از دهها سال سلطه بسیار خشن و سنگدل کمونیسم متجلی می‌شود و در برابر آن همه اعمال وحشیانه صربها، که در تاریخ جنایات بی‌سابقه یا کم‌سابقه است، تسلیم نشده و شرافتمندانه مقاومت و جهاد می‌نمایند.

از خداوند متعال برای همه این قشرهای پایدار و مؤمن و جهادگر در همه اقطار جهان، تأیید و نصرت و موفقیت می‌خواهیم.

یکی از آثار مهم این بازگشت به هویت ارزنده و محبوب اسلامی، باز شناسی تاریخ اسلام و سوابق درخشان اسلامی و تزکار عظمتها و احیای ایام مجد آفرین و شناخت بزرگان و رجال این دین مبین است.

اسلام به شهادت تاریخ و دوست و دشمن، مهد پرورش عظما، مصلحین و نوابغ و علمای بزرگ در رشته‌های مختلف علمی است؛

مدارس و کتابخانه ها و حوزه‌های علمی آن همه در گذشته و حال دارای شهرت جاوید و جهانی است.
شناخت این سوابق برای نسل جوان که خواهان تجدید عظمت این امّت بزرگ است، موجب اعتماد به نفس و وثوق به نصر الهی و شور و شوق به داشتن استقلال اسلامی است.
ما در همه رشته‌های سیاست و علوم و فنون، بزرگانی داریم که در بین اقران و اماثل خود بی نظیر یا کم نظیرند.
افراد برجسته‌ای داریم که نه تنها در یک رشته علمی، بلکه در رشته‌های متعدد و همه علوم عقلی و نقلی متبحر و متخصص و استاد و مفخره جهان علم می‌باشند.
ما مسلمانها همیشه مشعلدار علم و تمدن و مروج تحقیق

حدیث بیداری، ص: ۱۱

و کاوش بوده‌ایم.
یکی از این شخصیت‌های بسیار ارزنده، از نوادر دهر و نوابغ زمان، شخصیتی است که این کنگره به نام نامی او تأسیس شده است؛ شیخ اجل، امام العلما و فخر رجالات اسلام، شیخ مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان التلعکبری، قدس الله نفسه الزکیه، شخصیتی که به مقامات بلند علمی و عملی و زهد و تقوا و قداست نفس و کثرت صدقات و کثرت صوم و صلات وعظمت خشوع و اوصاف جمیله دیگر مدح شده است و شهر بغداد، که یکی از بزرگترین و مشهورترین مراکز علمی عالم اسلام و مقر علما بزرگ و رؤسای مذاهب مختلف بود، در نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، تحت الشعاع افکار وارادات در کلام و فقه و حدیث و تفسیر و ادب قرار داشت و مدرسه او بزرگترین پایگاه و تحقیق و بحث وبررسی در علوم و مسایل مختلف بود. شاگردانی از مدرسه او بیرون آمدند که مانند شریف مرتضی و شریف رضی و دیلمی و شیخ توسی، همه از مفاخر عالم اسلام می‌باشند و آثار و تألیفات ارزنده او و شاگردانش، در انواع علوم اسلامی، هم چنان درصدر تألیفات نافعه و مورد استفاده اساتید و از مصادر اجتهاد و تحقیق است.
آشنایی بازندگی این بزرگان و آثار علمی آنان برای ما بسیار سودمند است؛ زیرا به واسطه این حَمَله آثار و بزرگانی که قبل از آنها بوده‌اند، دین و مبانی شرع و احکام نورانی اسلام به ما رسیده است. از این جهت درک و شناخت آنها از دین و فهم آنها از کتاب و سنت، اگر چه تعبداً لازم‌الاخذ نیست، ولی در اجتهاد و مجتهدین و استقامت دیدگاه‌های علمی آنها بسیار مفید ومؤثر است و باید آشنایی با معارف و نظرات این بزرگان را فصلی مهم از معارف دینی بدانیم؛ چنانکه تجلیل از مقام علم و عمل و تقوا و خلوص نیت و سیره آنها و حفظ تاریخ حیات پربرکت آنها، برای خود و آیندگان مصداق کریمه لَقَدْ کانَ فی قِصَصِهِمْ عِبْرَةً لِاولِی الْالْبابْ،[۶] را الگو و سرمشق قرار دهیم.
اینجانب، تشکیل کنگره بزرگداشت امثال شیخ مفید، علیهم الرحمهٔ و الرضوان، را سودمند دانسته، از برگزارکنندگان این کنگره و حضرات علمای اعلام و

حدیث بیداری، ص: ۱۲

حجج اسلام و نویسندگان بزرگواری که در تشکیل این کنگره و شناساندن بیشتر شیخ مفید، با مساعی جمیله مشارکت فرموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.
والسّلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته
لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۱۳

موضوع: اهانت به حریم امام رضا، علیه‌السّلام، در عاشورای حسینی

تاریخ: محرم ۱۴۱۵ ه‍. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

لاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللهِ الْعَلِیِ الْعَظیمِ.

زمانی که در اثر انقلاب عظیم ایران و تلاشها و مجاهدات مصلحین بزرگ، در سراسر عالم اسلام، همه مسلمانان، بخصوص نسل جوان و تحصیل کرده، در زیر لوای وحدت، امّت اسلامی واحده را پی‌ریزی کرده ودلهای همگان، سرشار از عشق و محبّت به توحید کلمه شده است، تفاهم و تجارب و همزبانی و همدردی همه را به هم نزدیك والفت داده و وحدتی بی سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای اذِلَّةً عَلَی الْمُؤْمِنینَ و اعِزَّةً عَلَی الْکافِرینَ ۷] و اشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُمْ ۸] مستکبران را سخت به وحشت انداخته است.

آری! در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی، ازاینکه با منطق و استدلال اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی، راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده‌اند.

امسال این عوامل جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه ترین جنایتها را، که جهان اسلام را در سوگ و مصیبت فرو برد، مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحیهٔ والثناء، حرم مطهر آن سلاله پاك پیامبر اکرم اسلام، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعبیه بمب در جوار آن مرقد شریف، جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجّه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته دربان را منهدم و تعدادی از

حدیث بیداری، ص: ۱۴

مجلّدات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده‌اند.

عمق عظمت این فاجعه دلخراش، که لکه تنگ تاریخی بزرگی بر دامن این از خدا بی‌خبران است، با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می‌شوند، بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن زیاد و سپاه حجاج هستند.

اینجانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنن هشدار می‌دهم که این ایادی مزدور، با تمام قوا، عزّت و کیان امّت اسلام را هدف قرار داده‌اند و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: وَ عَلَی الْاِسْلامِ السَّلامُ.

باید همه دولتهای اسلامی و همه علما و اقطاب فکری، این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و برائت خود را از عمّال این جنایت بزرگ ابراز دارند.

این جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیهٔ‌الله، ارواح العالمین له الفداء، خانواده‌های محترم عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نایل شده‌اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می‌دارم که این عوامل چه بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملایك پاسبان حضرت رضا، علیه‌السّلام، و سایر اعتاب مقدسه با این اهانت‌ها شکسته نخواهد شد و یقین است که

آثار سوء این جنایت بزرگ بزودی دستگیر عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده، به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

وَ ما ذلِکَ عَلَی اللهِ بِعَزیز.[۹]

فَلا تَحْسَبَنَّ الله مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ انَّ اللهَ عَزیزٌ ذُوانْتِقامْ.[۱۰]

لطف الله الصافی

حدیث بیداری، ص: ۱۵

موضوع: جشن نیمه شعبان/ تبریز

تاریخ: شعبان ۱۴۱۵ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ عَلی خَیرِ خَلْقِهِ وَ اشْرَفِ بَرِیتِهِ مُحَمَّد وَ عِتْرَتِهِ الطّاهِرینَ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلی اعْدائِهِمْ اجْمَعینَ ثُمَّ السَّلامُ عَلَی الْمَهْدِی الَّذی وَعَدَاللهُ بِهِ الْاُمَمَ.

هیأت محترم برگزارکننده مراسم جشن نیمه شعبان- تبریز

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مرقوم شریف آن عزیزان در تبریک و تهنیت عید سعید ولادت منجی جهان، حامی مستضعفان، قامع مستکبران و ستمگران، حضرت بقیةالله، ارواح العالمین له الفداء، زیارت شد.

با تشکر، حقیر نیز این عید بزرگ را خدمت شما و عموم شیعیان جهان تبریک عرض نموده، از خداوند متعال توفیق و سعادت بیشتر برای شما مسألت می‌نمایم.

احیای امر اهلبیت، علیهم‌السّلام، که در عصر غیبت، یکی از بزرگترین مصادیق آن عرض ادب، ثناخوانی و دعا برای تعجیل فرج حضرت صاحب الامر، علیه‌السّلام، و زنده نگاه داشتن یاد آن امام عظیم الشأن در قلوب است، از اهم وظایفی است که شیعه باید به آن ملتزم و متعهد باشد.

عصر غیبت، عصر امتحان، عصر عمل، عصر ثبات و استقامت و عصر پاسداری از احکام نورانی قرآن و هدایت اسلام است. در این عصر وظیفه همگان خطیر است، و همه باید در تحقّق اهداف عالیه اسلام و مبارزه با بدع و موضع‌گیری محکم در برابر کفر و شرک واستکبار و استیلا، صابرانه و سر سختانه عمل نمایند.

وظایفی که مؤمنین در عصر غیبت در ابعاد مختلف دارند، از وظایفی که در عصر حضور دارند کمتر نیست. مسؤولیت منتظر بودن و به حقیقت، انتظار ظهور داشتن، مسؤولیتی است که همه باید در ایفای آن ساعی و کوشا باشند.

منتظر حقیقی که منتظر فرج ظهور آن عدل جهانی و دولت کریمه حضرت صاحب الزمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، است، آینده دنیا و روزی را که دین اسلام عالمگیر می‌شود و همه جا عدل و برادری و برابری

حدیث بیداری، ص: ۱۶

اسلامی حاکم می‌گردد، و عقلها تکامل یافته، علم و معرفت تاریکیهای جهالتها و گمراهیها را از میان بر می‌دارد، به چشم ایمان می‌بیند، خود نیز باید در مسیر تحقق این اهداف قدم بردارد و همیشه پیشقدم باشد و در صحنه عملیات اسلامی و میدانهای کار و تلاش برای هر چه بیشتر شدن اعتلای اسلام و عزّت مسلمین حضور داشته باشد، و از آنچه در گوشه و کنار دنیا، در ارتباط با اسلام

و مسلمین می گذرد، مطّلع باشد، تا مسؤولیتی را که به عهده هر مسلمان است، ایفا نماید.

یقیناً کسی که از چگونگی مظالم استکبار امریکا و صهیونیسم در فلسطین و قدس عزیز بی‌خبر است، یا از جنایتهای قشون خونخوار و وحشی روسیه در چچن مسلمان و مقاومت مجاهدانه و دلیرانه مردم چچن مطّلع نیست، و در برابر این گونه حوادث بی‌تفاوت است، منتظر ظهور نیست. مفهوم تمام برنامه‌های نیمه شعبان و این جشن و چراغانیها، که باید بیشتر و با شکوهتر از این که هست، انجام شود، اعلام تعهّد به احکام اسلام و حرکت به سوی حاکمیت اسلام و حفظ مواضع و سنگرهای اسلامی و مدافعه از حدود و ثغور فکری و جغرافیایی اسلام است.

توقّع و انتظار این است که در انجام این مراسم، در عین اهتمام به شکوه و جلال جشنها و مجالس، مواظبت شود که در محدوده آداب و برنامه‌های دینی انجام گیرد، و عملی که مانع از قبول این خدمات گردد از کسی صادر نشود، و جلوه ملکوتی این مجالس را حفظ نمایند.

و السّلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

اقل المتمسکین بحبل ولایته، علیه السلام

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۱۷

موضوع: مقام شهید مطهری

تاریخ: شوال ۱۴۱۵ ه‍. ق

بسم‌الله الرحمن الرحیم

استاد شهید مطهری از مفاخر علمای اعلام معاصر و متبحر در علوم عقلی و نقلی بود. حقیر با سوابق حدود چهل سال از آن شهید سعید، او را عالمی غمخوار اسلام و مجاهدی نستوه می‌دانم که برای احیای امر اهل بیت، علیهم‌السّلام، معالم دین و بازگشت مسلمانان به مجد و عظمت دیرین و حاکمیت اسلام و نجات مردم از استضعاف مستکبران و اجرای عدالت اسلامی، با خلوص نیت فداکارانه کوشید.

در دفاع از حریم حقوق انسان و ثغور فکری و عقیدتی مسلمانان ناتوان تلاش کرد. مواضع او در برابر غربزدگان و کسانی که دست به کار تحریف دعوت اسلام شده بودند، سخت قاطع و استوار بود و بدون مجامله و با صراحت، با بیان و قلم، انحرافات آنها را روشن نمود.

او نسل جوان را از افتادن در دامهای برخی که می‌خواستند اسلام را با ایده‌های غرب‌پسند یا شرق‌گرا تفسیر و معرّفی نمایند، حفظ نمود و در برابر مکتبهای التقاطی و باطل ایستاد و تا آنجا که در توانش بود، مکتب اصیل اسلام را بر اساس کاوش و تحقیق و تعمّق در کتاب و سنّت و علوم و احادیث عترت تبلیغ و ترویج کرد و سرانجام در این راه به فیض عظیم شهادت نایل شد.

نسل معاصر بلکه نسلهای آینده خدمات علمی و معنوی او را فراموش نخواهد کرد؛ از چنین شخصیتی هر چه بیشتر تجلیل و تقدیر شود، نشانه آگاهی جامعه و ارج دادن به قدر و منزلت علم و معرفت و دانش و پژوهش و جهاد و اقدام است.

تغمده‌الله برحمته الواسعهٔ و شکّر مساعیه الجمیله و حشره مع ساداته الانجبین محمّد و آله الابرار الطیبین صلوات الله علیهم اجمعین.

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۱۸

موضوع: ارتحال آیت‌الله صافی اصفهانی، رحمهٔ‌الله علیه

تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۴۱۶ ه‍. ق

الحمدلله رب العالمین و الصلاهٔ و السلام علی سید الاولین و الاخرین ابی‌القاسم محمد و آله الطاهرین سیما مولانا و مقتدانا بقیهٔ‌الله عجّل الله تعالی فرجه‌الشریف.

و بعد، بیت معظّم مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ حسن صافی، تغمده‌الله برحمته، از حقیر درباره ابعاد شخصیت آن فقید عزیز خواستار شده‌اند که اطلاعات خود را به عرض برسانم. اینجانب نظر به اینکه ایشان، اخیراً، عملًا و عنواناً، مدیریت حوزه علمیه اصفهان را به عهده داشته، خلف صالح اسلافی بودند که از مفاخر عالم علم و اسلام بوده‌اند، چنان مقتضی دیدم که به ایشان، مختصری در تجلیل از آن حوزه بزرگ و بزرگانی که در دورانهای مختلف آن را رهبری فرموده و وجودشان دوام‌بخش آن حوزه بوده یادآور این سوابق درخشان شده و آنرا با اشاره به ابعاد شخصیت آن مرحوم، به پایان برسانم.

امید است به مضمون عند ذکر الصالحین تنزل الرحمهٔ، موجب نزول رحمت بر خودم و قرائت‌کنندگان و شنوندگان این کلمات شود.

حوزه علمیه اصفهان حدود چهار قرن است که از آن انوار علم و معارف اهل بیت، علیهم‌السّلام، در اشراق و لمعان است و جهان را روشن و منور ساخته است، بخصوص در عصر علامه بزرگ مجلسی، علیه‌الرحمهٔ، این حوزه، مجدد دین و مذهب گردید و آثار اعلام اسلامی را که در زوایای خفا مانده بود، آشکار ساخت.

عصر مجلسی این امتیاز را داشت که موقعیت علوم اسلامی خالص را که قبل از آن بواسطه گرایش زاید از حاجت به علوم به اصطلاح عرفان و معقول رو به کاستی گذارده بود، تجدید کرد و اعتبار و منزلت برتر آن و جامعیت معارف اهل بیت، علیهم‌السّلام، را مبین و ثابت نموده و تخصص و تبحر در رشته‌های علوم اسلامی را وجهه همّت علما و محققان قرار داد و تفسیر و فقه و حدیث و علوم عقاید را بر اساس مبانی محکم کتاب و سنّت و احادیث آل محمّد، صلوات‌الله علیهم اجمعین، در همه مدارس و مباحث، متن و اصل مباحثات و تدریس و تصنیف قرار داد.

حدیث بیداری، ص: ۱۹

اجمالًا این حق عظیمی است که حوزه اصفهان و شخصیتی مانند علّامه مجلسی بر همه حوزه‌ها دارد. در عین حالی که حوزه اصفهان و سایر حوزه‌ها همه از برکات حوزه‌های اولیه تشیع، که از مسجد مدینه طیبه و کوفه و قم و نجف، شروع شد که زحمات دهها هزار محدّث و حافظان علوم اهل بیت، علیهم‌السّلام، که از این حوزه‌ها برخاسته و تألیفات برخی از آنها به ده‌ها و بلکه صدها می‌رسد، علوم را به اقصی نقاط عالم اسلام رساند، مستفیض می‌باشند.

شکرالله مساعیهم الجمیله و جزاهم الله عنی الاسلام و اهله افضل الجزاء.

در همین قرن اخیر (قرن چهاردهم هجری قمری) نیز تاریخ و کارنامه حوزه اصفهان در ابعاد مختلف علمی و سیاسی و مبارزه با بدع و استعمار، درخشان و ارزنده است و شخصیتهایی که در این حوزه بر کرسی تدریس و زعامت نشستند، اکثراً کم‌نظیر و مایه افتخار و مباهات بوده‌اند.

و علمای آن حوزه در همه حرکتها و جنبشهای اسلامی پیشگام و در صف مقدم قرار دارند که حقیر کم و بیش از حالات و جریان زندگی جمعی از آنها اطّلاع دارم.

یکی از این مفاخری که در سنوات اخیره در حوزه اصفهان، علم و فقه و درس و پارسایی و مدیریت حوزه و امور اسلامی این شهر بزرگ را با هم جمع کرده بود، مرحوم عالم کامل و فقیه جامع، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی بود؛ شخصیتی که بواسطه حسن اخلاق و فضایل نفسانی و تواضع و سعی در حوایج مؤمنین، مخصوصاً طلاب عزیز حوزه، مورد احترام

همگان و همه اقشار و اصناف بود. حقیتاً وجودش برای حوزه و برای اعزاز دین مبین عماد و اسطوانه بود؛ تدریس و جواب به مراجعات دینی و مذهبی را با حسن استقبال به عهده داشت و خدمتگزار و غلام و چاکری مخلص برای آقا و مولایش و مولای همه، حضرت بقیهٔالله، ارواح العالمین له الفداء، بود. آنچه از احوال ایشان، حقیر اطّلاع دارم همه خیر و فضیلت و تلاش برای اعلای کلمه اسلام و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم‌السّلام، است.

خداوند متعال روح پرفتوح ایشان را با ارواح پاک اولیای دین محشور فرماید و بیتشان را به وجود علمای عامل معمور بدارد و به این حقیر حسن عاقبت عطا فرماید.

اللهم اجعل محیانا محیا محمّد و اهل بیته و مماتنا

مماتهم صلواتک علیهم اجمعین.

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۲۰

موضوع: جشن نیمه شعبان / تبریز

تاریخ: شعبان ۱۴۱۶ ه‍ـ. ق

هیأت محترم برگزاری مراسم نیمه شعبان،

مسجد توحید، ایدهم الله تعالی

السّلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

نامه تبریک عید سعید ولادت حضرت غوث‌الوری و خاتم الاولیاء قطب عالم امکان و نجات‌بخش عالمیان و براندازنده حکومتهای ظالمان و مستکبران مولانا المهدی، ارواح‌العالمین له الفداء و کحل‌الله ابصارنا بتراب اقدام خواصه و المتشرفین بلقائه، موجب کمال تشکّر گردید. حقیر متقابلًا این عید مبارک را به شما برادران عزیز و مشتاقان ظهور موفورالسرور و حکومت عدل اسلامی و جهانی آن حضرت تبریک عرض می کنم.

این احساسات مشحون از ایمان و علاقه به احیای امر آن ولی اعظم خدا، که همه ساله در نیمه شعبان متجلی و با برنامه‌های معرفت‌بخش و بصیرت‌افزا باشکوه و معنویت، عرضه آن نو و تجدید می‌شود، بسیار قابل تقدیر است. ارتباط یافتن و ارتباط دادن اشخاص به آن آستان فرشته پاسبان اهداف و مقاصدی که با ظهور آن بزرگوار محقق می‌شود و عدل و داد و برادری و توحید و ایمان و صلح و مودت و صفا را عالمگیر می گرداند، باید منتظران ظهور را در مسیر کار و عمل به سوی آن عصر الهی قرار دهد؛ اعلای کلمه اسلام و احیای معالم مذهب و آثار اهل بیت، علیهم‌السّلام، تعظیم شعایر و اعانت ضعفا و قضای حوایج و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با بدع و پاسداری از احکام شرع، از اهم اموری است که موجب خشنودی آن حضرت و منتظر حقیقی ظهور باید به آن ملتزم و متعهد باشد. یقیناً آن حضرت از مظاهر خالصانه اسلامی و آنچه موجب عزّت و عظمت مسلمین می‌شود، شاد و مسرور می گردند و از ظواهر فساد و منکرات و اشتغال مردم به ملاهی و مناهی غمناک می‌شوند.

امید است ما و همه منتظران ظهور و مشتاقان درک لقا و شرف حضور در خط تحصیل تقرّب به آن صاحب وقت،

با ایمان و عمل صالح، همیشه پیشگام و قدم به پیش باشیم. در خاتمه با اعلام وصول دو هدیه گرانبها- ویژه‌نامه- و کتاب (به یاد مهدی زهرا، سلام‌الله علیها)، توفیق بیشتر آن عزیزان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

والسّلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۲۱

موضوع: مؤسسه مهد قرآن

تاریخ: ذی‌الحجّه ۱۴۱۶ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی: انَّ هذَا الْقُرْآنَ یهْدی لِلَّتی هِی اقْوَمُ وَ یبَشِّرُ الْمُؤْمِنینَ الَّذینَ یعْمَلُونَ الصّالِحاتِ انَّ لَهُمْ اجراً کبیراً.[۱۱]

قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ وَ هُدی وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ.[۱۲]

قرآن کریم یگانه اثر بی همتا و باقی و پایدار رسالت خدا و وحی نازل بر انبیا و معجزه جاوید دین اسلام و برهان حقّانیت همه ادیان حقه آسمانی و عالم غیب و نور هدایت وشفا و رحمت است.

در طی چهارده قرن که از نزول این کتاب عزیز گذشته، حرکت و شتاب بسیار چشمگیر و همه جانبه‌ای که برای بشر و کشف علوم و فنون و رشد معارف و آگاهی فراهم شد، نسبت به تمام اعصار و دوران‌های طولانی گذشته، بی‌سابقه و حیرت‌انگیز و اعجازآفرین است.

اگر دنیا را به دو عصر و دو دوره قدیم و جدید تقسیم کنیم، دوره نو و جدید آن، که دوره تکامل و بروز استعدادات بشری و نو شدن مظاهر زندگی، اکتشافات و اختراعات و تبدیل جهانیان به جامعه واحد است، دوره قرآن، کتاب جهانی و جهان است که از پرتو انوار آن حقایق آشکار و نهضت سریع انسانیت، به سوی ترقی و تقدم آغاز شد و آفاقی تازه، که وسعت آن با میلیونها ومیلیاردها سال نوری نیز به حساب نمی‌آید، بر روی بشر باز شد.

منشور خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْارْضِ جَمیعاً[۱۳]، سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الْارْضِ جمیعاً[۱۴] همه را به تحقیق و

حدیث بیداری، ص: ۲۲

کاوش، ترغیب و تشویق کرد و با ابلاغهای توحیدی، مثل انَّما الهُکُمْ الهٌ واحِدٌ[۱۵]، برابری همه نژادها را اعلان نمود و رسم بشر پرستی و شرک و کفر را محکوم کرد و اصولی را که هر چه بشر به سوی تمدن حقیقی پیشتاز شود، نیازمندیهای او را مرتفع می‌سازد، مقرر نمود.

دین واحد، حکومت واحد، نظام واحد، جامعه واحد و عدالت و برابری و صلح و امانت و صداقت و طهارت و رحم و احسان و رفاه وآسایش و امنیت و قانون برای همه و همه دعوت قرآن است و در یک کلمه، قرآن جهان را از ظلمات و تاریکی‌ها به نور و روشنایی وارد کرد و با ندای دلنواز انَّ اللهَ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاحْسانِ،[۱۶] انَّ اکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ اتْقیکُمْ ۱۷]، و صدها نواها و نداهای نجات‌بخش، مقام انسانیت تمام افراد را گرامی داشت و پایان دوره‌های سیاه استبداد و استکبار و استعمار را اعلام نمود. این کتاب کریم، همانگونه که چهارده قرن پیش معجزه کامله و دلیل باهر و برهان ظاهر به حق بودن اسلام بوده، امروز و همیشه و تا ابد معجزه و برهان است و هر مسلمان در هر عصر و زمان می‌تواند با تلاوت آیه وَ انْ کُنْتُمْ فی رَیب مِمّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهْ مِنْ مِثْلِهِ ۱۸]، اعجاز آن را به دنیا اعلام کند و تأیید خبر غیبی فَانْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا[۱۹]، را که چهارده قرن است تأیید شده، از نو مشاهده کند.

قرآن کریم، پیش از آنکه چهارده قرن پیش، کتاب جوامع کوچک دنیا باشد، کتاب امروز و جامعه بزرگ جهانی امروز است، و پیش از آنکه کتاب امروز باشد، کتاب فرداها و عصرهای آینده است. آنچه ثابت و مسلّم است، مجد و عظمتی که برای مسلمانان به آن صورت بی‌نظیر فراهم شد، از برکت تعالیم قرآن بود و هر سستی و ضعفی که در هر عصر و زمان، در ارکان جامعه مسلمین پیدا

شد، در اثر دوری از قرآن

حدیث بیداری، ص: ۲۳

و هدایت‌های آن بود و یگانه راه جبران خسارت‌ها و ترمیم ضعف‌ها بازگشت به قرآن است.

بنابراین بهترین خدمت به جامعه مسلمانان، بخصوص نسل جوان و راه رستگاری و نجات از هر گونه ضعف و استضعاف، قرآنی شدن و قرآنی ساختن جامعه است.

باید قرآن را همه جا ببریم و همه جا با قرآن باشیم، در خانه‌ها، در مدارس، در دانشگاهها، در مؤسسات و ادارات، در بیمارستان‌ها، در بازار، در شهر و در روستا، در دولت، در مراکز مختلف، همه جا باید قرآن را ببریم و همه را با قرآن آشنا سازیم، همه باید به قرآن استشهاد کنند و از قرآن الهام بگیرند. در سخنان و مطالب و مقاصدشان قرآن را اشعار خود قرار دهند. باید همه مبلّغ قرآن باشیم و حقایق آن را به دنیای معاصر، که سخت تشنه آن است برسانیم و مؤسسات تحفیظ قرآن و تدریس قرائت قرآن و تفسیر و بیان علوم قرآن را، هر چه ممکن باشد، گسترش دهیم و با این مؤسسات همکاری و معاضدت تنگاتنگ داشته باشیم که خوشبختانه گرایش جامعه، خصوص جوانان مؤمن و آگاه به قرآن، بسیار موجب امیدواری و علامت رشد و آگاهی و بیداری است، مراکز تعلیم قرآن و دارالقرآن‌ها رو به ازدیاد و حفظ و تعلیم و تعلّم قرآن موجب فخر و مباهات است.

نکته ای که در این حرکت وسیع قرآنی باید به آن توجه داشت، هشدار حضرت رسول اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، در حدیث ثقلین متواتر است که باید تمسّک به قرآن با تمسّک به عترت و ائمه طاهرین، علیهم‌السّلام، توأم و مقرون به هم باشد.

آنچه بر حسب این حدیث قطعی و مسلّم، امان از ضلالت و گمراهی است، تمسّک به ثقلین قرآن و عترت است.

پرواز به سوی مدارج و معارج قرب الهی با این دو بال صورت می گیرد و با ترک هر کدام، پرواز تنها با دیگری امکان پذیر نیست.

صرف یادگرفتن قرآن و تجوید خواندن آن، بدون تمسّک به هدایتهای ائمه طاهرین، علیهم‌السّلام، و ولایت آنها و معرفت مقاماتشان میسر نمی‌شود و الّا امثال حجّاج‌ها در قرائت صحیح قرآن و درک فصاحت و بلاغت آن مهارت داشتند، ولی مصداق رُبَّ تالِ الْقُرْآنِ وَ الْقُرآنُ یلْعَنُهُ ۲۰] بودند.

حاصل این است که دراین مسیر و حرکت نورانی، باید

حدیث بیداری، ص: ۲۴

از هدایت اهل بیت کمک بگیریم. نباید در تمسّک به قرآن، تمسّک به اهل بیت، علیهم‌السّلام، را ازنظر دوربداریم که خدای ناخواسته در تمسّک به هر یک از این دو امانت عزیز پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، تمسّک به دیگری کمتر و کمرنگ تر باشد.

امید است که مؤسسان این مراکز قرآنی با آگاهی و هوشیاری، این نکته را نیز که بسیار مهم است در برنامه‌ها و اساسنامه‌های خود منظور فرمایند.

بعد از این مقدمه طولانی که هدیه ای از حقیر به مؤسسه قرآنی مهد قرآن است، کمال تقدیر و تشکر خود را از حضرات حجج اسلام و مؤسسین مخلص و موفّق مهد قرآن، دامت افاضاتهم، و عزیزانی که به کسب شرف افتخار خدمت و همکاری با این مؤسسه شریفه نایل شده‌اند تقدیم می‌دارم و توفیق آنان را در ظلّ عنایات صاحب وقت و ولی امر، حضرت بقیهٔ‌الله، مولی الوری، الامام المهدی، ارواح العالمین له الفداء، مسألت می‌نمایم و به عموم برادران و خواهران ایمانی که شیفته بسط و نشر حقایق قرآن کریم می‌باشند بطور مؤکد توصیه می‌نمایم که در همکاری مادی و معنوی با این مؤسسه مقدسه قرآنیه، مسابقت و مبادرت گسترده داشته باشند و در این اجر و ثواب عظیم خود را شریک و سهیم نموده، از این خوان گسترده و مأدبهٔ الله، مستفیض و بهره‌مند گردند.

ضمناً علاوه بر تبرعات و هدایایی که تقدیم می‌نمایند، مجازند تا حد دو ثلث از سهم مبارک امام، علیه الصلاهٔ و السّلام، را برای ادامه کار و توسعه این بنیاد مبارک بپردازند.

اقل المعتصمین بحبل التمسّک بالثقلین

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۲۵

موضوع: شخصیت امام علی، علیه‌السّلام

تاریخ: رجب ۱۴۱۷ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

وَ ماذا یقُولُ النّاسُ فی مَدْحِ مَنْ اتَتْ

مَدائِحَهُ الغَرّاءَ فی مُحْکَمِ الذِّکْرِ

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست‌که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

از آن شخصیت عظیم که بعد از رسول خدا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، اشرف کلمات الهیه، اکبر آیات ربانیه، ادلّ دلایل جامعه، اتمّ براهین ساطعه، وسایل کافیه و مظهر العجایب و معدن الغرایب است و مالک کل عظمت های انسان ما فوق و برتر و خلیفهٔالله بر حق است و دوستی او عنوان صحیفه مؤمن و علامت طهارت مولد است، اگر انسان، همه زبان‌های گویا را در دهان داشته باشد و با هر کدام از آنها جاودانه مدح و ثنا بگوید، از حرف نخستین مدح او، بیشتر نخواهد گفت و زبان حالش این شعر خواهد بود:

این شرح بی‌نهایت کز وصف یار گفتندحرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد

در آن میدانی که پیامبر اعظم، عقل کل، خاتم رسل و هادی سبل، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، بر حسب احادیث معتبر و مشهور بین‌المسلمین، از آن حضرت، آن همه تمجیدات و تعریفات رسا و پر از معنا فرموده باشد و او را با حق و با قرآن، و حق و قرآن را با او و لازم الاتصال و غیر قابل افتراق دانسته باشد، و گاه فرموده باشد:

وَ الَّذی نَفْسی بِیدِه لَوْلا ـ انْ تَقُولَ طَوائِفٌ مِنْ امَّتی فیک ما قالَتِ النَّصاری فِی ابْنِ مَرْیمَ لَقُلْتُ الْیوْمَ فیکَ مَقالًا لا ـ تَمُرُّ بِمَلَاءِ مِنَ الْمُسْلِمینَ الّا وَ اخَذوا التُّرابَ مِنْ تَحْتِ قدمیك لِلْبَرَکَهْ.

و گاهی با زبان معجزبیان و حقیقت ترجمان، فرموده باشد:

لَوْ انَّ الْبَحْرَ وَ الرِّیاضَ اقْلامٌ وَ الْانْسَ کِتابٌ وَ الْجِنَّ حِسابٌ ما احْصَوا فَضائِلَکَ یا ابَا الْحَسَنْ.

یا ارزش یکی از میدانهای جهاد آن مجاهد فی سبیل‌الله را در راه اعلای کلمهٔ الله و دفاع از حق، افضل از

حدیث بیداری، ص: ۲۶

عبادت جن و انس و یا تمام امت معرفی کرده باشد، دیگران در مدح و ثنا آن حضرت چه می‌توانند بگویند؟! همه در برابر آفتاب جهان تاب محمدی و دریای بیکران علم احمدی، صلوات‌الله علیه، چون ذره و قطره، بلکه از آن هم کمترند.

حقیقت این است که با جمله‌ها و کلماتی که حروف آنها از بیست و نه حرف بیشتر نیست، نمی‌توان از بزرگ بنده خاص و مخلص خدا، که در آیات بسیار از قرآن، خداوند متعال، خود او را وصف و مدح فرموده است، توصیف و ستایش کرد؛

وان قمصیاً خیط من نسج تسعهٔوعشرین حرفاً عن معالیه قاصر

مدایح شایسته‌ای که از آن امام عظیم و رهبر موحدان و پیشوای مجاهدان وسرور زهّاد و دادگران و امیرمؤمنان شده، هر چه رسا وشیوا بوده، به ناحیه ای از نواحی عظمت آن حضرت، اشارت دارد.

آن که در مجلس معاویه و به درخواست و اصرار او، امام رابه این سخنان توصیف کرد:

کان و الله بعید المدی شدید القوی تتفجر الحکمهٔ من جوانبه و العلم من نواحیه یستو حش من الدنیا و زهرتها و یأنس باللیل و وحشته و کان والله غزیر الدمعهٔ و طویل الفکرهٔ یحاسب نفسه اذا خلی و یقلب کفّیه علی ما مضی یعجبهٔ من اللباس القصیر و من المعاش الخشن و کان فینا کاحدنا ...؛

و آن که با این جمله کوتاه احتیاج الکل الیه و استغناءه عن الکل دلیل علی انه امام الکل.

او را ستود؛

و آن که در وصف کلامش می‌گفت:

کَلامُهُ فَوْقَ کَلامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ کَلامِ الْخالِقِ

و آن که می‌گفت:

لَوْلا عَلِی لَهَلَکَ عُمَرٌ وَ لَوْلا سَیفُهُ لَما قامَ لِلْاسْلامِ عَمُودٌ

وآن که می‌گفت:

قُتِلَ فی مِحْرابِ عِبادَتِهِ لِشِدَّهِٔ عَدْلِهِ

و آن بانوی شجاع و با معرفتی که او را در حضور معاویه به این دو شعر، مدح نمود:

صَلَّی الْالهِ عَلی جِسْم تَضَمَّنُهُقَبْرٌ فَاصْبَحَ فیهِ الْعَدْلُ مَدْفوناً

قَدْ حالَفَ الْحَقُّ لا یبْغی بِهِ بَدَلًاًفَصارَ بِالْعَدْلِ وَ الْایمانِ مَقْروناً

و آن مرد مسیحی که آن شخصیت بزرگ آفرینش و آن

حدیث بیداری، ص: ۲۷

یگانه نمایش کمال وجود محمدی را به این جمله ستایش کرده است:

فی عَقیدَتی انَّ عَلی بْنَ أَبی طالِب اوَّلُ عَرَبی لازَمَ الرُّوحِ الْکُلِّیهِٔ فَجاوَرَها وَ سامَرَها؛

و آن شاعر پاک نهاد که سروده است:

ابردوش پیغمبر پاک رای‌خدا دست سود و خداوند پای

و آن که این شرف و عزت را به این بیان شرح داد:

النّبِی الْمُصْطَفی قالَ لَنالَیلَهُٔ الْمِعْراجِ لَمّا صَعِدَهُ

وَضَعَ اللهُ عَلی ظَهْری یداًفَارانِی الْقَلْبَ انْ قَدْ بَرَّدَهُ

وَ عَلِی واضِعُ رِجْلَیهِ لی‌بِمَکان وَضَعَ اللهُ یدَهُ

همه و هریک به منقبتی از مناقب آن حضرت اشارتی کرده‌اند.

این همه که علما وحکما، چهارده قرن است که از فضایل او گفته‌اند و تا علم و فضیلت و زهد و عدل و کمالات انسانی مورد ستایش است، آیندگان او را ستایش خواهند کرد.

و با این قصاید و اشعار بی‌شمار وهزارها کتاب و مقاله که پیرامون شرح شخصیت این انسان اکمل و والا نوشته‌اند و همه داد سخن را داده‌اند، باز هم همانند روزهای نخست برای گویندگان واندیشمندان، مجال سخن باز و بلکه بازترشده است.

همانطور که در احادیث شریفه بیان شده است، علی، علیه‌السّلام، معجزه ای است که خداوند به رسول گرامیش، خاتم الانبیاء، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، عطا فرمود؛ معجزه‌ای که از همه معجزات انبیای گذشته، بزرگتر و حیرت انگیزتر ست؛ و بجاست که بگوییم این سخن حضرت صادق، علیه‌السّلام، را:

الصورة الانسانیـة هی اکبر حجج الله علی خلقه و هی الکتاب الـذی کتبه بیـده و هی الهیکـل الـذی بناه بحکمته و هی مجموع صورالعالمین و هی المختصر من العلوم فی اللوح المحفوظ،

بواسطه شخصیتی مثل علی، علیه‌السّلام، بیان واقع و حقیقت می‌شود.

با عالم بزرگ معتزله، ابن أبی الحدید، هم نوا شده، می گوییم:

هوالنباء المکنون والجوهر الذی‌تجسد من نور من القدس زاهر

حدیث بیداری، ص: ۲۸

و ذوالمعجزات الواضحات اقلهاالظهور علی مستودعات السرائر

و وارث علم المصطفی و شقیقهاخاً و نظیر فی العلی والاواصر

الا انما التوحید لولا علومه‌لعرضة ضلیل و نهبة کافر

پس، سزاوار است که زمین ادب ببوسیم، و خداوند متعال را به نعمت ولایت آن حضرت و فرزندان بزرگوارش، تا حضرت صاحب وقت و ولی عصر و مالک امر، مولانا المهدی، ارواح العالمین له الفداء، حمد وسپاس بگوییم:

الْحَمْدُللهِ الَّذی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکینَ بِوِلایةِ امیرَالْمُؤْمِنینَ وَ الْائِمَّةِ الْمَعْصُومینَ سِیما خاتَمِهِمْ وَ قائِمِهِمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِمْ اجْمَعینَ.

حرر ذلک فی رجب المرجب ۱۴۱۷ ه‍-. ق و انا اقل من اناخ مطیته بفناء شیعة

شیعة اهل البیت، علیهم‌السّلام

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۲۹

موضوع: جشن نیمه شعبان/ تبریز

تاریخ: شعبان ۱۴۱۷ ه‍-. ق

هیأت محترم برگزارکنندگان مراسم نیمه شعبان- مسجد آیت‌الله انگجی، زید عزّالله

السّلام علیکم و رحمهٔ‌الله و برکاته

نامه تبریک عید سعید ولادت مولی‌الوری، ولی‌الله اعظم، حضرت بقیهٔ‌الله، ارواح العالمین له الفداء، با دو هدیه گرانبها (کتاب مهدی، عجّل الله تعالی فرجه، مقتدای مسیح، علیه‌السّلام) و ویژه‌نامه (به انتظار خورشید) زیارت و موجب خرسندی، بهجت و مسرت گردید؛ بوسیدم و بوییدم و بر دیده نهادم.

از اینکه در تعظیم این شعار دینی و بزرگداشت میلاد فرخنده آن عزیز یگانه خدا و آن موعود انبیا و نشر فضایل و مناقب و احیای امر آن حضرت مساعی و کوشا هستید و هر سال از سال گذشته این مراسم ارزشمند و مقدّس را باشکوهتر و با معنویت بیشتر انجام می‌دهید، به همه آن برادران ارجمند تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیما.

امید است انجام این برنامه‌ها و نشریات و سخنرانیها و مدیحه‌سراییها، که موجب قوت بصیرت و معرفت و نجات از مرگ جاهلی است بیش از پیش همگان را به اهداف عالیه و الهیه آن دادگستر حقیقی آشنا سازد.

اللهم عجّل فرجه و سهل مخرجه و اجعلنا من انصاره و شیعته و المجاهدین بین یدیه و ارزقنا زیارته فی الدنیا و شفاعته فی العقبی.

در خاتمه در مظان اجابت، داعی و مستدعی دعا بوده و هستم.

والسّلام علیکم و رحمهٔ‌الله و برکاته

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۳۰

موضوع: میلاد امام مهدی، علیه‌السّلام

تاریخ: شعبان ۱۴۱۷ ه‍. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

ستاد محترم بزرگداشت مراسم مقّدس نیمه شعبان، مسجد آیت‌الله انگجی تبریز!

السَّلامُ عَلی مَوْلانا صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ بَقِیةِاللهِ ارْواحُ الْعالَمینَ لَهُ الْفِداءِ وَ عَلی آبائِهِ الطّاهِرینَ وَ عَلی شیعَتِهِ الْمُتَمَسِّکینَ بِامْرِهِ وَ الْفائِزینَ بِولایةِ الْمُنْتَظِرینَ لِظُهُورِهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.

وَ السَّلامُ عَلَیکُمْ یا اخَوانِی الْاجِلّاءِ ایهَا الْقائِمُونَ بِاعْلانِ الْوُدِّ وَ الْوِلاءِ لِمُوْلانا عَلَیهِ‌السَّلامِ وَ تَعْظیمِ امْرِهِ وَ اعْلاءِ کَلِمَتِهِ یا لَیتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظیماً.

عزیزان من، شیفتگان و دلباختگان حجت خدا و موعود انبیا و اولیا، برادرانی که هر سال در نیمه ماه مبارک شعبان، عهد و میثاق خود را به وسیله مراسم مقدّسی که بر پا می‌کنید، با مقام ولایت و امامت آن کهف امان و ولی یزدان تحکیم و تجدید می‌نمایید، به دلها روشنی می‌بخشید و نا امیدان را به آینده درخشان جهان امیدوار نموده، بشارت و نوید می‌دهید و بر همه می‌خوانید و اعلام می‌کنید که آینده زمین از آنِ صالحان و شایستگان و پیروزی از آن مؤمنان است.

روزگار رهایی و زمان خلاصی از ستم و ستمگران و مستکبران و روز نجات مستضعفان فرا می‌رسد، حاکمیت اسلام و احکام الله در سراسر عالم برقرار می‌گردد و خداوند به واسطه عزیزترین بندگانش، که وجودش مدار بقای عالم زمین و زمام است، جهان را پر از عدل و داد می‌نماید، بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.

نامه تبریک شما را که انوار ایمان از آن در تجلّی بود، زیارت کردم و بسیار مسرور و خوشحال شدم، هنیئاً لکم هذه النعمهٔ العظمی.

حقیر نیز صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به مقدمتان و هر کس که در این آستان موفق به عرض ادب و خدمتی است، نثار می‌نمایم و از خداوند متعال برای همگان در این عصر غیبت و عصر امتحانات بزرگ الهی صبر، ثبات، استقامت و توفیق عمل به احکام دین و نجات از وقوع

در شبکات مفسدین و مبدعین مسألت دارم.

والسلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

با التماس دعا

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۳۱

موضوع: ولادت امام مهدی، علیه‌السّلام

تاریخ: شعبان ۱۴۱۷ ه‍. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

السَّلامُ عَلَی الْمَهْدِی الَّذی وَعَدَ اللهُ بِهِ الْاُمَمَ.

هر سال با اقبال نیمه شعبان، دلهای شیعیان و چشم به راهان ظهور موفورالسرور حضرت صاحب الامر، مولانا المهدی، ارواح العالمین

له الفداء، از شور وشوق ولایت و اشتیاق شرف حضور و برقراری حکومت جهانی اسلامی و نجات مستضعفان لبریز می‌شود، و با برپایی مراسمی این علاقه را اظهار و پیوند قلبی و میثاق ایمانی، و تعهد خود را در عمل به وظایف و مسؤولیتهای خطیری که درعصر غیبت، در ارتباط با اسلام و قرآن و ولایت اهل بیت، علیهم‌السّلام، دارند تجدید می‌نمایند.

این مراسم، اگر چه بیشتر یک سلسله برنامه‌های ظاهری است، در باطن و حقیقت همه، اعلام حمایت از دین و حفاظت از ارزشها و سنتهای اسلامی وطرفداری از محرومان و مستضعفان و ستیز با مستکبر ان و ستمگران است.

با این برنامه‌ها همه حضور خود را در سنگرهای جهاد و عمل و تلاش برای اعلای کلمه اسلام و عزت و عظمت مسلمین و دفع مبدعین و ملحدین اعلام می‌نمایند.

شهر مذهبی تبریز در این برنامه‌های بامعنا و پر محتوا، همه ساله، علاقه کامل خود را به ولایت اهل بیت، علیهم‌السّلام، اظهار داشته و انتظار واقعی خود را از آن عصر عدالت جهانی و حاکمیت کامل احکام الهی نشان می‌دهد.

حقیر با اعلام وصول لوح زیبای منتشر شده، از سوی مهدیه، انصارالحسین، علیه‌السّلام، مسجد عربلر، زنجیر زنان میرچوپان، مسجد میانه، مسجد توحید، مسجد طه، پایگاه مقاومت شهید قصاب، عبداللهی، مسجد سفید بهار و مسجد آیت‌الله انگجی، از همه عزیزان اعضای محترم این هیأت‌های دینی و مذهبی و همکاران ایشان تقدیر و تشکر نموده، از خداوند متعال توفیق عمل به وظایف و تعظیم شعایر و پاسداری از حریم دین و مذهب را

برای همگان مسألت دارم.

والسلام علیکم و رحمهٔ الله وبرکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۳۲

موضوع: اهانت صهیونیستها به مقدسات عالم اسلام

ت- اریخ: صفر ۱۴۱۸ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

جهان اسلام از اهانت بسیار بزرگ و نابخشودنی صهیونیستها به مقام اقدس پیامبر عظیم‌الشأن خدا، حضرت خاتم الانبیا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، غرق در التهاب اضطراب و خشم و نفرت و انزجار است.

حرکت‌های اسلام‌ستیزی صهیونیسم، که حمایتهای بی‌قید و شرط آمریکا، هر روز چهره قبیح و شنیع نو و تازه ای را از خود، نشان می‌دهد، حرکت علیه تمام اصول عالیه و استحقار و استضعاف عموم ملل و جوامع انسانی است.

آنچه در فلسطین اشغالی از اهانت به مقدسات شریفه مسلمین اتفاق افتاده، اهانت به مجد و شرف و عزت همه انسانها است؛ همه باید در برابر این وحشی گری‌ها بپاخیزند و جهانیان را از کبر و تفرعن و برتری‌جویی صهیونیزم نجات دهند. این اهانت بزرگ، از این دشمنان خدا، بی‌سابقه نیست. آنان نسبت به پیامبر بزرگ خدا، حضرت مسیح، علیه‌السّلام، همواره با وقیح‌ترین اهانتها، مواضع پست و پلید خود را نشان داده، به آن ملتزم بوده و هستند، تسلیم و خضوع عالم مسیحیت و سکوت کلیسا در برابر آنها و پشتیبانی دولت‌های مسیحی، آنهارا جسورتر ساخته که پا را از مقام اقدس مسیح فراتر گذارده، به مقام اقدس پیامبر اعظم اسلام جسارت و اهانت می‌نمایند.

اگر مسیحیت و کلیسا و اگر حتی آمریکا، با همه دعوی استعلالی که دارد، در استضعاف صهیونیزم قرار گرفته و ننگ تبعیت و بردگی آنها را پذیرفته‌اند، مسلمانان غیور در سراسر جهان با تمام توان و قدرت این برنامه‌های ضد انسانی صهیونیزم را محکوم

کرده، تازوال و نابودی رژیم غاصب فلسطین برای مقاومت و عمل ایستاده‌اند.

ما از عموم مسلمانان جهان، از سران دینی و رهبران فکری، از علمای حرمین شریفین، از زعمای جامع ازهر، اساتید دانشگاهها، و دانشجویان عالم اسلام

حدیث بیداری، ص: ۳۳

می‌خواهیم در برابر این حرکت بسیار موهن اقدام نمایند و با تدابیر لازم برای نجات فلسطین و قدس شریف از سلطه صهیونیزم، تکالیف اسلامی و انسانی خود را انجام دهند و بالاخص از حکومتهای کشورهای مسلمان‌نشین، از آنها که باب مصالحه با رژیم غاصب فلسطین را گشوده و از آنها که اخیراً به فکر برقراری روابط اقتصادی با آنها افتاده‌اند، از آنها که به صورت علنی یا سرّی مرتبط هستند یا معاهده نظامی با آنها بسته‌اند، می‌خواهیم که احساسات و عقاید ملتهای خود را محترم شمارند، در برابر این اهانت عکس‌العمل نشان داده، رسماً روابط خود را با آن رژیم قطع نمایند.

در خاتمه عزّت و سربلندی و مزید مجد و عظمت مسلمانان را از خداوند قادر متعال مسألت دارم.

وَ لِلّهِ العِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنينَ [۲۱]

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۳۴

موضوع: ولادت امام مهدی، علیه‌السّلام

تاریخ: شعبان ۱۴۱۸ ه‍. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُلِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِی لَوْلا انْ هَدانَا اللهُ وَ صَلَّی اللهُ عَلی رَسُولِ اللهِ وَ آلِهِ اوْلِیاءِ اللهِ سِیما مَوْلانا بَقِیةِاللهِ.

قالَ اللهُ تَعالی: وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْارْضَ یرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ.[۲۲]

مراسم شکوهمند تعظیم عید بزرگ نیمه شعبان، ولایت یگانه منجی عالم، موعود انبیا و اوصیای صفی، صاحب زمان و کهف امان، حضرت بقیةالله، ارواح العالمین له الفداء، برای عموم شیعیان و دوستان آن ولی یزدان، فرصتی بسیار مبارك و ارزنده است که در آن ضمن کسب شرف مشارکت در تجلیل بزرگداشت این زاد روز عزیز و یوم الله مبارك و حضور در مجالس روحانی و اجتماعات ولایی، نورانی و برنامه‌های جشن و شادمانی، وضع ارتباط معنوی با آن حضرت و مرتبه مطابقت و موافقت اخلاق، اعمال، رفتار شخصی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را با انتظاراتی که آن برگزیده خداوند متعال از شیعیان و دوستان خود دارند بررسی نمایند.

سعادتمند آن شخص و جامعه‌ای است که در این محاسبه و در تحصیل رضایت خاطر انور آن حضرت موفّق باشد.

به این مناسبت حقیر برای کسب افتخار مشارکت در این جشنِ مربوط به امام منتظر، حضرت ولی عصر، عج‌الله تعالی فرجه الشریف، و توجه به حقایق و معانی انتظار ظهور، این چند کلمه را خدمت برادران و خواهران ایمانی تقدیم می‌دارم.

امید است انوار معانی آن، که از مشکات قرآن مجید و احادیث شریفه در لمعان است، بر نورانیت قلوب مؤمنین و مؤمنات بیفزاید.

عزیزان من، شمایید که همه ساله به افتخار شرکت در مراسم این جشن بزرگ نایل می‌شوید و با چراغانیها

حدیث بیداری، ص: ۳۵

و تزیین بازار و خیابان و مساجد و حسینیه‌ها و تشکیل مجالس سخنرانی و بیان فضایل و مناقب و انشا و انشاد و سرودن و خواندن اشعار و قصاید و مدایح، ولایت وارادت خود را به آن آستان فرشته پاسبان اظهار می‌دارید و با ضیافتها واطعام و تبریکات بر نشاط روحی و ایمانی خود و دیگران می‌افزایید و به شیعه بودن خود می بالید و از طول مدّت هجران و درد فراق ناله می‌زنید و اشک می‌ریزید و آن حضرت را می‌خوانید و یابن الحسن، یابن الحسن می گویید.

بر همه شما درود و وسلام و رحمت خدا باد! و این شور و شوق و شعور و این حال و این احساسات و این درک و آگاهی و سیر در ملکوت ولایت مبارک باد!

خدای را سپاسگزار و شاکر باشید که دلهای شما را سرشار از معرفت امام زمان، علیه الصلوة و السّلام، نمود و از مرگ جاهلیت نجات بخشیده و به سر منزل حقیقت و ایمان و معرفت حجّت تامه بالغه دوران و کلمه کامله باقیه سبحان، هدایت فرموده است.

وظایفی را که شما و هر مؤمن و مؤمنه منتظر ظهور و یوم الموعود دارد، نصب العین قرار دهید و همه همّ و همّت خود را در انجام این تکالیف صرف نمایید.

عصر غیبت، عصر امتحان و آزمایش، عصر تمحیص و تلخیص است.

سعادتمندان و مؤمنانی که در ایمان ثابت قدم می‌باشند، و در این مکتب انسان ساز غیبت، خود را می‌سازند، حوادث گوناگون و فشارها و سختی‌ها آنها را تکان نمی‌دهد و ایمانشان را متزلزل نمی‌سازد؛ مانند کوه در برابر بادهای تند و شدید پایدار وبرقرارند و از افراد سست ایمان و ضعیف‌الاراده، جدا و ممتاز می گردند.

هر چه تمسک به دین و دینداری دشوارتر شود و با انواع محرومیتهای ظاهری توأم گردد، ایمان و تعهّد آنها قوی تر می گردد و صدق و راستی احادیثی که در آنها از وقایع دوره غیبت، از شیوع بعضی معاصی و ملاهی و غنا و موسیقی، از وضع بعضی جوانان و بانوان، از اختلاط زن و مرد و امور دیگر خبر داده‌اند، بر ایشان روشن‌تر می‌شود.

در آن شرایط که بر حسب بعضی روایات، تا آنجا نگهداری دین سخت و دشوار می‌شود که مانند نگهداشتن آتش در کف دست می‌شود، یا چنانکه در حدیث دیگر است:

حدیث بیداری، ص: ۳۶

انَّ لِصاحِبِ هذَا الْامْرِ غَیبَةً الْمُتَمَسِّکُ فیها بِدینِهِ کَالْخارِطِ لِلْقِتادِ.[۲۳]

در این عصر غیبت، مردمان ثابت الایمان، ثواب کسانی را دارند که در پیش روی رسول اعظم اسلام، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، با شمشیر جهاد می‌نمودند و به قدری بلند پایه هستند که پیغمبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، ایشان را برادر خود خوانده و به دیدارشان بر حسب احادیث، اظهار اشتیاق فرموده است.

مؤمنان به غیبت و حزب الله، منتظران حقیقی ظهور و حکومت جهانی و اسلامند که در احادیث شریفه فرموده‌اند:

اولئِکَ هُمُ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شیعَتُنا صِدْقاً وَ الدُّعاةُ الی دینِ اللهِ وَ جَهْراً اولئِکَ الَّذینَ یؤْمِنُونَ بِالْغَیبِ ثُمَّ اولئِکَ حِزْبُ اللهِ الا انَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.[۲۴]

و بر حسب حدیث شریف

الْمُنْتَظِرُ لِامْرِنا کَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فی سَبیلِ اللهِ،[۲۵]

مانند کسی هستند که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

اینها همه فضایل شما شیعیان، زنان و مردان منتظر و متعهد و ملتزم به احکام و وفادار به امام زمان، علیه‌السّلام، است. به هوش باشید و از این فضایل پاسداری کنید.

مبادا تحت تأثیر تلقینات سوء و الفاظ فریبنده، مثل رفع تبعیض جنسی با حکومت ملی و مردمی، تسلیم خود را به احکام الهی از

دست بدهید، یا از تحت حکومت الله و حکومت قرآن و امام زمان، علیه‌السّلام، خارج شوید.
حقوق بشر و انسانها و مرد و زن همان است که خدای بشر، خدای زن و مرد، معین فرموده است؛ غیر از آن همه ضلالت، گمراهی، فساد و تباهی و سیر به سوی زندگی حیوانی است.

حدیث بیداری، ص: ۳۷

هر زن و مرد و پیر و جوان که هر کدام از احکام خدا را قبول نداشته باشد، یا چون مخالف فرهنگ بی‌بند و بار غرب است، مناسب وضع زمان نداند، ایمانش مخدوش می‌شود و همین است که در احادیث شریفه وارد است که «در عصر غیبت صبح می‌کند شخص مؤمن در حال ایمان، و شب می‌کند در حالی که از دین خارج شده است».
بخصوص به جوانان و بانوان سفارش می‌کنم که مواظب باشند تا آنها در مسایلی که برخی می‌خواهند احکام اسلام را با فرهنگ غرب و لاییک و لادینی و حکومت مردم بر مردم تطبیق و تأویل کنند، به اشتباه نیفتند. اینها دوره جاهلیت دیگر را پی‌ریزی می‌نمایند.
دوره غیبت بر حسب روایات به درازا می‌کشد تا حدّی که حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، می‌فرماید:
ما اطْوَلَ هذَا الْعِناءِ وَ ابْعَدَ هذَا الرَّجاءِ.[۲۶]
انسانها در مسیر تحولات شگرف و تغییرات بنیادی، مکتبها و نظامهای گوناگون را تجربه می‌نمایند و همه را برای تأمین سعادت عمومی بشر فاقد شرایط لازم می‌یابند و از برقراری قسط و عدل، عاجز و ناتوان می‌بینند و هر چند عالم پر از ظلم و جور و فساد و نا امنی و تباهی می‌گردد، اما به حکم الشَّیءُ اذا جاوَزَ حَدَّهُ انْعَکَسَ ضِدّه، جوامع بشری برای برقرار شدن آن نظم الهی- اسلامی و حکومت عدل واحد جهانی آماده می‌شوند و با ظهور آن حضرت، جهان به نقطه کمال و ذروه ارتقا نایل می‌شود.
دوستداران آقا و منتظران ظهور! عصر غیبت، عصر عمل و کار و تحمل مسؤولیت و انجام وظیفه وعصر مقاومت و حرکت و استقامت و صبر و شکیبایی در امر دین است.
در ارتباط با تعظیم شعایر، با اعلای کلمةالله، با تبلیغ اسلام، با فراهم کردن موجبات استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و رهایی از وابستگی به کفّار و با شکوفایی علم و صنعت و بسط و نشر تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و تعاون بر نیکی و تقوا و رسیدگی به وضع مستمندان و قضای حوایج نیازمندان و دستگیری از افتادگان و دفاع از مرزها و ثغور جغرافیایی وطن اسلامی و حدود فکری و

حدیث بیداری، ص: ۳۸

عقیدتی و رفع بدع و رویارویی با اهل شکوک و شُبَه ومبارزه با مظاهر فساد و ملاهی و هتک احترام احکام الهی همه مسؤولیم و همه مسلمانان متعهدند، و این شما و همه شیعیان و منتظران ظهورید که باید با کار و کوشش برای حصول اهداف اسلام تلاش نمایید.
مسلماً باید در برابر جریانهای ضدّ ارزشهای اسلامی موضع گیری مناسب و منطقی و مؤثر داشته باشید.
در هر کاری که وارد می‌شوید، با هر حزب و جمعیت همصدا می‌شوید؛
با هر رأیی که به صندوقهای رأی می‌ریزید، مسؤولید و مسؤولیت شما در این امور که در نهایت، مربوط به کلّ جامعه مسلمانان و اسلامی می‌شود، بسیار شدید است.
خطی که به عنوان خط روشنفکر وبی تعهد به سنن و مبادی اسلامی و تقلید از مکاتب و نظامهای غربی ترویج می‌شود، به سوی

اسلام نیست و به خدا و قرآن و رضایت امام زمان، عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، منتهی نمی‌شود.

اشتباه نکنید، بخصوص جوانان و بانوان این خط را بشناسید که خط استعمار و استضعاف و استکبار است؛ خط اختلاط زن و مرد و خط تغییر شخصیت و استقلال اسلامی جامعه و بی‌التزامی به احکام خداست.

خطراتی که جوامع اسلامی را تهدید کرده و تا حد زیادی، بسیاری از جوامع را در ورطه ضعف و زبونی و اطاعت از کفار گرفتار کرده، شناسایی کنید و نگذارید جامعه ما و نسل جوان عزیز ما به آن مبتلا شوند.

عصر غیبت، عصر تکلیف است؛ عصر اقدام و عمل و عصر امید به آینده و پیروزی حق بر باطل است.

منتظر باشید و عمل کنید که خداوند می‌فرماید:

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیرَی اللهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنونَ ۲۷]

والسّلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۳۹

موضوع: عزاداری و سوگواری حضرت سیدالشهدا، علیه‌السّلام

تاریخ: محرّم ۱۴۱۹ ه‍. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

ذلِکَ وَ مَنْ یعَظِّمْ شَعائِرَ اللهِ فَانَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبُ.[۲۸]

از بزرگترین شعایر تشیع و ولده اهل بیت، علیهم‌السّلام، اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سیدالشهدا، ابی عبدالله الحسین، علیه الصلوهٔ و السلام و کحی اله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه، می‌باشد.

این شعایر، شعایر الله، شعایر اسلام، شعایر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است.

تعظیم این شعایر هر چه با شکوهتر انجام شود، دلها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلای کلمه اسلام مایل می‌سازد و ظلم و استبداد و شرک و استضعاف را محکوم می‌نماید.

مکتب جهاد و مدرسه عظمتهای انسانی در این شعایر زنده می‌شود و فریاد حسینی

انّی لا ارَی الْمَوْتَ الَّا السَّعادَةً وَ لَاالْحَیاةَ مَعَ الظّالِمینَ الّا بَرَماً،[۲۹]

بدنهای مستکبران را می‌لرزاند وار کان استکبار آنان را منهدم می‌سازد.

شعایری که به انسانها در طول تاریخ درس می‌دهد که سربلند عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت و پستی و هر چه دون شأن انسانیت است، تن در ندهید و همگان و همیشه ودر هرجا و هر مکان، با بزرگ مجاهد آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین، و رهبر آزاد مردان جهان، ابوالشهدا و سید الاحرار و همصدا، شعار

حدیث بیداری، ص: ۴۰

هَیهاتَ مِنَّاالذِّلَةُ[۳۰]

را تکرار کنید و به خواری و دون همتی گردن ننهید که علی، علیه‌السّلام، امیر مؤمنان، پدر بزرگوار حسین، علیه‌السّلام، فرمود:

الا حُرٌّ یدَعُ هذِهِ اللُّماظَةَ لِاهْلِها انَّهُ لَیسَ لِانْفُسِکُمْ ثَمَنٌ الَّا الْجَنَّةَ.[۳۱]

اگر می‌خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تأسی کنید، خود را به غیر از خدا و ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

این شعایر به هر صورت وهر مظهر و جلوه ای اقامه شود، مقدس است و برگزارکنندگان آن مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این شعایر می‌توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

بطور یقین، حضرت بقیةالله، ارواح العالمین له الفداء، در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین همکاری کرده‌اند.

بدیهی است این مراسم و شعایر باید در هر چه بیشتر از ریا و شوایب هر گونه عملی نامشروع و حرام پاک و منزه باشد و همه جلوه‌های آن، جلوه‌های حمایت از حق و امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و گناه و معصیت باشد.

سَلامُ اللهِ وَ سَلامُ جَمیعِ انْبِیائِهِ وَ مَلائِکَتِهِ عَلی مَوْلانا ابی عَبْدِاللهِ الْحُسَینِ وَ عَلی اوْلادِهِ وَ اهْلِ بَیتِهِ وَ اصْحابِهِ وَ انْصارِهِ وَ عَلی زُوّارِهِ وَ شیعَتِهِ حَشَرَنَا اللهُ فی زُمْرَتِهِمْ بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِهِ الطّاهِرینَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِمْ اجْمَعینْ.

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۴۱

موضوع: شخصیت امام علی، علیه‌السّلام

تاریخ: رجب ۱۴۱۹ ه-. ق

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

انشای قصاید و اشعار و تألیف کتاب در مناقب و فضایل حضرت مولی‌الموحدین، امیرالمؤمنین، علیه‌الصلوة و السّلام، از عصر رسالت و نیمه اول قرن یکم هجرت آغاز گردید و الی زماننا هذا، چهارده قرن است که این شیوه پسندیده ادامه دارد و تا جهان از رجال بزرگ فضیلت و انسانیت و اسوه‌های کمال و عظمت و مردان الهی تقدیر و تعظیم دارد، ادامه خواهد داشت و تألیف کتاب و انشاء اشعار در این موضوع، پایان نخواهد یافت.

دانشمندان محقق و نویسندگان متتبع و علما و ارباب علوم و فنون اسلامی، در این میدان همواره حضور داشته و این رشته تألیف را بی‌انقطاع ادامه داده و هر کدام به امید کسب افتخار و نیل به اجر ثواب، بضاعت علم و تحقیق خود را هر چند که بسیار ثمین و گرانبها بوده، با کمال مسکنت و خجلت در پیشگاه چاکران و ملازمان درگاه آسمان‌جاه آن حضرت، نثار کرده و با عرض ان الهدایا علی مقدار مهدیها زمین معذرت و ادب بوسیده‌اند.

شمار این کتابها از ده‌ها هزار بیشتر و بیشتر است که بدیهی است این خود، ثروت علمی و معنوی بی‌نظیری است که از برکت وجود کثیرالبرکات امام امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، فراهم شده است و سزاوار است که ویژه این موضوع ارزشمند، کتابخانه‌هایی تأسیس گردد.

نواحی متعدد عظمتهای علی، آن تجسّم بندگی و عبودیت خالص خدا، و بخشهای گوناگون و بلکه متضاد مناقب و فضایل و مواقف آن حضرت، همه در کتابها مضبوط و محفوظ مانده است. علی و ما انزل فیه من القرآن؛ علی و ما ثبت له من الشئون و المقامات بالسنة؛ علی و ما صدر منه من المعجزات؛ علی و مواقفه و بطولاته فی الغزوات.

علی و تضحیاته فی سبیل اعلاء کلمة الاسلام؛ علی و

حدیث بیداری، ص: ۴۲

اخبار از مغیبات و گذشته و آینده زمان؛ علی و علم به عوالم غیب؛ علی و علم به شرایع و احکام اسلام؛ علی و زهد و پارسایی و پرهیزگاری؛ علی و علوم عالی الهیات؛ علی امیر فصاحت و بلاغت و کلام؛ علی و عبادت و خوف از خدا و شب‌زنده‌داری؛ علی و

عدالت و دادستانی و دادگستری؛ علی و حکومت و زمامداری؛ علی و فروتنی و بردباری؛ علی در خدمت و نصرت دین خدا و رسول خدا؛ علی امام‌المتقین و زوج سیدهٔ نساء العالمین؛ ابوالارامل و الایتام و المساکین؛ علی؛ و علی؛ و علی؛ و ...

این‌ها و بیشتر و بسیارتر از این‌ها، همه نواحی عظمت وجود و علی اعظم آیات الهی و اظهر معجزات حضرت رسالت پناهی، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، است که در این کتابها بازگو شده و علمای توانا و نویسندگان بزرگ و فرزانگان برجسته و نبغاء عالم علم پیرامون آنها قلم‌فرسایی کرده و با این همه که گفتند و نوشتند، باب ابراز بلاغت و تألیف و تصنیف و ایراد خطابه و سخنرانی در فضایل و مناقب آن حضرت، هم‌چنان بر روی دانشمندان و فضلای دوران باز است و هر کسی در این باغ پهناور وارد می‌شود، به میوه‌ای تازه دست می‌یابد؛ کشجرة طیبهٔ اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها.

رشته تألیف و تصنیف، درباره شئون و عظمتهای علی، علیه‌السّلام، نه فقط سرتاسر عالم اسلامی را از شرق تا غرب و از سنّی و شیعه گرفته، بلکه قلوب بیگانگان را به این شخصیت ممتاز متوجه نموده و نویسندگان و مؤلفان آن را به مدح و ستایش و تألیف کتابها برانگیخته است.

آری، آنان نیز به این که شناختی از علی دارند و مثل کتاب الامام علی صوت العدالهٔ الانسانیهٔ، می‌نویسند، افتخار و مباهات دارند.

علما و محدثین بزرگ اهل سنت علاوه بر کتابهایی که در آن فضایل متعدد آن حضرت را برمی‌شمارند، تا همین عصر، این رشته را ادامه داده‌اند؛ مانند شرقاوی، که کتاب علی امام‌المتقین، در دو جلد را می‌نگارد.

آری، علاوه بر اینها در خصوص برخی از فضایل آن حضرت، مثل حدیث طیر مشوی و حدیث رد شمس و حدیث انا مدینهٔ العلم و حدیث منزلت و حدیث ولایت (حدیث غدیر) کتاب ویژه نوشته‌اند و جالب این است که برخی از این کتابها در مجلدات متعدد، تألیف شده است.

حدیث بیداری، ص: ۴۳

یک رشته از تألیفات اهل سنّت، به نام مناقب است؛ مثل مناقب احمد بن حنبل، صاحب مسند و پیشوای حنابله، مناقب خوارزمی و مناقب ابن المغازلی و دیگران.

و رشته دیگر، به نام خصایص است که یکی از مشهورترین آنها، خصایص نسایی معروف، صاحب کتاب سنن نسایی است که از صحاح اهل سنّت است. این کتاب چندین مرتبه به طبع رسیده و در دسترس همگان است و اخیراً اگر چه دستهای مرموز وهابیت، به اسم تحقیق رجال بعضی احادیث آن را به گمان خود، به تهمت گرایش به تشیع و حبّ اهل بیت، علیهم‌السّلام، مجروح قلمداد کرده است، اما اهل فن می‌فهمند که این تلاش صرفاً برای دشمنی با اهل بیت پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، است. چون در نسبت اصل کتاب، به مثل نسایی نتوانستند حرفی بزنند، بعضی رجال و اسناد را مورد ایرادات قرار داده‌اند. حتّی بعضی رجال را، که به قول خودشان از رجال شیخین؛ یعنی بخاری و مسلم، یا یکی از آنها است نیز زیر سؤال برده و با این نادانی آن دو کتاب به قول خودشان صحیح را هم از اعتبار انداخته‌اند.

به هر حال، لیس هذا اول قارورهٔ کسرت فی الاسلام، اینها پیروان بنی‌امیه و اتباع معاویه و یزید و ولید و حجاج و زیاد و این طواغیت و نواصب و دشمنان علی، علیه‌السّلام، هستند و گفتارشان درباره احادیث فضایل امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، در میزان عالمان به علم حدیث و مسیر آن، وزن و ارزشی ندارد.

بعد از این مقدمه، که علی رغم آنکه می‌خواستیم مختصر شود، فی‌الجمله طولانی شد، مسرّت وافر و تقدیر بسیار خود را، خدمت فاضل ارجمند و شاعر اهل بیت، علیهم‌السّلام، و محقق گرانمایه، جناب آقای حاج میرزا محمّد حسن مدرسی فتحی، دامت توفیقاته، که در شرح کتاب خصایص نسایی و بررسی مطالب آن، کتابی مفصّل و مشحون به فواید جلیله و نکات کثیره مرقوم داشته‌اند، تقدیم می‌نماییم.

اگر چه برای حقیر تـا حال توفیق حاصل نشـد که چنان که شایسته است، از آن اسـتفاده نمایم، امّا به مقـداری که از سـبک نگارش کتاب و کثرت تتبع نویسنده، اطلاع پیدا کردم آن را مفید و گرانسنگ می‌یابم. امیدواریم مورد استفاده همگان قرار گیرد.

بدیهی است هر کجا توضیحاتی و حتّی ایرادی باشد، که انشاءالله نخواهد بود، شخص مؤلف محترم پاسخگو و

حدیث بیداری، ص: ۴۴

برای ادای توضیح آماده‌اند. امثال ایشان در جامعه ما، برای دیگران، مخصوصاً اقران و امثال خودشان، حجّت هستند.

از خداوند متعال مسألت دارم که ایشان را مشمول عنایات و توجهات خاصه حضرت بقیۀالله ارواح العالمین له الفداء، قرار دهد.

زاد الله فی توفیقاته و کثر فی الفضلاء و المؤمنین امثاله.

و السّلام علیه و علی اخواننا المؤمنین

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۴۵

موضوع: میلاد امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف

تاریخ: شعبان ۱۴۱۹ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

السَّلامُ عَلَی الْمَهْدِی الَّذی وَعَدَاللهُ بِهِ الْاُمَمَ.

سلام بر حضـرت مهدی، موعود انبیا و خاتم اوصـیا و مطلوب اصـفیا، امام وقت و صاحب عصر، بقیۀالله فی الارضین، محبوب ملائکه مقرّبین، فاتح حصون مسـتکبرین، معزّالاسـلام و المسلمین، نجات‌بخش مقهورین و مستضعفین، مقصود از فَمَنْ یأْتیکُمْ بِماء مَعین [۳۲] و مصـداق وَ کُلَّ شَـیء احْصَـیناهُ فی امام مُبین،[۳۳] نور ابصـار سالکین، شـمع محفل ارباب یقین، نخل بلنـد بوسـتان موحّـِدین، نهال برومنـد روضه «طه» و «یس»، دادگستر راستین، امین خـدا و امـان اسـیران زمین، شـرف اولیـای صالحین، خلف انبیای مرسـلین، قطب جهان و کهف حصین، غیاث المضطرالمستکین.

حضرت حجت، ولی عصر، ختم هشت و چارعدل یزدان، نور تابان، رحمت پروردگار

غوث اعظم، فخر آدم، پیشوای دین پناه‌عدل قرآن، روح ایمان، مهر چرخ اقتدار

حافظ شرع نبی، معنایی از نَأْتِ بِخَیر[۳۴]

آیت عظمی، جمال الله فخر روزگار

سَلامُ اللهِ تَعالی عَلَیهِ وَ عَلی ابائِهِ الطّاهِرینَ ثُمَّ السَّلامُ عَلَیکُمْ یا مَعْشَرَ الشّیعَهِ، یا ایتُهَا الْفِئَهُ الْمُؤْمِنَهُ وَ الْفِرْقَهُ النّاجِیهُ بُشْری لَکُمْ، ثُمَّ بُشْری وَ طُوبی لَکُمْ، ثُمَّ طُوبی فَانْتُمْ فِئَهُاللهِ تَعالی وَ حِزْبُهُ وَ الْفائِزُونَ بِکَرامَتِهِ وَ الْمُتَشَـرِّفُونَ بِولایـهِ وَلِیهِ الَّذی بَشَّرَ بِظُهُورِهِ الْاُمَمَ فُزْتُمْ وَ اللهِ فَوْزاً عَظیماً هَنیئاً لَکُمْ ثُمَّ هَنیئاً لَکُمْ هذِهِ السَّعادَهِ الْعُظْمی وَ الدَّرَجَهِ الْکُبْری.

سلام بر ماه شعبان، سلام بر شب نیمه شعبان، سلام

حدیث بیداری، ص: ۴۶

بر بامداد روز میلاد، سـلام بر آن مادری که پیامبران عالی قدر خدا، مردم را به نوزاد اوبشارت دادند، سلام بر نرگس، ملکه عظمای جهان و سلام بر حضرت امام حسن عسکری، علیه‌السّلام.

سلام بر شـما شـیعیان و منتظران ظهور، سـلام بر عزیزانی که ماه شـعبان را گرامی می‌دارنـد و زادروز حجت خـدا، ارواح العالمین له

الفداء، را با شکوه و عظمت و شوق و ذوق استقبال می‌کنند و با مراسمی که بر پا می‌کنند، پایداری، استقامت و ارادت خود را به آقا و مولای خود اعلام کرده، وفاداری خود به اسلام و پاسداری از ارزشها و سنتهای دینی و مذهبی را به دنیا نشان می‌دهند و دشمنان را از اینکه بتوانند در این صف منتظران بیدار دل و مؤمنان غیرتمند و ملتزم به احکام اسلام رخنه نمایند، مأیوس می‌سازند.

گوارا باد بر شما این حسن اعتقاد و قوت ایمان! گوارا باد بر شما این درک و فهم از انتظار ظهور! و گوارا باد بر شما این شعور و احساسات!

شما گروه خدا و حزب الله حقیقی هستید، بر راه و عقیده و روش خود استوار و ثابت باشید و دین خدا را یاری کنید و آقا و مولای خود را از خود، شاد و مسرور سازید.

عزیزان دین و عزیزان خدا و جوانان اسلام و فرزندان قرآن! در این عصر غیبت، در برابر این همه دشمنانی که می‌خواهند به اسلام ضربه بزنند و در برابر این همه کید و مکر و سیاستهای مکارانه و این همه هجوم فرهنگی و الحادی و اسلام‌زدایی و این تبلیغات شوم، شما جوانان غیرتمند مسلمان هستید که باید از اسلام دفاع کنید و این توطئه‌ها را بی‌اثر سازید.

تلاش دشمن اینست که تعهّد ما را به احکام کم رنگ و ضعیف سازد؛ آنها زن و مرد مسلمان، جوان مسلمان، دانشجوی مسلمان و مدرسه و دانشگاه مسلمانان را هدف قرار داده‌اند و می‌خواهند سنگرهای فرهنگی و علمی ما را تصرّف کنند و آن را از اسلام و از افتخار به گذشته‌های مسلمین خالی کنند. به اسم ملیت و قومیت و تمدن منهای اخلاق و معنویات، و به بهانه حمایت از آزادی و عدالت و به نام دفاع از حقوق بانوان و روشنفکری و بهانه‌ها و عناوین فریبنده و گمراه‌کننده دیگر، به معنویت و اسلامیت ما حمله می‌کنند. آنان از این موج اسلام گرایی که دریای

حدیث بیداری، ص: ۴۷

متلاطم جامعه میلیاردی اسلام را فرا گرفته و زن و مرد را برای بازگشت به عزّت دیرین بسیج کرده، که در مثل کشور ترکیه، با وجود ارتش لاییک و ضد اسلام، آن گونه شخصیت اسلامی خود را ابراز می‌دارند، هراسناک می‌باشند و از شور وشوقی که در مسلمانان به حاکمیت اسلام، به بازگشت بانوان به حجاب و حشمت اسلامی می‌بینند، به وحشت افتاده، در برابر مسلمانان بیدار و متعهّد از هیچ گونه توطئه و تحریکی دست بر نمی‌دارند؛

تجدید قدرت اسلام در ترکیه، فلسطین، الجزایر، ازبکستان، قرقیزستان، آذربایجان، چچن، داغستان و تاتارستان و دیگر نقاط جهان، خواب آرام را از دشمنان اسلام ربوده و تلاش ملل اسلامی برای پاره کردن زنجیرهای سلطه و استکبار شرق و غرب، اجتماع در زیر لوای اسلام آنها را سخت پریشان ساخته است.

در این شرایط حساس وظیفه شما منتظران ظهور و شیعیان امام عصر، ارواحنا فداه، مخصوصاً شما جوانان عزیز، بسیار حسّاس است.

امید است که همگان مسؤولیتهایی را که در برابر این تحریکات شوم و توطئه‌های فرهنگی و سیاسی داریم، درک کنیم و مواضع اسلامی خود را حفظ نماییم و ترقی و تعالی جامعه اسلامی را در علم و صنعت و اخلاق و فضایل و خودکفایی و بی نیازی از بیگانگان، وجهه همت قرار دهیم.

نگذاریم که شخصیت اسلامی ما را با گرایش به سوی چپ و راست و ترویج فحشا و فساد و تأسیس مراکز لهو و لعب و اشتغال به کارها و سرگرمیهای عمر بر باد ده، همراه با تبلیغ اختلاط زن و مرد و رواج موسیقی و ملاهی و مناهی دیگر تغییر دهند و به سرنوشت اندلس و اسپانیا گرفتار کنند.

همه باید با زبان، با مال و با هر امکانی که در اختیار داریم و جهاد در سنگرهای اسلام، از مرزهای فکری و عقیدتی اسلامی حفاظت کنیم و در نیمه شعبان این مسایل را بررسی نماییم.

به امید رشادتها و جوان مردیهای جوانان غیور مسلمان و فرزندان عزیز اسلام و قرآن؛

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنونَ ۳۵]

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۴۸

موضوع: فرا رسیدن ماه مبارک رمضان

تاریخ: رمضان ۱۴۱۹ ه‍- ق

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.[۳۶]

سلام بر ماه مبارک رمضان؛ سلام بر روزه داران؛ سلام بر میهمانان خدا؛ سلام بر مردان و زنانی که در این ماه خودسازی و ریاضت و تربیت و جهاد با نفس، در این ماه دعا و ستایش و نیایش، در این ماه پرواز از عوامل حیوانیت به مراتب بلند روحانیت و معنویت و درجات حقیقی انسانیت، سرعت و سیر و حرکت خود را به سوی خدا شتاب می‌دهند و کمالات بیشتر و مقامات بالاتر و بالاتر را مالک می‌شوند، و از درک رحمت و برکت و مغفرت خدا وتشرّف به ضیافت خدا، لذت می‌برند و کلام دلنواز پیامبر عظیم‌الشأن خدا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، را به گوش دل می‌شنوند و خود را سرافراز و سربلند می‌بینند؛

هُوَ شَهْرٌ دُعيتُمْ فيهِ الى ضِيافَةِ اللهِ وَ جُعِلْتُمْ فيهِ مِنْ اهْلِ كَرامَتِ اللهِ انْفاسُكُمْ فيهِ تَسْبيحٌ وَ نَوْمُكُمْ فيهِ عِبادَةٌ وَ عَمَلُكُمْ فيهِ مَقْبُولٌ.[۳۷]

با الفاظ و بیانات و سخنان ما هر چه هم بلیغ و رسا باشد، حق بیان فضایل بسیار و فواید بی شمار

حدیث بیداری، ص: ۴۹

این ماه ادا نمی‌شود.

ماه عبادت، ماه عروج و صعود، ماه تربیت و مدرسه و دانشگاه عام الهی است که همه از پیر و جوان و زن و مرد و عالم و جاهل و اقشار و اصناف مختلف در سرتاسر جهان اسلام، در کلاسهای آن حضور می‌یابند و فیض آن جهانی و همگانی است؛ فَالشَّقِي مَنْ حُرِمَ غُفْرانَ اللهِ فی هذَا الشَّهْرِ الْعَظيم.[۳۸]

مسلمانان در این ماه، با حضور بیشتر در مساجد و مجالس تلاوت قرآن و قرائت ادعیه عالیهٔ المضامین، با معارف قرآن و تعالیم اسلام و دستورات جامع اخلاقی، بر معرفت و بینش و بصیرت خود می‌افزایند و با اجتماعات و نماز جماعات، شکوه و جلال و عظمت اسلام و اتحاد و همبستگی آنها ظاهرتر می‌شود.

یکی از برنامه‌های بزرگ و پرفایده این ماه، برنامه‌های تبلیغی و هدایت گر و سازنده ای است که با سفر فضلا و اساتید و طلاب حوزه‌های علمی، به اطراف و اکناف وشهرها و روستاها انجام می‌شود که فرصتی بسیار عزیز و مغتنم است؛ هم برای علما و فضلا که وظایفی را در ابلاغ احکام و انذار و ارشاد و دفع بدع و انحرافات و شبهات و دعوت به اسلام و امر به معروف و نهی از منکر به عهده دارند، انجام دهند و هم برای مؤمنین و مؤمنات، که با استقبال از این فرصت بر علم و معرفت و آگاهی خود بیفزایند.

امید است همه موفق باشند و حداکمل استفاده را از برکات علمی و عملی و اخلاقی و اجتماعی بنماییم و بخصوص به اخلاق و سفارشهایی که از خطبه شعبانیه و از دعاهای این ماه استفاده می‌شود، خود را آراسته ساخته و همه را مورد عمل و سر مشق کار خود قرار دهیم.

برای حصـر در این بیـانیه، مجال عرض همه مطالب مهمی که بایـد مطرح شود و آقایان عزیزی که از حوزه برای انجام وظیفه بزرگ تبلیغ می‌روند باید به آن توجه داشته باشند، ولی اجمالًا تذکراً عرض می کنم که در عصر حاضر وظیفه تبلیغ، بسیار مهم و از واجبات عمده است.

باید اولًا؛ ما از جهت صـلاحیتهای عملی و علمی و اخلاقی برای این وظیفه آمادگی داشـته باشـیم و ثانیاً؛ از اوضاع و احوال جامعه و نقاط ضعف و

حدیث بیداری، ص: ۵۰

قوتهایی که هست مطلع باشیم.

در هر کجـا که می‌رویم، وضع دینی و اجتمـاعی و اخلاقی آنجا را در نظر بگیریم و مطالب و مسایلی را که در آن محیط لازم البیان است، مطرح کنیم و به اصطلاح در تبلیغات، بلاغت و تکلم به مقتضای حال را مراعات نماییم.

بطور کلی، با وضـعی که پیش آمـده، تقریباً با وجود رسانه‌های گروهی و عمومی و روزنامه‌ها و مجلات و رادیوهای داخل و خارج و تلویزیون و غیره، عامه مردم از زن و مرد زیر پوشـش تبلیغات قرار دارند که متأسفانه بسیار یا بیشتر آنها سالم نیست و گمراه کننده است؛ اشـتباه کاریها زیاد شده، و با عناوین خوب و مقبول، دعوتهای زشت و نامقبول عرضه می‌شود و چه بسا که معروف را منکر و منکر را معروف جلوه دهند.

امروز وظیفه روحانیت مبارزه با این اشـتباه کاریها است؛ این که امر بر مردم مشـتبه شود و منکر به عنوان معروف رایج شود، خطرش از رواج منکر با حفظ عنوان سوء خودش خیلی بیشتر است.

ملاـحظه می‌فرماییـد موسـیقی یعنی؛ اسـتفاده از طرب و غنـا، چگونه درجـامعه روبه رواج است و به عنوان هنر از آن تشویق به عمل می‌آید و ساختن آلات موسیقی و حتی تأسیس هنرستان و مراکز تعلیم و تربیت آن مجاز شمرده می‌شود و در ردیف یکی از مشاغل حلال و جایز قرار گرفته است.

مسأله اختلاط زن و مرد و گرایش به افزایش این اختلاط، به صورتهای گوناگون مسأله ای است که نمی‌توان آن را اسلامی شمرد.

این گرایش، غرب‌مآبانه است و با کلّ تعالیم اسلام در باره زن و مرد و روابط آنها سازش ندارد.

متأسـفانه این مسأله، به صورتهای خطرناک رو به افزایش است و آنچه را تا به حال در مجامع اسلامی با الهام از تعالیم اسلام قدح و مورد ذم و نکوهش بود، مدح می‌شمارند و حتی برای افراشتن پرچم در برنامه‌هایی در کشورهای بیگانه، از زنها استفاده می کنند.

پیرامون احکام اسلام باید به مرد و زن فهماند که شارع این احکام، نه با مرد و نه زن با هیچ کس قرابت و خویشاوندی ندارد و نظام عالم تشریع هم مانند نظام عالم تکوین، نظام اکمل و اتمّ است.

باید همه در مقابل احکام خدا تسلیم باشیم ونسبت

حدیث بیداری، ص: ۵۱

به آن حرف و ایراد نداشـته باشـیم که حقیقت دین و روح ایمان و معنی اسـلام همین تسـلیم خدا و بنده خدا بودن است و برای مرد وزن بالاـترین مقـام، همین مقـام تسـلیم و عبودیت کامل و تام و تمام است. بنابراین گرایشـهایی که راجع به حـذف بعضـی مقررات شرعی اظهـار می‌شـود، بـا ایـن روح اسـلام و مسـلمانی سازگـار نیست و چه بسـا در بعضـی مـوارد به کفر و خروج از اسـلام منتهی می‌شود.

باید مسلمانان معنی این آیه کریمه را به جان و دل بپذیرند که:

فَلا وَ رَبِّکَ لایؤْمِنُونَ حَتّی یحَکِّموکَ فیما شَجَرٌ بَینَهُمْ ثُمَّ لایجِدُوا فی انْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَیتَ وَ یسَلِّموا تَسْلیماً.[۳۹]

تبعیض در پـذیرش و ایمـان وباور به احکام خـدا جایز نیست و همان نُؤْمِنُ بِبَعْض وَ نَکْفُرُ بِبِعْض ۴۰] است که قائلان آن را خـدا در قرآن مجید چنین توصیف می‌فرماید:

اولئِکَ هُمُ الْکافِرونَ حَقّاً وَ اعْتَدْنا لِلْکافِرینَ عَذاباً مُهیناً.[۴۱]

از این‌ها مهم‌تر مسأله هویت اسلامی است که هر مسلمانی به آن هویت افتخار دارد. مسلمان پیش از اینکه هویت نژادی یا آسیایی یا اروپایی یا آفریقایی داشـته باشد، هویتش اسـلامی است. افتخارش به اسـلام، به قرآن، به تاریخ اسـلام، به مفاخر عالم اسلام، به آثار اسـلامی، به مسـجد الحرام، به مسـجد مدینه، به مسجد الاقصی، به مسجد کوفه، به مساجد ویران شده اسپانیا، به مساجد عظیم هند و ترکیه و مشاهده مشـرفه و مقامات مقدّسه اهل بیت، علیهم‌السّلام، و صدها و هزارها سوابق گوناگون تاریخی وعظمت تمدن اسلامی و شاهکارهای علم وآثار نبوغ مسلمین است.

مسـلمان به اسم محمّـد و علی و حسن و حسـین و حمزه و جعفر طیـار، رجـال بزرگ اسـلام، افتخـار کرده و مباهـات دارد که با این نام‌ها، نام داشته باشد.

تمدّن، تمدّن اسلام و قانون و برنامه ومقررات و احکام، همه اسلام است و غیر از اسلام چیزی نیست و

حدیث بیداری، ص: ۵۲

اسلام همه چیز و همه خوبیها و ارزشها و خیرات است.

حقوق بشـر و حقوق انسـان همان است که قرآن بیان کرده است. مسـلمانان در این معانی به جایی و نقطه ای و مجمع و مرکزی نیاز ندارند. مسأله نیازهای تکنیکی وصنعتی غیر از این مطالب است که البته در آن هم باید مسلمانان خودکفا باشند.

باید قوی‌ترین سپاه و ارتش و پیشرفته ترین صنایع و علوم مورد نیاز بشر را داشته باشند و از بیگانگان خود را بی‌نیاز سازند.

یکی از توطئه‌های خطرناک دشـمنان اسـلام که با آن در صدد ضـربه زدن به هویت اسـلامی مسـلمانان هستند، همین موضوع ایجاد قومیت‌هـای جـداگانه و احیـای ملیت‌هـای مرده، در بین مسـلمانان است که مؤسـساتی از اسـتعمارگران، به عنـاوین به ظـاهر فریبنـده تأسیس شـده و مزدوران آنهـا، این برنـامه را از یکصـد سـال پیش تـا حال، در بین مسـلمانان ترویـج می‌کننـد و سـعی دارنـد در هر نقطه‌ای، فرهنگهایی غیراسـلامی بسازند و از آن برای تضـعیف فرهنگ اسلامی، که جوامع مسلمان به آن ایمان دارند، استفاده کنند و بـه عبـارت دیگر چـون بـازگشت به آن فرهنگهـای مرده نیز ممکن نیست، در واقع جوامـع مسـلمان را بی‌فرهنگ سازنـد و همین زمزمه‌هـا بود که پیش از انقلاب عظیم اسـلامی مردم مسـلمان ایران، تا آنجا پیش رفت که تاریـخ اسـلامی را به تاریـخ به اصـطلاح شاهنشاهی تغییر داد و همین‌ها بودنـد که وقتی بنابراین شد که مجلس شورایی که از برکت قیام مسـلمانان و جانبازیها و فداکاریها و شهادت ده هزار جوان برومند تشکیل شود، مخالفتشان بلند شد که باید ملّی باشد نه اسلامی.

این سیاست باز هم ادامه دارد و باز هم دشمنان اسلام، ایران منهای اسلام، مصر و ترکیه و هر جای دیگر را منهای اسلام می‌خواهند.

باید مسلمانان، مخصوصاً جوانان غیرتمند را در این ماه رمضان به این توطئه‌های خطرناک و صداهایی که بلند است، متوجه سازند.

باید همه در برابر این تهاجم بزرگ فرهنگی بایستند و به سوابق اسلامی خود و تاریخ عظیم پر از افتخار اسلام فخر و مباهات کنند.

آن دورانها، دوران فرعونهای مصـر و بر پاکنندگان سـتمگر اهرام و شاهنشاهان ستمکار ایران، با ظهور اسلام از میان رفت؛ استعباد و استیلای آنها را اسلام نابود کرد و خلاصه ما امروز هر چه داریم از اسلام

حدیث بیداری، ص: ۵۳

است؛ دین ما اسـلام است؛ حکومت و قانون و سـیاست ما اسـلام است؛ افتخار ما به جانبازان صدر اسلام و منادیان آزادی و عزت و کرامت و شرف انسان و به رجال علم و فضیلت و چهارده قرن سوابق درخشان است.

مردان به پاخاسته ایران به جای افتخار به افسانه‌های رستم و سهراب و اسفندیار و هفت خوان و ضحاک مار بردوش، به دهها هزار شهیدان جنگ تحمیلی که جان برکف، اسلام را یاری کردند و حماسه‌ها آفریدند و برای دفاع از دین و نوامیس اسلام و مسلمین دلیرانه و بی‌باکانه جنگیدند و تاریخ ایران را به سرافرازی و عزت و همّت اسلامی، درخشان ساختند، افتخار می‌کنند.

بایـد این فرهنگ بازگشت به اسلام را همه ترویج کنیم و شخصیت مستقل اسلامی را به تمام معنا در خودمان و در جامعه برقرار سازیم. این مسؤولیت هر مسلمان، هر زن مسلمان و هر مرد مسلمان است؛ اسلام باقی است، جاودان است، دین آینده تمام بشر و قانون تمام ملل و امم خواهد شد.

فَلا تَمُوتُنَّ الّا وَ انْتُمْ مُسْلِمُونَ ۴۲]

والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۵۴

موضوع: میلاد امام حسن، علیه‌السّلام

تاریخ: رمضان ۱۴۱۹ ه‍- . ق

بسم الله‌الرحمن الرحیم

بزرگداشت ایام الله روزهای اسلام و نبوت و ولایت، بزرگداشت شرف، کرامت، عزت و عظمت مقام انسانیت، اوج قرب و ربط واتصال بشر به درگاه اقدس ربوبیت و الوهیت است.

این روزهای عزیز و بزرگ برای همگان فرصتهای ارزنده و گرانبها است تا معارف و شناخت دینی خود را بیشتر و ارتباط روحی خود را با اولیای دین، علیهم‌السّلام، کاملتر سازند و هم با تجلیل از این روزها، تعظیم شعایر نموده، علاقه و ارادت خود را به خاندان وحی و اهل بیت نبوت ابراز نموده و تصمیم خود را بر خدمت به اسلام و اعتلای کلمهٔالله، تازه و تجدید نمایند و مراسم شکرگزاری نعمت ولایت ائمه طاهرین، علیهم‌السّلام، بخصوص حضرت بقیه‌الله، صاحب عصر و ولی وقت، ارواح العالمین له الفداء، را ادا نمایند؛

وَ قالُوا الْحَمْدُلِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا انْ هَدانَا اللّهُ.[۴۳]

یکی از این روزهای الهی و ایام پر از برکات معنوی، روز پانزدهم ماه مبارک رمضان، روز ولادت با سعادت سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی، علیه‌السّلام، است؛

زاد روزی که قلب مقدس بزرگ و بی‌کرانه حضرت ختمی مرتبت، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، را از شادی و سرور پر نموده، دیدگان ولی خدا، علی مرتضی و سیدهٔالنسا، فاطمه زهرا، علیهماالسّلام، در آن طلعت زیبا و جمال حق نما و دلربای نوزادی حسن روی و حسن خوی روشن گردید.

نوزادی که اصالتهای هاشمی و مفاخر بیت مصطفوی و معالی خاندان مرتضوی را به نمایش گذارد و سیره و سیرتش، اسلام ناب و قرآن مجید را تفسیر و تعلیم

حدیث بیداری، ص: ۵۵

می‌نمود. همگان او را به سیادت و آقایی می‌ستودند و جد بزرگوارش، که زبانش وحی بود، او را سید می‌خواند.

ائمه طاهرین، علیهم‌السّلام، همه سید و آقا بودند، اما سیادت این نوزاد، که پدرش سید و برادرش سید و جدش سیدالمرسلین و سیدالخلایق اجمعین است، ظهور و جلوه خاصی یافت که همه حتی دشمنان به سیادت او اعتراف داشتند؛ در بین مسلمین احدی سیادت و آقایی او را نداشت، احدی مانند او محبوب القلوب و مالك دلهای مسلمانان نبود، تا حدی که وقتی معاویه با احنف بن قیس، که یکی از معدود ادهیا و سیاستمداران آن عصر بود، مسأله ولایت عهدی یزید و جانشینی او را مطرح کرد، بر آشفت و عظمت امام مجتبی، علیه‌السّلام، و محبوبیت او را در قلوب به او گوشزد کرد و گفت: او حتی از پدرش در بین مسلمانان محبوبتر است.

ولی حق اینست گرچه پیرامون فضایل، مناقب و ابعاد عظمت شخصیت حضرت مجتبی، علیه‌السّلام، و علم و زهد و عبادت و سخاوت و بزرگواریهای دیگرش سخن گفته شده و کتابها نوشته‌اند، اما هنوز معالی مقامات وسیره آن حضرت ناشناخته مانده است و آنهایی که ارباب معرفت و امام شناسند، هنوز هم از کلاس اول معرفت آن حضرت بالاتر نرفته‌اند؛ چنانکه بسیاری از فضایل اهل بیت، علیهم‌السّلام، تا عصر آن حضرت بر نوع مردم ناشناخته مانده بود و سیره و روش خاص آن حضرت، آن فضایل را به مردم شناساند، با آن اخلاق الهی و آن صفات متعالی، مردم، فرق بین مکتب جهل و ظلم و دنیا پرستی و علی، علیهم‌السّلام، و معاویه را شناختند.

هنگامی که معاویه بر مردم با ظلم و نیرنگ و تزویر مسلط شده بود و حکومت اسلام را که باید بر اساس همسویی و همدوشی و همرنگی با ضعفا و جامعه، بر اساس همان برنامه ای که عدی بن حاتم از علی، علیه‌السّلام، در مجلس معاویه شرح داد، جریان داشته باشد به سبك و روش دربار سلاطین ایرانی و قیاصره روم و جباران زمین قرار داد، امام حسن، علیه‌السّلام، با همان سیره پدرش با مردم رفتار می‌کرد، به همه نزدیك و با همه مهربان بود و با همه مجالست می‌نمود، اموال خود را با فقرا تقسیم می‌نمود و گاه آنچه داشت همه را در راه خدا انفاق می‌کرد.

در حالی که معاویه احکام اسلام و حقوق مردم را

حدیث بیداری، ص: ۵۶

پایمال می‌کرد و مخالفان خودرا با خدعه و نیرنگ می‌کشت و مسموم می‌ساخت، از دین و هدایتهای قرآن احترام نمی‌کرد، برای محو اسلام و برانداختن شجره توحید تلاش می‌نمود، از خدا ترس و باکی نداشت و از اعمالش، بی‌اعتقادی به قیامت و معاد ظاهر بود.

کانَ الْحَسَنُ، علیه‌السّلام، اذا ذَکَرَ الْمَوْتُ بَکی وَ اذا ذَکَرَ الْقَبْرُ بَکی وَ اذا ذَکَرَ الْعَرْضُ عَلَی اللهِ بَکی وَ اذا ذَکَرَ الْمَمَرُّ عَلَی الصّراطِ بَکی وَ شَهِقَ شَهقَةُ یغْشی عَلَیهِ مِنْها.[۴۴]

خلاصه، موقف و موضع امام، علیه‌السّلام، در هدایت مردم و افشای حقایق و ابطال حکومت بنی‌امیه به قدری مؤثر و کار ساز شد که با آن همه تمهیدات و اسباب طلبیها و نقشه‌هایی که برای محو اسلام و نام رسول خدا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، چیده شده بود و از تمام وسایل، حتی فرازهای منبر و محراب و وسایل تبلیغی که در دست بنی امیه بود استفاده می‌شد، شجره توحید و هدایت اسلام و رسول اسلام از آن همه گزند و حوادث کوبنده نجات یافت و تا امروز و تا روز قیامت، این اسلام و این قرآن و این دین محمدی، دین جدّ امام حسن مجتبی، علیه‌السّلام، باقی و برقرار مانده است.

یقیناً هر کسی که به دقایق تاریخ آگاه باشد، این معنا که سیره آن حضرت، نقش مؤثر و کار ساز در خنثی کردن نقشه‌های شیطانی اسلام داشت را تصدیق می‌کند.

یکی از نویسندگان معروف اهل سنت می‌گوید: «اگر هجومی که از جانب بنی امیه به اسلام شده، به هر نهضت و حرکتی وارد می‌شد آن را از پای در می‌آورد».

در اینجا نه مجال اطاله سخن است و نه با اطاله کلام مثل حقیر، هر چند هم طولانی باشد، حق مطلب ادا می‌شود، لذا بهتر این است که سیر سخن راعوض کرده و از حال خودمان آغاز کنیم.

برادران عزیز و خواهران محترم، ما امروز پس از چهارده قرن و اندی، این زاد روز مبارك را جشن می گیریم و عهد ولایت خود را با اهل بیت، علیهم‌السّلام، تجدید و انشاءالله میثاق آن را استحکام

حدیث بیداری، ص: ۵۷

می‌بخشیم. باید بدانیم که این اسلام و این احکام الله و این مذهب، در طول این اعصار و قرنها که با تلاش مسلمانان متعهد پایدار مانده و هدایتهایش، راهش و احکامش همه زنده و برقرار است، احکامی است که چهارده قرن در جهان اسلام بر تمام نواحی زندگی این جمعیت میلیاردی حاکم بوده، در عبادت در اخلاق و در معاملات، در قضا، در سیاست، در روابط عائله، خلاصه از ولادت و بلکه پیش از ولادت، همه را تا مرگ و دفن شامل بوده است، دینی نیست که اجرای آن و جامعیت آن برای رفع نیازمندیهای بشر و اداره امور سیاست و ظاهر و باطن روح و جسم آزمایش نشده است. اکنون هم این نظام و این احکام، به شرط اینکه ما به آن متعهد باشیم و از غرب و شرق رنگ نگیریم، برای اداره امور دنیا و آخرت ما کافی و کامل است.

باید در مواضع اسلامی خود ثابت قدم بمانیم و مسؤولیتهایی که داریم را نصب‌العین قرار دهیم؛

آیین ما اسلام و احکام نورانی اسلام است، غرب هم مثل شرق از اداره صحیح جامعه عاجز است؛ مخصوصاً به جوانان عزیز، به دانشجویان ارجمند و به بانوان محترم، که امروز بیشتر از دیگران هدف اغراض دگراندیشان و روشنفکران اسمی هستند، سفارش می کنم آیین اسلام با شما و برای شما است و همه از شما انتظار دارند که برای نصرت و یاری اسلام با هم متحد شوید. درمقابل این زمزمه‌های شوم، با قومیت گرایی، در مقابل اختلاط زن و مرد، معانی غلطی که از آزادی، از حقوق بشر، از حقوق زن، از ملیت و عناوین دیگر وجود دارد بایستید و مقاومت کنید، پایدار باشیدو بدانید در غیر مورد ضرورت، نشستن زن مسلمان در کنار مرد بیگانه، به نحوی که متداول شده، اگر عیب زن مسلمان نباشد، که هست، حسن و مدح او نیست.

حدیث بیداری ؛ ص۵۷

یزان من، آگاهانه قدم بردارید، اسلام دین ترقّی، دین تعالی، دین کمال، دین شرف، عفت و پاکی، دین رحم و مروّت و انصاف و دین انسانیت است.

در خاتمه از خداوند متعال برای همه توفیق عمل به احکام اسلام و امر به معروف و نهی از منکر مسألت می‌نمایم.

از اعضای محترم مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر، ارواحنا فداه، خصوصاً بانی و مؤسس فداکار و پر تلاش آن، جناب مستطاب، حجت‌الاسلام، آقای حاج سید محمود بحرالعلوم میردامادی، دامت تأییداته، و از

حدیث بیداری، ص: ۵۸

عزیزانی که به این مؤسسه و برای پربار شدن آن، که به نام نامی و اسم گرامی حضرت امام زمان و ولی دوران و حجت یزدان، ارواح العالمین له الفداء، تاسیس شده، کمك و یاری می کنند، تقدیر و تشکر می‌نمایم و عنایت خاصه آن موعود انبیا و خاتم اولیا، علیهم‌السّلام، را برای همه درخواست دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۵۹

موضوع: شهادت و مقام شهید

تاریخ: رمضان ۱۴۱۹ ه‍- ق

بسم الله الرحمن الرحیم

قالَ الله تعالی: وَ لاتَقُولُوا لِمَنْ یقْتَلُ فی سَبیلِ اللهِ امْواتٌ بَلْ احْیاءٌ وَ لکِنْ لاتَشْعُرونْ.[۴۵]

از اعظم قربات و اجلّ مقامات و درجات، شهادت فی سبیل الله است.

شهادت در راه خدا، در راه اعلای کلمةالله، در راه احیای امرالله، در راه دفاع از دین و حدود و ثغور و نوامیس مسلمین.

شهید و شهدا، سعادتمندان و پاکبازانی هستند که در میدان جهاد فی سبیل‌الله از مرگ واهمه و اندیشه‌ای ندارند، و نصرت حق و یاری دین خداو جهاد با دشمنان خدا را فوز عظیم می‌دانند. و از میان بارش باران اسلحه دشمن، خود را مظفّر و پیروز و نایل به احدی‌الحسنیین می‌شمارند. اعلای کلمه اسلام و بقای دین و عزّت و شوکت مسلمین، همه از برکت فداکاریها و جانبازیهای این رادمردان از جان گذشته است.

در غزوات صدر اسلام، آنان که در رکاب پیامبر اعظم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، حقّ جهاد و شجاعت و مردانگی و ایثار و اخلاص و علاقه به حق را ادا کردند، فداکارانی بودند که در رأس آنها و شخص اول آنها، فارس غزوات و لیث بی‌مانند غابات، قاتل سران کفر و شرک و فاتح قلاع جهل و استکبار، امیرالمؤمنین، امام علی، علیه‌السّلام، بود که در طول تاریخ پر از فراز و نشیب اسلام، هر کجا و در هر زمان و در هر عصر و توفان و هر سختی و بلا و هجوم اعدا، خط شهید و شهادت و فرهنگ ایثار و فداکاری امت اسلام را سربلند و سرافراز نموده است.

خطی که قیام سیدالشهدا، رهبر آزادمردان جهان، حضرت امام حسین، علیه‌السّلام، و یارانش را بوجود آورد و آن رستخیز عظیم را که تا دنیا باقی و برقرار است همچنان در برابر کفر و ظلم یزیدیان هر

حدیث بیداری، ص: ۶۰

عصر و زمان در ستیز است، بر پاکی و واقعیت معنایی را که در این شعر است، به جهانیان نشان داد؛

لَوْلا صَوارِمُهُمْ وَ وَقْعُ نِبالِهِمْلَمْ تَسْمَعِ الْاذانُ صَوْتَ مُکَبِّرِ

رستاخیزی شد که در آن اوج پرواز انسان‌های مخلص و خود را به خدا فروخته و از جان و مال و زن و فرزند گذشته آشکار گشت. و خطاب انّی اعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ ۴۶] خدا، به ملائکه از نو تفسیر شد.

و حسین، علیه‌السّلام، را تا ابد اسوه و نمونه و مفخر مکتب شهادت و سید اهل آبا و پیشوای شهدای راه حق و نجات انسانیت قرار داد.

صلوات الله و سلامه علیه و علی اهل بیته و اصحابه الطاهرین.

قرآن کریم که برترین و شریفترین معانی جهاد و شهادت، را به مسلمانان می‌آموزد، کسانی را که در این مکتب جهاد و شهادت از خود و مال و وابستگان خود در راه اعلای کلمه توحید و نجات بشر از ذلّت عبودیت غیر خدا و استعباد زورگویان گذشت ندارند، به تهدید، سخت هشدار می‌دهد، می‌فرماید: قُلْ انْ کانَ آبائُکُمْ وَ ابْنائُکُمْ وَ اخْواتُکُمْ وَ عَشیرَتُکُمْ وَ امْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادِها وَ مَساکِنَ تَرْضَونَهُ احِبُّ الَیکُمْ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٌ فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یأْتِی اللهَ بِامْرِهِ وَ اللهُ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ.[۴۷]

این آیه به صراحت اعلام می‌کند که مسلمان باید در راه خدا و پیغمبر و جهاد در راه خدا، از هر چه در نزدش عزیز و قیمتی است

چشم بپوشد، سخن حق را بگوید، صراحت لهجه داشته باشد، با اهل بدع و گمراهیها برای این جهات دنیایی به مسامحه و مجادله و حق‌پوشی عمل نکند. می‌فرماید: اگر پدران شما و پسران شما و برادران شما و همسرهای شما و خویشاوندان و عشیره شما و اموالی که ذخیره کرده و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید و خانه‌هایی که برای خودتان پسندیده‌اید، همه اینها محبوبتر باشد به سوی شما از

حدیث بیداری، ص: ۶۱

خدا و پیغمبر خدا و جهاد در راه خدا، پس منتظر باشید خدا فرمانش و عذابش را بیاورد (و بر شما نازل کند)، از این جهت و این درک و معرفت است که می‌فرماید:

الا وَ مَنْ ماتَ عَلی حُبِّ آلِ مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ ماتَ شهیداً؛[۴۸]

این معنایی است که شهید، یعنی آنکه در راه خدا به شهادت می‌رسد، آن را درک می‌کند و باید آن را درک کند و داشته باشد. تا اگر شهادت هم نصیبش نشد، حال و روحیه شهیدان و دوستداران جهاد و شهادت را داشته باشد.

این معنای بزرگ و مقام ارجمندی است و با این اعلام خطر که در این آیه است همه و هر مسلمان، باید آن را در خود پرورش دهد و حقیقتاً برای اسلام و دین، همیشه آماده فداکاری به مال و جان باشد.

و جهاد را در هر درجه‌ای که فراهم می‌شود، هر چند به امر به معروف و نهی از منکر باشد، ترک نکند که فرمود:

مَنْ تَرَکَ انْکارَ الْمُنْکَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ وَ یدِهِ فَهُوَ مَیتٌ بَینَ الْاحْیاء؛[۴۹]

البته در جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، باید ضوابط و برنامه‌های شرعی را که در فقه بیان شده رعایت نمود و احساسی و سلیقه‌ای عمل نکرد. امّا روحیه آمادگی برای دفاع از دین و نوامیس مسلمین باید در این حدّی که در آیه بیان شده است، همواره قوی و نیرومند باشد. تافرمان مبارک وَ اعِدّوا لَهُمْ مَااسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٔ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّاللهِ وَ عَدُوَّکُمْ،[۵۰] اجرا شود و دشمنان همیشه از مسلمانان مرعوب و بیمناک باشند و اندیشه تجاوز به حقوق و حدود آنها را ننمایند.

السّلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۶۲

موضوع: کشتار بی‌رحمانه مسلمانان در کوزوو

تاریخ: ذی‌الحجه ۱۴۱۹ ه‍- ق

بسم الله الرحمن الرحیم

مَنْ سَمِعَ مُنادِیاً ینادی یا لَلْمُسْلِمینَ وَ لَمْ یجِبْهُ فَلَیسَ بِمُسْلِم.[۵۱]

مظالم بسیار تلخ و ناگوار و مصایب دلخراشی که از سوی رژیم وحشی صرب و سربازان سفاک و قسی القلب یوگسلاوی بر مسلمانهای مظلوم کوزوو، وارد می‌شود، هر کس را که اندک رحمی داشته باشد، غرق تأسف و تألم می‌نماید.

شرح این جنایتهای هولناک که حتی بر کودکان و پیران و بانوان نیز وارد می‌شود، غیر قابل بیان است. مسلمانان کوزوو، بوسیله رژیم ددمنش یوگسلاوی، از حقوق اولیه انسان، حق حیات و زندگی در خانه و کاشانه خود محروم شده‌اند؛ خانه‌هایشان را آتش می‌زنند؛ اموالشان را به غارت می‌برند؛ گروه گروه از آنها را قتل عام می‌نمایند و صدها هزار نفر را در بدترین شرایط آواره

وسرگردان کرده‌اند.

جا دارد که به کلام معجز نظام علوی، علیه‌السّلام، مترنّم شویم که:

فَلَوْ انَّ امْرَءاً مُسْلِماً ماتَ مِنْ بَعْدِ هذَا اسَفا ما کانَ بِهِ مَلُوماً بَلْ کانَ بِهِ جَدیراً.[۵۲]

در این میان، قدرتهای به اصطلاح بزرگ، یاسیاستهای خاص خود را در نظر دارند و یا از این رژیم فاسد پشتیبانی و حمایت می کنند و حتی از محکوم کردن این مظالم نیزخودداری می‌نمایند.

این جانب بر حسب وظیفه اسلامی، همدردی عمیق خود را با مسلمانان آواره و مظلوم کوزوو اعلام نموده، از عموم مسلمانان می‌خواهم که در این فاجعه بزرگ

حدیث بیداری، ص: ۶۳

انسانی به وظایف اسلامی خود عمل کرده، در رساندن کمکهای مالی به برادران مسلمان خود سریعاً اقدام نمایند و هر کدام، در هر کجای دنیا که هستند، این رژیم ضد بشری را که در صربستان حاکم است، محکوم نمایند.

ضمناً افرادی که می‌خواهند به این مسلمانان مظلوم کمک نمایند و برادری و عزت همبستگی اسلامی خود را اعلام کنند، می توانند تا ثلث بدهی خود را از سهم مبارک امام، علیه‌السّلام، بپردازند.

و لا حول و لا قوة الّا بالله العلی العظیم

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۶۴

موضوع: فرا رسیدن عید سعید غدیر خم

تاریخ: ذی‌الحجّه ۱۴۱۹ ه-. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم محمد و آله الطیبین و الحمدلله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین و اولاده المعصومین سیما صاحب عصرنا و امام زماننا، مولانا المهدی، بقیة الله فی الارضین. ثم السلام علی شیعتهم الفائزین المخلصین و حزب الله المفلحین الفرقة الناجیة خیر البریة.

قال الله تعالی: یا ایهَا الرَّسولُ بَلِّغْ ما انْزِلَ الَیکَ مِنْ رَبِّکَ فَانْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ انَّ اللهَ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ.[۵۳]

سلام بر عید الله اکبر، سلام بر عید سعید غدیر، سلام بر غدیر خم، سلام بر روز اکمال دین و اتمام نعمت و تبلیغ رسالت، سلام بر جشنها، مراسم و محافل روحانی و مجالس شکوهمند ایمانی، سلام بر فرهیختگان و آگاهانی که در مرور اعصار و گذشت چهارده قرن، همه ساله یاد و خاطره بزرگ رویداد تاریخی و اسلامی غدیر را با حفظ سنن اسلامی و پرهیز از گرایش‌های غربی گرامی می‌دارند و هر سال بر رونق و گسترش آن می‌افزایند و علایق و رشته‌های ولایت و ارتباط خود را با ولی الله بحق و منصوص من جانب الله، محکمتر می‌سازند.

سلام بر سرایندگان اشعار و قصاید ولایی، سلام بر سخنرانان و ارباب قلم و فضلا و نویسندگانی که در این روزهای خجسته (دهه غدیر و دهه ولایت) شیعیان و دوستان آن امام همام را گرم نشاط و اقبال به حقایق و معنویات و وجد و انبساط می‌سازند و خط تشیع و ولایت و غدیر، که خط اسلام راستین، تولّا و تبرّا، تعهد به احکام دین، اهتمام

حدیث بیداری، ص: ۶۵

به امور مسلمین، حمایت از محرومین و مستضعفین، امر به معروف و نهی از منکر و نصرت اسلام و اعلای کلمهٔ الله است را تبلیغ می‌نمایند.

روز غدیر در تاریخ اسلام از روزهای فراموش نشدنی است؛ آیات قرآن مجید، اخبار متواتره، جوامع حدیث، از سنن و مسانید، کتابهای تفسیر، کلام، تاریخ، سیره و رجال و حتی لغت و ادب، همه اسناد این واقعه بزرگ و اعلام رسمی ولایت و خلافت امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، است که در کتابهایی، تا دهها جلد، اسناد و روایات غدیر، جمع آوری و ضبط شده است.

البته برای اولین مرتبه نبود که رسول اعظم اسلام، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، علی، علیه‌السّلام، را به خلافت و امامت نصب فرمود؛ در مواقف متعدد دیگر نیز این اعلام و انتصاب الهی انجام شده بود که از جمله در اوایل بعثت و هنگام نزول آیه وَ انْذِرْ عَشیرَتَکَ الْاَقْرَبینَ،[۵۴] برنامه خاص این نصب اعلام شد؛ ولی در غدیر خم، در آن مجمع عام که نفرات آن را تا بیش از نود وصد هزار هم گفته‌اند، به همگان این موضوع بسیار حساس و مهم اعلام شد که در اینجا، در مقام شرح وبسط این موضوع نیستیم. بحمدالله علما و مؤلفان عالی‌قدر فروگذار نکرده، در نهایت وضوح این اصل محکم دینی را بیان فرموده‌اند.

برادران و خواهران ایمانی! شما که عید را همه ساله گرامی می‌دارید! آفرین بر ایمان و اخلاص شما! آفرین بر رشد فکری و شعور دینی شما! آفرین بر این احساسات تابناک ملکوتی! عنوان صحیفه عمل هر مؤمن، همین ولایت امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، است.

همان بزرگ رهبری که فضایل و مناقبش از حدّ احصا، خارج است؛

همان فداکار و قهرمان و مجاهد یگانه ای که

لَوْ لا سَیفُهُ لَما قامَ لِلْاسْلامِ عَمُودٌ،[۵۵]

همان مرد علم و ایمان و معرفتی که علوم همه در برابر علومش چون قطره‌ای است در برابر دریا،

همانکه همه به علم او نیازمند بودند و او از همه بی نیاز بود؛

همانکه وجودش نمایش و جلوه کامل کمالات محمدی بود و هنگام نزول قرآن، با او همراه بود و آنچه را پیغمبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، شنید و

حدیث بیداری، ص: ۶۶

دید، او نیز می‌شنید و می‌دید.

بزرگ شخصیتی که در علم، عمل، زهد، تقوا، حلم، تواضع، عبادت، ایثار، جهاد، رحم، عدل، احسان و تمام صفات فاضله بی نظیر و ممتاز و نادر، روزگار و آیت کبرای پروردگار و مجمع صفات اضداد بود. صاحبان عقول کبیره، فصحا و بلغا و بزرگان عالم بشریت، در برابر او سر تسلیم و خضوع فرود آورده، در مدح و ستایش او بلیغترین و رساترین سخنان را گفته و کتابها نوشته‌اند، و با این همه هرگز مبالغه نیست اگر بگوییم:

این شرح بی نهایت کز وصف یار گفتندحرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست‌که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

عظیمی که تمام نواحی و جودش عظمت و آیت قدرت بی انتهای خداوند متعال و جمع همه عظمتها بود.

کانَ عَظیماً فی ایمانِهِ عَظیماً فی عِلْمِهِ وَ عَظیماً فی بَصیرَتِهِ. عَظیماً فی زُهْدِهِ وَ تَقْواهُ، عَظیماً فی بُطُولاتِهِ وَ تَضْحِیاتِهِ، عَظیماً فی نُصْرَةِ الْحَقِّ وَ اقامَةِ الْعَدْلِ، عَظیماً فی اعْلاءِ کَلِمَةِاللهِ، عَظیماً فی رَحْمَةٌ لِلْایتام وَ الْارامِلِ وَ الْمَساکینَ، عَظیماً فی مُواساتِهِ لِلْفُقَراءِ، فی خَوْفِهِ مِنَ

اللهِ تَعالی، عَظیماً فی فَصاحَتِهِ وَ بَلاغَتِهِ، عَظیماً فی مَأْکَلِهِ وَ مَشْـرَبِهِ وَ مَلْبَسِهِ، عَظیماً فی کُلِّ احْوالِهِ وَ افْعالِهِ، فَتَعالَی اللهُ الْعَلِی الْعَظیمُ خالِقِ هَـذا الْانْسانْ وَ مُوَدِّعِ هـذِهِ الْعَظَماتِ فیهِ، فَتَعالَی اللهُ خالِقُ هذَا الْکَوْنِ الْمُتَصاغِرِ لِعَظَمَتِهِ وَ الْمُتَذَلِّلِ لِجَلالِهِ وَ جَبَرُوتِهِ وَ سُـلْطانِهِ وَ الْخائِفِ مِنْ کِبْرِیائِهِ، صاحِبِ هذِهِ الْعَظَماتِ وَ الْمُعْتَرِفِ عِنْدَهُ بِعَجْزِهِ وَ فَقْرِهِ الَیهِ، فَهُوَ الَّذی قالَ:

«الهی کَفی لی عِزّاً انْ اکُونَ لَکَ عَبْداً، و کَفی لی فَخْراً انْ تَکُونَ لی رَبّاً[۵۶]

». فَهُوَ الْمَمْسُوسُ فی ذاتِ اللهِ وَ البَکاءُ مِنْ خَشْـیةِ اللهِ وَ الْمُجاهِدُ فی سَبیلِ اللهِ هُوَ الصِّراطُ الْمُسْـتَقیمُ وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقی وَ حَبْلُ اللهِ الْمَتینِ وَ میزانُ الْاعْمـالِ وَ هُوَ قَسـیمُ الْجَنَّةِ وَ النّارِ وَ هُوَ نَفْسُ الرَّسُولِ وَ زَوْجُ الْبَتولِ وَ سَـیفُاللهِ الْمَسْـلُولِ وَ یـدُاللهِ الباسِـطَةُ وَ اذُنِهِ الْواعِیـهٔ وَ عَینِهِ النّاظِرَهُ وَ حُجَّتُهُ الْبالِغَةُ هُوَ مَوْلانا عَلی بْنُ ابیطالِبُ، علیه‌السّلام.

حدیث بیداری، ص: ۶۷

هُوَ الَّذی مِنْ رَسُولِ اللهِ کانَ لَهُمَقامُ هارونَ مِنْ موسَی بْنِ عِمْرانِ

هُوَالَّذی کانَ بَیتُ اللهِ مَوْلِدَهُوَ طَهَّرُالْبَیتِ مِنْ ارْجاسِ اوْثانِ

لَوْلاهُ لَمْ یجِدُوا کُفْواً لِفاطِمَهٔلَوْلاهُ لَمْ یفْهَمُوا اسْرارَ قُرْآنِ.

باید بگوییم و اعتراف کنیم که ما را آن شایستگی و صـلاحیت نیست که در اوصاف و کمالات علوی سـخن بگوییم و سـزاوار این است که در این مقـام، زمین عجز و مسـکنت ببوسـیم و از خداونـد منـان بخـواهیم که مـا را در طریق ولاـیت و ایمـان به امـامت آن حضرت ثبات قدم و استقامت عطا فرماید.

امیـد آنکه این برنامه‌هـا و جشـنها و این خـدمات و زحمـات عزیزان و جوانـان مخلص و برگزاری دهه غـدیر، همگـان را به معارف ولایی بیش از پیش آشنا سازد و موجب جلب توجهات عالیه حضرت بقیهٔ الله، ارواح العالمین له الفدا، گردد.

برادران و خواهران ایمانی! همه بایـد این را بدانیم که دین برای عمل است؛ ایمان به خدا، به پیغمبر، به آیات، همه باید با عمل توأم باشد.

مظاهر حقیقی و علایم واقعی ولایت، عمل به دستورات و تعالیم قرآن و احکام شرع و هدایتهای امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین، علیهم‌السّلام، است.

باید از همه فرصـتها، برنامه‌های اعیاد و سوگواریها، برای خودسازی و برای ترقی و کمال معنوی و اخلاقی اسـتفاده کنیم، جلو برویم و رو به پیش باشـیم. در این فرصتها به وضع تشیع خود، شیعه بودنمان، جهات اسلامی خودمان، جامعه و برادران و خواهرانمان، شهر و کشور، مسجد و اداره و مدرسه و دانشگاه، مطبوعات و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی، کسب و شغل و همه نواحی زندگی فردی و اجتماعی خود بیندیشیم و ظهور تشیع و ولایت علی، علیه‌السّلام، را در همه این نواحی بررسی کنیم.

حقیر به همه هشدار می‌دهم ما از هر نقصان و کسر و کمبودی که در اسلامیت خود داشته باشیم مسؤولیم؛

از اینکه بعضی به واسطه تبلیغات سوء در اشتباه بیفتند و محرمات را حلال بشمارند، مسؤولیم.

مـا از این تشویـق و ترویجی که به اسم هنر، از فسـاد و گرایش دادن جـامعه به ملاـهی و منـاهی و شکسـتن سـنت‌های دینی می‌شود مسؤولیم.

از اختلاط زنان با مردان بیگانه، از خطراتی که

حدیث بیداری، ص: ۶۸

عفت و پارسایی زنان و جوانان را تهدید می‌کند، مسؤولیم.

این جامعه، جامعه اسلامی، جامعه شیعی و جامعه قرآنی است.

هویت اسلامی این جامعه نباید به اسم خرافاتی که اسلام بر آنها خط بطلان کشیده مورد حمله واقع شود. در غدیر و اعیاد دیگر باید این مسایل را بررسی نماییم. در این جمله تعلیلیه اخباریه ذلِکُمْ اطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ،[۵۷] که پس از جمله انشاییه‌ای که خطاب به زنان پیغمبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، است، دقت و تأمل کنید.

رعایت این هدایت قرآنی در تمام روابط بین زن و مرد بیگانه یک سنت اسلامی است که مراعات آن جامعه را از فساد و فحشا مصونیت می‌بخشد. این هدایت قرآنی اگر چه با فرهنگ مبتذل غربی، که متأسفانه افرادی فریفته و دلباخته آن هستند، مخالفت دارد، اما برای مسلمانان معیار و میزان است و اختلاطات زن و مرد بیگانه را کنترل و تحت نظم و ضابطه قرار می‌دهد. در سایر موارد باید اگر شیعه هستیم، که الحمدالله هستیم، دستورات شرعی و راهنمایی‌های ائمه، علیهم‌السّلام، را سرمشق و دستور العمل خود قرار دهیم.

خداوند متعال همه را در عمل به وظایف وحفظ مواضع اسلامی و باز نگشتن به ارتجاع جاهلیت و عقب گرایی موفق فرماید.

والسلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۶۹

موضوع: شخصیت حضرت اباعبدالله، علیه‌السّلام

تاریخ: محرم ۱۴۲۰ ه‍. ق

اعْظَمَ اللّهُ اجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَینِ، علیه‌السّلام، وَ جَعَلَنا وَ ایاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیهِ الْامامِ الْمَهْدِی مِنْ آلِ مُحَمَّد، علیهم‌السّلام.

قالَ اللّهُ تَعالی: انَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللّهَ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلاخَوْفٌ عَلَیهِمْ وَ لا هُمْ یحْزَنُونَ.[۵۸]

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت و مردان خدا و انبیا و اولیای او، از مواقف بسیار هولناک ووحشت زا و روزها و هنگامه‌های بسیار خطرناک، که برای آنها پیش آمد نموده، حکایت می‌کند که حفظ موضع و مقام و استقامت و انجام وظیفه در آن شرایط موحش، نه فقط کار انسانهای عادی نیست، بلکه بسیاری از تهمتنان و شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهنین نیز در این مواقف به زانو در آمده، در موضع و مقامی که باید برسر آن بایستند پایدار نمی‌مانند.

این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت زا است که درعرف اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مجاز شمرده می‌شود.

کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده وخطرات را تحمل نموده، در امواج بلیات و تلاطم اقیانوسهای مصایب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می‌باشند، آنان شکست‌ناپذیر و شکیبا و مقاوم بر جای می‌مانند و جز در مقابل خدای عظیم، در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی‌آورند و هیچ عامل و فشار و محرومیت و مصیبتی، روحیه آنها را تکان نمی‌دهد.

نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان، که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند، آنها را به عوض کردن خط وراه خود وادار می‌سازد و نه ترس از شداید و رنجها وسختیها درصبر و

حدیث بیداری، ص: ۷۰

مقاومتشان سستی ایجاد می‌کند؛ کوه‌های سخت تکان می‌خورند ومتزلزل می‌شوند، ولی این رجال الهی متزلزل نمی‌شوند؛

رِجالٌ لاتُلْهیهِمْ تِجارَةٌ وَ لابَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللهِ وَ اقام الصَّلوةِ وَ ایتاءِ الزَّکوةِ یخافُونَ یوْماً تَتَقَلَّبُ فیهِ الْقُلوبُ وَ الْابْصارُ.[۵۹]

مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ماعاهَدُوا اللهَ عَلَیهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ ینْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلًا.[۶۰]

یکی از مقاصد مهم بعثت انبیا و تربیتهای وحیانی، پرورش همین روحیه مقاومت در برابر اموری است که تسلط آنها بر بشر، موجب هلاکت و خسران و زیان معنوی و واقعی و سقوط او می گردد.

بایـد همه مقاوم تربیت شونـد و همه بایـد بر غرایز و خواسته‌های حیوانی و مشـتهیات جسـمانی مسلط شوند که دربرابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال وحب دنیا و جنود جهل مغلوب نشونـد و در این میـدان و رزمگاهی که دائماً بر پا است غالب و پیروز باشند.

دراین میان چنانکه گفته شد گوی سبقت را انبیا و اولیا و ائمه هدی، علیهم‌السّلام، از همگان ربوده‌اند و پیروزمندانه مواقف خود را حفظ نموده، عوامل سلبی یا ایجابی در اراده و عزم آنها اثری نبخشیده است.

موقف ابراهیم خلیـل، موقف موسای کلیم، موقف عیسای مسیح و مواقف عظیم حضـرت خاتم الانبیا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، و مواقف امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، و حضـرت امام حسن مجتبی و سایر ائمه هدی، علیهم‌السّلام، همه سرمشق و آموزنده و فوق العاده و از مظاهر بزرگ اوج عظمت مقام انسانیت و افضلیت آنها بر فرشتگان و ملائکه است.

در این میدان ظهور، موقف حسین، علیه‌السّلام، و استقامت و پایداری آن حضرت بی‌مانند است.

آن موقف پر از بلا و مصیبات و عوامل بازدارنده‌ای

حدیث بیداری، ص: ۷۱

که همه، حتی بر حسب زیارت ناحیه مقدسه، ملائکه را در تعجب انداخت که اگر این بشر است پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم و تجاوز و شرک و کفرند کیستند؟

با چنین حسن و ملاحت اگر اینان بشرندزآب و خاک دیگر و شهر ودیار دگرند

موقف موقفی بود که برای هیچیک از انبیا و اولیا، نه آدم و نوح و ابراهیم و موسـی و عیسـی و نه شـخص اول عالم امکان، حضـرت خـاتم الانبیـا، صـلّی‌الله علیـه و آلـه و سـلّم، و نـه برای حضــرت ابوالاولیـا، امیرالمـؤمنین، علیه‌السّلام، و نـه برای سـایر ائمـه هـدی، علیهم‌السّلام، پیش نیامـد؛ این موقف، مختص به خود آن حضـرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت فقط در این موقف قابل ظهور شد.

هر انسانی که بخواهـد ازاین موقف عظیم‌چیزی بگویـد یا بنویسـد، اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می‌شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی منتهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان‌شناسان، علمای هیأت و صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور، که تعداد کهکشانهایش را تا یکصد و بیست میلیـارد هم رسانده‌انـد، و اگر دیگران و دیگران که در رشـته‌های شـناخت اجزای این جهان هستی، از انسان و حیوان، کوه و دریا و نور وذره و اتم و ... آگاه و با اطلاعنـد، در برابر قـدرتی که این مخلوقات کوچک و بزرگ را آفریـده تکبیر و تهلیل و سُـبْحانَ رَبِّ السَّمواتِ وَ الْارْضِ ۶۱] می گویند، ما قدرت بی‌انتهای همان خالق کهکشانها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسـین، صاحب آن همه عظمتها هم می‌شناسـیم و تسبیح و تهلیل و تکبیر می گوییم، فَسُـبْحانَ الَّذی خَلَقَ الْحُسَـینِ وَ اهْلِ بَیتِهِ وَ اوْلادِهِ وَ اصْحابِهِ وَ انْصارِهِ، می گوییم.

ما خط حسـین، علیه‌السّلام، را صراط مستقیم، خط نجات و رستگاری می‌دانیم؛ خط جهاد و خط امر به معروف و نهی از منکر، خط مبارزه با کفر و بدعت، خط ایثار و فداکاری در راه حفظ اسـلام، خط محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروّج فسق و ملاهی و

مناهی.

به این خط، به عزاداری وسوگواری برای حسین، علیه‌السّلام، و برنامه‌های سازنده و تعهدبخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می‌کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط

حدیث بیداری، ص: ۷۲

شرعی، همه ساله احیا می‌کنیم و با اسلام ودین مذهب تجدید عهد می‌نماییم و عزاداری و گریه برای حسین، علیه‌السّلام، وزیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می‌دانیم و برای این برنامه‌ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

باید با یاد و تذکر خاطره عاشورا و فداکاریهای سیدالشهدا واصحاب بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین، به مسؤولیتهای مهمی که در برابر دین و قرآن و حضرت بقیة الله، امام عصر، ارواح العالمین له الفداء، داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهدا آماده سازیم.

می‌دانیم که حسین، علیه‌السّلام، با نادانیها، با گمراهیها، با ستمها و با استضعاف و استعلا مبارزه داشت، با مقصد یزید و با هدف ابن زیاد و فکر خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوست امام حسین، علیه‌السّلام، باید این خط حسینی را همیشه زنده و سرمشق عمل خود قرار دهد و محرم وصفر و این عزاداریها، آن را نگاه می‌دارد.

شعار لِيَرْغَبِ الْمُؤْمِنُ فى لِقاءِ اللهِ حَقًّا انّى لا ارَى الْمَوْتَ الَّا السَّعادَةَ وَ لَاالْحَياةَ مَعَ الظّالِمينَ الّا بَرَما،[۶۲] از برکت خون حسین تا ابد زنده است و ستمکاران و بی دینان و بدخواهان بندگان خدا را محکوم می‌نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده تر به گوش می‌رسد که فرمود:

الا وَ انَّ الدَّعِى ابْنُ الدَّعِى قَدْ رَكَزَ بَينَ اثْنَتَينِ بَينَ السِّلَةِ وَ الذِّلَّةِ وَ هَيهاتَ مِنّا الذِّلَّةُ يأْبَى اللهُ تَعالى ذلِكَ لَنا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طابَتْ وَ طَهُرَتْ وَ انوفٌ حَمِيةٌ مِنْ انْ نُؤْثِرَ طاعَةِ اللِّئامِ عَلى مَصارِعِ الْكِرامِ.[۶۳]

حدیث بیداری، ص: ۷۳

الله اکبر! این کلمات چقدر بلند و شورانگیز است. چقدر نفس انسانی باید شجاعت داشته باشد و چقدر باید پای بند به عزت و کرامت نفس و صبر و استقامت و رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد، تا بتواند در آن موقف، که همه عزیزانش در معرض مهلکه قطعی و شریفترین و عفیفترین بانوان را در خطر اسارت می‌بیند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و قدرت روح بنماید.

سَلامُ اللهِ عَلَيكَ يا ابا عَبْدِاللهِ بِابى انْتَ وَ امّى يا لَيتَنا كُنّا مَعَكَ فَنَفُوزَ فَوْزاً عَظيماً.

اسلام از تو زنده شد، قرآن از تو محفوظ ماند، تو قدر و بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه انّى اعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ،[۶۴] را تفسیر کردی.

اسلام غیر از تو ناصر و یاور نجات بخش نداشت، تو را صدا می‌کرد و به توشکایت می‌نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی‌ها را بر طرف کردی؛

... لَقَدْ بَذَلْتَ مُهْجَتُكَ فِى اللهِ وَ اسْتَنْقَذْتَ عِبادَاللهِ، مِنَ الْجَهالَةِ وَ حَيرَةِ الضَّلالَة.

در آن اوضاع و احوال که بنی امیه بر کشورهای اسلامی مسلط شده بودند، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم، از

توحید، از اسلام و از اهل بیت، علیهم‌السّلام، و برای تجدید عهد جاهلیت بکار گرفته بودند، سکوت مرگبار و تسلیم به آن وضع ناهنجار و آن همه استکبار و تجاهر به معاصی و گناهان، که نمونه آن همان یزید الخمور و یزید الفهود ویزید الفسق و الفجور بود، همه جا را فرا گرفته بود و تنها صدای حسین، این صدای اسلام و صدای قرآن، بود که عالم اسلام را بیدار کرد و صدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا بود که احیا گر اسلام شد.

گویی حسین دوباره مانند جدش صلای توحید سر داده و مثل این آیه را که تبلیغات بنی امیه آن را از یاد مردم برده بود بر آنها تلاوت می کرد:

قُلْ انْ کانَ آباءُکُمْ وَ ابْناءُکُمْ وَ اخْوانُکُمْ وَ ازْواجُکُمْ وَ عَشیرَتُکُم وَ اموالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادِها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها احَبّ الَیکُمْ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهاد فِی سَبیلِهِ فَتَرَبّصُوا حَتی یأْتِیَ اللهُ بِامْرِهِ

حدیث بیداری، ص: ۷۴

وَ اللهُ لایهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ.[۶۵]

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسران و خویشاوندان و اموال و تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سران کفر و جاهلیت کشانده بود.

این امام، علیه‌السّلام، بود که معنا و مضمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملًا آن را با همت بلند و تصمیم الهی خلل‌ناپذیر خود بکار بست.

آن روز و امروز و فردا و فرداها، در هر زمان و مکان، برنامه همین است وهشدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان و وابستگان و مقام و ثروت و وسایل رفاه دارید، از خدا و پیغمبر و جهاد و در راه خدا بیشتر دوست می‌دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمتهای دنیا بسیار عزیزاست، اما دین و اسلامیت و ولایت اهل بیت، علیهم‌السّلام، واحکام خدا از همه عزیزتر است.

راه حسین، علیه‌السّلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخاربه اسلامیت و توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمین و یسار نیست.

راه افتخار به دوران‌های کفر و بت پرستی، یا آتش پرستی وشرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین، راه ترویج فساد و نوازندگی و معاصی و ملاهی و فخر به این برنامه‌ها نیست.

راه حسین، راه تجمل‌پرستی، اسراف و علو و گردنکشی و استحقار مردم نیست.

اعلام حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی، مساوات زن و مرد در ارزشهای حقیقی است؛ انَّ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتینَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصّادِقینَ وَ الصّادِقاتِ وَ الصّابِرینَ وَ الصّابِراتِ وَ الْخاشِعینَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقینَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصّائِمینَ وَ الصّائِماتِ وَ الْحافِظینَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ

حدیث بیداری، ص: ۷۵

وَ الذّاکِرینَ اللهَ کَثیراً وَ الذّاکِراتِ اعَدَّاللهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ اجْراً عَظیماً.[۶۶]

در جامعه ای که در راه حسین است، این امور ارزش و افتخار است و زنان با مردان در این ارزشها باید هم‌طراز و بلکه مسابقه داشته باشد.

مختلط شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریتها و مشاغلی که در ارتباط مستمر با

بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن و مسلمان سازگار نیست و غرب‌زدگی حاکی از ضعف هویت و شخصیت است.

باید در این ماه محرم و صفر، آقایان و فضلا و علما و اساتید و خطبا، در سخنرانیها و مواعظ و منبرهایی که دارند، مردم را به این مطالب حیاتی توجه دهند.

یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم، از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصتهای تبلیغی، مثل محرم و صفر و ماه مبارک رمضان، برای تبلیغ به شهرها و قرّاء و قصبات بروند و با مردم و با مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استمرار دهند، که در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی، این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواریهای سخت توأم بود، دین و ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد؛

هر چه رژیم و نظام طاغوتی، مردم را از دین و اسلام و تعهد به احکام با زور و سر نیزه و تبلیغات باز می‌داشت، تا آنجا که رسوم آتش‌پرستی را در مدارس برقرار کرده و پای کوبی و ستایش آتش را ترویج می‌نمودند و تعلیم ملاهی را اجباری کردند و صدکار و نیرنگ دیگر انجام دادند، همه از برکت این ماه محرم و این منبر حسینی و این محبت و علاقه جامعه به حسین، علیه‌السّلام، نقش بر آب شد و عاقبت هم همین برنامه‌های تبلیغی، ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکند و رژیمی را که می‌خواست به جای ملیت اسلامی و

حدیث بیداری، ص: ۷۶

تاریخ اسلامی، تاریخ به اصطلاح خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملیت آن چنانی را براین ملت مقاوم و مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

انتظار از همه طبقات، از مسؤولین و مقامات نظام، از متصدیان امر آموزش و فرهنگ، از رسانه‌هایی گروهی، از همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزشها، که رمز موجودیت و استقلال، عظمت و اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک، درارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به حفظ قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف راه نفوذ بیگانگان و مخصوصاً سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.

و همه در راه حسین، علیه‌السّلام، که راه حیات و راه عزت و آزادگی حقیقی است همگام و همراه، هر چه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی و حسینی را، که کلاسهایش در همه جا و در هر مکان برقرار می‌شود و عالم و جاهل، شهری و روستایی و زن و مرد را شامل است، بهتر، فراگیرتر و جامع‌تر از گذشته برگزار کنیم.

وَ السَّلامُ عَلی مَوْلانا ابی عَبْدِاللهِ وَ عَلَی الْارْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِهِ وَ عَلی شیعَتِهِ وَ مُحِبّیهِ وَ مَنْ ابْکی اوْ تَباکی فی مَصائِبِهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.

والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۷۷

موضوع: فرا رسیدن عید سعید غدیر خُم

تاریخ: ذی‌الحجهٔ ۱۴۲۰ ه‍.ق

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ماکنّا لنهتدی لولا ان هدانا الله، والصلاة والسّلام علی سیدنا رسول الله و علی علّی ولی الله و آلهما اولیاء سیما امام زماننا مولانا المهدی بقیةالله واللعن علی اعداء الله.

قال الله تعالی: یا ایهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما انْزِلَ الَیکَ مِنْ رَبِّکَ وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ انَّ اللهَ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ.[۶۷]

برادران مؤمن و خواهران مؤمنه! اجازه دهید پیش از عرض تبریک و مطالبی را که باید همگان آن را در این دهه مبارک، که به دهه غدیر نام‌گزاری شده بررسی نماییم، نظری فشرده و بسیار مختصر در این آیه شریفه داشته باشیم.

تأمل در این آیه و مضامین جمله‌های آن و زمان و دوره نزول آن خودبخود نشان می‌دهد که آنچه پیغمبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، به تبلیغ آن از جانب خدا مأمور شد، موضوعی جز موضوع مهم ولایت، نظام امامت و سیاست، حکم و اداره و مدیریت امت نبود.

اولًا؛ سوره مائده، که این آیه شصت و هفتم آن سوره است، مدنیه است و چنانکه ظاهر است، در اواخر عصر مدنی نازل شده است که احکام مهم اسلام از اصول و فروع تبلیغ شده بود و حکم مهمّی غیر از دستور نظام جامعه و مدیریت امت، که اعلان رسمی نشده باشد، باقی نمانده بود.

و ثانیاً؛ اسم موصول در ما انْزِلَ الَیکَ مِنْ رَبِّکَ، اشاره به موضوع مهم خاصی است که سابقه نزول بر پیغمبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، داشته است.

و ثالثاً؛ از جمله وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ،

حدیث بیداری، ص: ۷۸

اهمیت و ارزش والای موضوعی که پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، به تبلیغ آن مأمور شده، معلوم می‌شود، زیرا تا هنگام نزول این آیه، مسایل توحیدی و مبانی اعتقادی و احکام مهم عبادی، مالی، قضایی و اجتماعی و جهاد با کفار و ترک عادات زشت ریشه دار همه تبلیغ شده بود. با این وجود، این موضوع را دارای چنان اهمیت معرفی می‌فرماید که اگر پیامبر گرامی، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، آن را تبلیغ نمی‌کرد، همانند آن بود که همه آنچه را دراین مدت طولانی عصر مکه و عصر مدینه تبلیغ کرده، تبلیغ نکرده باشد و کان لم یکن محسوب گردد. بدیهی است چنین موضوعی غیر از تعیین سرپرست و امام و رهبر برای امّت، چیز دیگر قابل تصور نیست.

و رابعاً؛ جمله وَاللهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ، گویای این است که در داخل مسلمین و پیرامون وجود مبارک رسول خدا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، توطئه‌ها، دسته‌بندی‌ها و دستهایی در کار بوده است که اگر با آسیب رساندن به شخص آن حضرت هم باشد، از صورت گرفتن این امر جلوگیری نمایند و مسیر رهبری امت را به سمتی که منافع خودشان را تأمین نماید منحرف سازند و خلاصه این نگرانی بوده است که در هنگام ابلاغ این رسالت، به طور مرموزی، آشوب و فتنه ای بر پا کنند که هم مانع از ابلاغ این رسالت بشوند و هم به جان پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، سوء قصد نمایند که با این وعده مدد و نصرت خداوند متعال، پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، در غدیر خم با آن تشریفات رسمی و علنی، علی، علیه‌السّلام، را به ولایت منصوب فرمود و همگان حتی توطئه گرها و آنانکه قصد ممانعت از این ابلاغ را داشتند، با امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، بیعت کردند که بیش از این در اینجا به شرح و بسط و تفصیل این مسایل نمی پردازیم.

مقصود این است که با توجه و آگاهی مختصر از اوضاع آن عصر و دقت در الفاظ و جمله‌های این آیه روشن می‌شود تبلیغی که پیامبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، به آن مأمور بود، تبلیغ ولایت علی، علیه‌السّلام، بود، که پیغمبر، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، برای

ابلاغ آن در غدیر خم، محلی که حاجیان از آنجا متفرق می‌شدند و به شهر و دیار خود می‌رفتند، امر فرمود که همه در آنجا توقف کنند و آنان که جلوتر رفته بودند بر گردند و منتظر ماند تا آنان که هنوز نرسیده بودند به آنجا برسند.

حدیث بیداری، ص: ۷۹

سپس در آن مجمع بزرگ، که تا آن روز، جز در هنگام حج، در همین سفر، چنان اجتماعی فراهم نشده بود، به فرمان الهی، علی، علیه‌السّلام، را به مقام ولایت منصوب و مانند خود اولی بأنفس معرفی فرمود.

اکنون با تقدیم این بررسی تفسیری به شما عزیزان، برادران مؤمن و خواهران مؤمنه ای که این پیام را می‌شنوید یا می‌خوانید، این عید سعید و روز بزرگ و با عظمت را تبریک و تهنیت و شادباش عرض می کنم و به همه شما که به نعمت ولایت حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السّلام، و ولایت ولی امر و صاحب عصر، حضرت بقیة الله، مولانا المهدی، روحی لتراب مقدم خدّامه الفداء، سربلند و سرافراز و مفتخر هستید درود می‌فرستم.

صَلَواتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَیکُمْ یا شیعَةَ امیرالْمُؤْمِنینَ، یا انْصارَ دینِ اللهِ ایهَا الْفائِزُونَ الْمُخْلَصُونَ الرّاکِبُونَ فی سَفینَةِ النَّجاةِ وَ الْمُعْتَصِمُونَ بِحَبْلِ اللهِ، هَنیئاً لَکُمْ یا انْصارَ الْحَقِّ وَ یا حُماةَ الدّینِ وَ یا ابْناءَ الْاسْلامِ وَ الْقُرْآنِ لَقَدْ فَضَّلَکُمُ اللهُ تَعالی بِهذِهِ الْفَضیلَةِ وَ شَرَّفَکُمْ بِهذَا التَّشْریفِ وَ اخْتارَکُمْ عَلی غَیرِکُمْ مِنَ الْعالَمینَ.

درود بر شما که در طول اعصار، در بیش از چهارده قرن، همواره در تمسک به قرآن و عترت پایداری کرده، در برابر ظلمها، ستمگریها، استکبار و استضعاف و استعلای جباران عرض وجود نموده و ثابت و مقاوم در سنگر ولایت، این حصن حصین الهی، از اسلام و مقاصد اسلام، از حق و عدالت دفاع نموده‌اید. و اگر چه مشکلات و دشواریها و محرومیتهای گوناگون و فشارهای شدید اقتصادی را متحمل شده‌اید، همواره موفق بوده و شکست‌ناپذیری خود را در صحنه‌های و میدانهایی که افراد قوی و نیرومند وادار به تسلیم و قبول شکست می‌شوند، به اثبات رسانده‌اید.

گوارا باد بر شما این افتخارات بزرگ ای پسران و دختران ابوذر و عمار و حجر و رشید و میثم تمار و ای پاسداران و وارثان خون شهدای بدر و احد و شهدای کربلا، ای مردان رشید، و ای جوانان سربلند، و ای بانوان عفیف و فداکار، و ای عاشوراییان و ای غدیریان! به خود ببالید و بنازید، و گذشته‌های پر از عزت و افتخار و شهامت و فداکاری در راه حق واستقامت خود را فراموش نکنید. شما چه خونهای پاک و چه جوانهای پاکبازی را برای اسلام و دین نثار کرده و قربانی داده‌اید.

ما همه مسلمان و شیعه اهل بیت، علیهم‌السّلام، هستیم. جاهلیت‌های قبل از اسلام، جاهلیت عرب،

حدیث بیداری، ص: ۸۰

جاهلیت عجم، همه ملی گرایی‌ها و در یک عبارت جاهلیت اولی را پشت سر گذارده و به آگاهی اسلامی و رشد و شعور ایمانی رسیده، از محمد و علی و از تهلیل و تکبیر و از قرآن و توحید، هویت و فرهنگ و شخصیت گرفته‌ایم؛ این هویت را باید با التزام به آداب و سنن اسلامی حفظ کنیم.

مبارزه شیعیان با جاهلیت و ارتداد و ارتجاع، از صفحات زرین و درخشان تاریخ اسلام است.

جوانان عزیز، غیرتمندان شکست ناپذیر! شما در طول تاریخ پر از حوادث اسلام، همواره افتخار آفرین بوده‌اید. امید آنست که بیشترین یاوران امام زمان، ارواح العالمین له الفدا، هم شما باشید. این شمایید که باید سنگرها را نگهدارید. در هر شرایط ودر هر کجا هستید، در دانشگاه‌ها، در مراکز تعلیم و تربیت، در جوامع فرهنگی، در سازمانها و نهادها، روش و رفتار و آداب و لباس و کلّ مظاهر اجتماع استقلال و هویت اسلامی را حفظ کنید.

برای ترقی و تعالی و بازیابی عزت و مجد و عظمتهای دیرین اسلامی تلاش کنید. تمدن و فرهنگ اسلامی را که چهارده قرن در جهان درخشیده گسترش دهید.

نسل معاصر مسلمان، خصوص نسل جوان، در برابر اسلام و این تمدن عظیم و پهناور محمدی مسؤول است.

این تمدّنی است که با تمام کوششهایی که ابر طاغوتیان شرق و غرب برای محو آن دارند، اکنون هم شئون زندگی بیش از یک میلیارد جمعیت جهان زیر پوشش آن قرار داد و اندیشه احیای آن، خواب و آرام را از دشمنان اسلام می‌گیرد و برای مقابله با اسلام‌گرایی، لاییک‌گرایی را تشویق و ترویج می‌نمایند، و تمدنهای استبدادی و فرهنگهای قبل از اسلام را در جوامع اسلامی، مثل ایران و مصر مطرح می‌کنند، زیرا از احیای اسلام و خودآگاهی مسلمانان ترس و وحشت دارند و با انواع توطئه‌ها و ترفندها و سیاستها، نهضت اسلام‌گرایی، عزت‌خواهی و استقلال‌طلبی مسلمانان را می‌کوبند.

در فلسطین، در الجزایر، در آسیای میانه، در چچن، در ترکیه، در اینجا و آنجا، با جنگ و کشتار و قتل عام یا به بهانه‌های گوناگون دیگر، به بهانه ملیت مردم سالاری تلاش می‌کنند که این غرور و این آگاهی اسلامی را سرکوب و صدای اسلام و اذان و تکبیر را خاموش، شعایر دین و حجاب و چادر بانوان و سنتهای اسلامی را منسوخ سازند و غرب‌گرایی را در مظاهر

حدیث بیداری، ص: ۸۱

فسق و فجور، ترویج موسیقی و نوازندگان و خوانندگان جشنواره‌ها ومسابقات مبتذل رایج نمایند.

و شما ای شیعیان علی و ای جوانان غدیری و عاشورایی و ای بانوان زهرایی و زینبی، به هوش باشید؛ به هوش باشید که دشمن ما و به اصطلاح ابرقدرتهای جهان در هیچ سیاستی مثل سیاست اسلام‌زدایی و مبارزه با اسلام‌گرایی اتفاق نظر ندارند و با نقشه‌های دقیق و حساب شده و فشار اقتصادی می‌خواهند این میل به اسلام و بازگشت به اسلام را منکوب و سرکوب کنند.

به هوش باشید و از دین خدای یاری نمایید و با توکل و اعتماد به خدا، از فتنه‌های بزرگ آخر الزمان خود را بیمه نمایید.

نه به سوی جاهلیت اولی برگردید و نه از جاهلیت آینده، که همین مکتبهای لاییکی است، استقبال نمایید. باید نشان بدهیم و ثابت کنیم که دین و ملّیت و قانون و سیاست و نظام و حکومت و فرهنگ و دنیا و آخرت ما اسلام است.

لا نَبْتَغی غَیرَهُ وَ لا نِظاماً وَ لاسِیاسَةً وَ لا وَطَناً.

فَمَنْ یبْتَغِ غَیرَ الْاسْلامِ دیناً فَلَنْ یقْبَلُ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْاخِرَةِ مِنَ الْخاسِرینَ.[۶۸]

بیایید در این دهه مبارکه غدیر، خود را به علی، علیه‌السّلام، به رفتار علی، به گفتار علی و به اخلاق علی عرضه کنیم. از آن حضرت درس و سرمشق بگیریم. آیا در کمک به مستضعفان و محرومان در راه علی می‌رویم؟ آیا در لباس و غذا، در مظاهر زندگی، در ساده‌زیستی و بی تکلفی نشان از علی، علیه‌السّلام، داریم؟ آیا می‌خواهیم با این تجمل پرستی‌ها و اسراف و تبذیرها، با این جدا بودن از طبقات محروم، شیعه راستین علی، علیه‌السّلام، باشیم؟ اگر عدالت علی، علیه‌السّلام، زهد علی، علیه‌السّلام، شجاعت علی، علیه‌السّلام، حلم و صبر علی، علیه‌السّلام، حق‌پرستی علی، علیه‌السّلام، تواضع علی، علیه‌السّلام، و سایر فضایل بزرگ علی، علیه‌السّلام، ما را شیفته و دلباخته او کرده است، باید از این اخلاق بی بهره نباشیم.

خود آن حضرت فرمود:

الا وَ انَّ لِکُلِّ مَأْمُوم اماماً

یقْتَدی بِهِ وَ یسْتَضیىءُ بِنُورِ عِلْمِهِ.[۶۹]

حدیث بیداری، ص: ۸۲

سعادت ما، ترقی و تعالی ما، در پیروی از مکتب علی و فاطمه زهرا، سلام الله علیها، است؛ همان بانویی که وقتی این سؤال مطرح شد که برای زن چه روش و سیره ای بهتر و شایسته‌تر است، آن جواب تاریخی را داد که تا قیامت سرمشق زنان مؤمنه شد؛ همان بانویی که به اقتضای آن ضرورت بسیار بزرگ، وقتی لازم شد به مردم هشدار دهد و خطر ارتجاع و ارتدادی که پیش آمده بود را

گوشزد کند، و اصول احکام و معارف اسلام و مبانی دین مبین راابلاغ کند و زحمات پدر بزرگوارش و هدایتهای او را بیمه نماید، با آن جلال و شکوه، در حالی که خوانین و خانمهای معظمه، پروانه وار شمع وجودش را احاطه کرده بودند، در آن شرایط سخت هم از پشت پرده با مردم سخن گفت.

اگر به دنیا هرچه بگذرد و هر چه در صنایع و تکنیک پیش برود و کفر لاییک و انکار حاکمیت الله جهانگیر شود، خط شیعه، خط علی و زهرا است ودر یک کلام، حرفش، کلامش، قانونش و میل دلش، همه تابع اسلام است.

ایمانش برگرفته از مثل این حدیث است که از حضرت رسول، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، روایت است و مااین پیام را به آن ختم می کنیم:

لا یکُونَ الْعَبْدُ مُؤْمِناً حَتّی یکُونَ هَواهُ تَبَعاً لِما جِئْتُ بِهِ وَ لا یزیغُ عَنْهُ.[۷۰]

والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

لطف الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۸۳

موضوع: مهاجران مسلمان

تاریخ: ذی الحجهٔ ۱۴۲۰ ه‍- ق

الحمدلله رب العالمین و الصّلاهٔ و السّلام علی سیدنا ابی القاسم محمّد و آله الطاهرین سیما مولانا المهدی بقیهٔ‌الله فی الارضین.

برادران و خواهران مسلمان، و شیعیانی که از کشورهای اسلامی به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اید! به شما، به مسلمانان بومی و محلی کشورها، به همه سلام عرض می کنم؛ السّلام علیکم و رحمهٔ‌الله و برکاته.

برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه، امید است شما در هر کشور و منطقه‌ای که هستید خواه در آنجا مهاجر باشید یا بومی و محلی، همگان در اعلای کلمه اسلام و عزت و ترقی و تعالی جامعه مسلمین و خدمت به جامعه بشریت موفق باشید.

همگان در وطن بزرگ اسلامی و در افتخارات و ویژگیها و سربلندیهایی که این امت مرحومه، بویژه شیعه اهل بیت، علیهم‌السّلام، و متمسکین به ثقلین کتاب و عترت دارند شریکید، و همه از هم و با هم و برای هم هستید و از هم جدا نیستید.

شما ای مسلمانان، ای جامعه توحید و موحد و ای شیعیان اهل بیت، علیهم‌السّلام، در هر کجا و هر سرزمینی که هستید، در صداقت و امانت و مهر و محبت و عاطفه و رأفت و اخلاق انسانی باید نمونه و ضرب‌المثل باشید، و با رفتار خود دیگران را به اسلام، این دین توحید و دین جهان و جاودان جذب و جلب نموده، امتیازات و ویژگیهای این دین حنیف را در معرض نمایش بگذارید.

اگر این دین و این برنامه‌های انسان‌سازی که در این دین است، به دیگران شناسانده شود و آن را بشناسند، خود به خود دلهایشان به اسلام مایل خواهد شد، زیرا تشنه اگر به آب خوشگوار هدایت شد، خودش آن را می‌نوشد، و گرسنه اگر به سفره غذای لذید و بی‌ضرر دعوت شد، آن را تناول می کند. آنچه فطرت انسانها می‌خواهد، در این دین، که دین فطرت است و دین همه و برای همه است و به یک قوم و نژاد اختصاص

حدیث بیداری، ص: ۸۴

ندارد وجود دارد؛ فِطْرَهَٔ اللهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها[۷۱].

انتظار از شما و هر مسلمان این است که خود اسلام‌شناس باشید. اعتقادات این دین را که منزه از خرافات است و برنامه‌های جامع عملی آن را که شامل همه نواحی حیات انسانها است، بشناسید، و آن را به دیگران، که فطرتشان تشنه دانستن و فرا گرفتن این

هدایتهاست، برسانید.

حتماً اگر آگاهانه عمل کنیم و شما در هر کجا که هستید هویت اسلامی خود را حفظ کنید و حسن عمل و رفتار نیک و تربیت اسلامی خود را نشان بدهید، ثمرات بزرگی خواهد داشت و در آن بلاد، که در اثر تبلیغات مغرضانه صلیبی‌ها و دیگران، در قرنهای متمادی و بعضاً در این عصر هم به اسلام، به نظر دشمنی و عقیده ناهمگون با حقوق انسانی نگاه می‌کنند، جلوه و جمال زیبای اسلام را که در زیر پرده‌های تبلیغات و سیاستهای استعمارگرانه محجوب شده بیرون می‌آورید.

دین اسلام در طبع خود چنان است که باید عالمگیر باشد و عالم‌گیر خواهد شد. بشریت بدون دین نمی‌تواند خود را آرام کند و این زندگی دنیا را معنا و تفسیر کند و آن را پوچ و بی‌معنا نشمارد، و دینی که می‌تواند او را به این معانی ارزشمند برساند غیر از دین اسلام نیست.

اکثریت ملل جهان که از اسلام بیگانه و محروم مانده‌اند، برای این است که این دین معانی و مقاصد عالی توحیدی و کارسازی آن را در رفع مشکلات و معارضه آن را با استکبار و استضعاف و استعلا نشناخته یا بعکس به آنها شناسانده‌اند.

عزیزان، برادران، خواهران، بشریت امروز بیشتر از گذشته و دیروز به اسلام نیازمند است، و فرداها هم هر چه در تکنیک و صنعت و علم پیش برود، نیازش به این دین بیشتر خواهد شد. این دین، دستورالعمل خاتم و نسخه خاتم و رژیم آخر و حرف آخر و کلام آخر است، چنانکه شخص شخیص صاحب این رسالت علیا و کبری، حضرت خاتم‌الانبیا، محمّد مصطفی، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، به آن اشاره فرموده است رسالت آن حضرت مکمل و متمم رسالات آسمانی و الهی است.

حدیث بیداری، ص: ۸۵

عزیزان من، در این مقوله‌ها میدان سخن آنقدر باز است و آنقدر گفته‌ها و نوشته‌ها و رساله و کتابها در طول چهارده قرن گفته‌اند و نوشته‌اند که: لا تُعَدُّ وَ لا تُحْصی و بیرون از شمارش و احصا است.

آنچه در این پیام و در میان مطالب بسیار که می‌خواهم به شما تقدیم کنم دو موضوع مهم است:

اول اینکه برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه که از کشورهای اسلامی، از ایران، عربستان، لبنان، عراق، یمن، مصر، پاکستان، افغانستان، ترکیه، سودان، مغرب، هند، بنگلادش، کویت، بحرین، از آسیا، از آفریقا از اینجا و آنجا و هر کجا و از هر نژاد سیاه و سفید به غرب، اروپا، آمریکا و کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند سعی کنید با هم متحد باشید و همه فرهنگ اسلام و مدنیت و ملیت و تمدن اسلامی را که فراتر از ملاحظات نژادی و زبانی و قومی و به اصطلاح وطنی است نشان بدهید که جهان شمولی این دین با اتحاد شما و برادری سفید با سیاه و عربی با عجمی و ... ظاهر باشد. سعی کنید عنوانها و مدنیتها و ملتهای منسوخه سبب تفرقه شما و ضعف جامعه شما نشود و فقط همه در ملیت اسلامی ذوب شوید.

سعی کنید مساجد و مجامعی که دارید مرکز اجتماع همگان باشد و رنگ ملیت و نژاد نداشته باشد، درهای مساجد و مجامع خود را به روی برادران دیگرتان بگشایید، از برادران محلی و بومی دعوت کنید که در برنامه‌های شما شرکت کنند و خلاصه هر چه می‌توانید با هم باشید و جدا از هم نباشید، امت واحده باشید، و مدینهٔالنبی، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، و مسجد آن حضرت را که در آن مسلمانان عربی و صهیب رومی و بلال حبشی و سلمان ایرانی و فارسی در کنار هم با رنگ اسلام صبغهٔالله متحد و یک واحد شده بودند الگوی خود قرار دهید، و همان جسد واحدی شوید که رسول خدا، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، فرمود:

اذَا اشْتَکی مِنْهُ عُضْوٌ تَداعی لَهُ سائِرَهُ بِالْحِمی وَ السَّهَرْ.[۷۲]

عزیزان من این موضوع بسیار مهم است و دستورات بسیار حساس و ارزشمند اسلام است و فواید این وحدت همه جانبه مسلمانان را که با تمسک به اسلام و برادری اسلامی فراهم می‌شود اهل اطلاع و آگاهان از

حدیث بیداری، ص: ۸۶

رموز ترقی و تعالی جماعات می‌دانند که متأسفانه امروز جهان اسلام در حدّ زیادی از آن محروم و عوامل متعدد و خصوصاً دسایس و سیاستهای دشمنان، این جامعه نیرومندی را که دارای بهترین زمینه‌های ترقی و تعالی است به صورت جامعه‌ها و حکومتهای کوچك و ضعیف تشکیل داده و تا حدی در برابر هم در تعارض با یکدیگر قرار داده است.

امید است آگاهی و حرکتی که در مسلمانان به سوی تمسک به اسلام و بازگشت به وحدت و اتحاد دیرین پیدا شده بر همه تفرقه‌های غالب شود و از برکت تمسك همگان به کتاب و عترت آفاق جدیدی را استقبال کنیم؛ ان شاءالله تعالی.

اما موضوع دوم که توجه به آن نیز بسیار مهم و لازم است و در ضمن موضوع اول هم اشاره شده، موضوع چگونگی برخورد مسلمانان مهاجر و مسلمانان و برادران و خواهران بومی کشورهایی است که مهاجران به آنجا هجرت نموده‌اند. این برخورد و رابطه باید بسیار ظریف و با معنویت و محکم و استوار باشد.

در این میان نیز باید اتحاد اسلامی برادران و خواهران مهاجر با برادران و خواهران بومی و محلی کاملًا ظاهر باشد و از هم جدا نباشد؛ در مساجد و مجامع یکدیگر حضور پیدا کنند و از مشکلات یکدیگر مطلع باشند و تشریک مساعی و همکاری داشته باشند.

همانطور که مهاجر و انصار در عصر حضرت رسول، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، امت واحد بودند و بین آنها برادری و برابری برقرار گردید، مسلمانان مهاجر در هر کشوری که هستند باید خود را با مسلمانان بومی برادر بدانند و مسلمانان بومی نیز آنها را مانند خود و قوت خود و در شمار جمعیت خود بدانند که عنوان بومی و مهاجر آنها در منافع متعدد که در هر کشور دارند، از هم جدا نسازد.

مهاجرین با بومیان، مخصوصاً در برنامه‌های تبلیغی همکاری نمایند. آقایان وعاظ و مبلغانی که دعوت می‌کنند افرادی باشند که به زبان بومی نیز تسلط داشته باشند که بتوانند در مجامعی که هر دو گروه هستند، همه را تبلیغ کنند یا مترجم داشته باشند.

کتابهای دینی را که به زبان بومی و محلی است تکثیر کنند و پیشنهاد کنند تا از مراکزی که در حوزه‌ها است، مخصوصاً حوزه علمیه قم، برای آنها ارسال دارند.

خلاصه باید این وحدت بین بومی و مهاجر وجود داشته

حدیث بیداری، ص: ۸۷

باشد که مسلمانان بومی به آن جهت که مثلًا آسیایی یا سفیدپوست یا عرب یا عجم نیست از مسلمانان مهاجر جدا و بیگانه نباشد.

همه باید فرمان الهی وَاعْتَصِموا بِحَبْلِ اللهِ جَميعاً وَ لاتَفَرَّقُوا[۷۳] را اطاعت کنیم و به اسلامیت خود و به ولایت اهل بیت، علیهم‌السّلام، که حبل‌الله است تمسک داشته باشیم و همه را با این دید عزیز و گرامی بدانیم و با همه مسلمانان با فرهنگ عالی الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ کَالْبُنْیانِ یشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً[۷۴] معاشرت و معامله و تشریک منافع داشته باشیم و همه از مهاجر و بومی و اروپایی و آسیایی معاضد و پشتیبان یکدیگر باشیم.

و صلّی الله علی محمّد و آله الطاهرین و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین.

لطف‌الله صافی

حدیث بیداری، ص: ۸۹

موضوع: فرا رسیدن نیمه شعبان

تاریخ: شعبان ۱۴۲۱ هـ. ق

بسم الله الرحمن الرحیم

در جهان معاصر، جهان ترقی فنون و صنایع، جهان ارتباطات، جهان آگاهی از ذرات و مخلوقات مادّی کوچکتر از ذره تا بزرگترین کرات موجود، در فضایی که وسعت و بعد آن را بشر تا حد میلیاردها سال نوری کشف کرده است، جهانی که هر بخش کوچک و بزرگ، هر موجود مرئی و نامرئی، هر انسان و حیوان، هر درخت و برگ درخت و هر شکوفه و میوه و سنگ و سنگ‌ریزه، هر کوه و معدن، اقیانوس و دریا، رودخانه و هر جاندار دریایی و آسمانی و زمینی آن، خود جهانی بزرگ و حاوی خواصّ و عجایب و آیات بسیار است.

در چنین جهانی که قلم بشر از توصیف واقعی آن ناتوان است و شمار و عدد حروف و کلمات بی‌حد و حصر آن را، که کتاب تکوین و کتاب خلقت است، خالق قادر عالم آن چنین توصیف فرموده است:

قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ انْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبّی وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَدا.[۷۵]

در چنین جهانی که بشر، مشکلات بسیار و بسیاری را که از دیرباز و روزگاران کهن، لاینحل باقی مانده بود، به نیروی علم و تحقیق و استعداد خداداد خود حلّ نموده است و از سوی دیگر به ابزارهای خطرناک کشتارهای جمعی و ویرانگر که او را تهدید می‌کند دست یافته، به جای اینکه سکون خاطر، آرامش قلب، اطمینان به آینده و علاقه به ادامه زندگی و بقا و حیات در او بیشتر شود، این علایق و احساسات عالی در او ضعیف می‌شود و چنین جلوه می‌کند که رو به زوال است و به جای اینکه نور امید در باطن او روشنتر و پرفروغ‌تر شود، به خاموشی گراییده است. تفسیرهای نومیدکننده از حیات و مکتبهای مادّی این دستگاه عظیم و این انسان و این همه نشانه‌ها و آیات و اسرار بی‌شماری که در آن است، همه را پوچ و پوک جلوه می‌دهند و جامعه انسانیت را با خطر بی‌قیدی و

حدیث بیداری، ص: ۹۰

بی‌میلی جوانان و نسل آینده به حیات مواجه ساخته است و در این میان بی‌عدالتیها، ظلمها، استکبار و استضعاف اقوای و دولتهای بزرگ و به اصطلاح ابرقدرت و بازیهای سیاسی و اقتصادی آنها و وقوع بخش بزرگ جامعه چند بشر در زیر خط فقر و فشارهای گوناگون و صرف صدها میلیارد در راه تسلیحات و ده‌ها و صدها عوامل دیگر نیز کمک نموده و مخصوصاً بشر را از این نظاماتی که بر معنویات اتکا ندارند، مأیوس می‌نماید و خلاصه نسل جوان را به موادّ مخدّر و سرگرمیهای غافل‌کننده گرایش داده است، تبلیغات، روزنامه‌ها، مجلات و صدا و سیماها و برنامه‌هایی که عرضه می‌شود، همه این یأس و نومیدی را تقویت کرده و شعور انسانی را تخدیر نموده، فضایل و مکارم انسانیت و رحم و عاطفه و عدالت را بی‌قدر و اهمیت می‌نمایند.

با تمام پیشرفتهای صناعی و با همه آشناییهایی که به ظاهر فراهم است، امید بشر به حیات و آرامش باطن کمتر شده و رو به افول گذارده است و دلیل آن همین پناهندگی او به اعتیاد و موادّ مخدر است که نسل آینده را بدتر از ایدز تهدید می‌نماید.

یکی از امتیازات بزرگ ادیان الهی، اطمینان و آرامشی است که در دلها ایجاد می‌کند و همه را به آینده خوب‌تر و کمال بیشتر امیدوار می‌سازند. دین اسلام این خصیصه را در حدّ اعلا تبلیغ کرده و بشر را به آینده امیدوار نموده، و عوامل یأس و ناامیدی را از بین می‌برد و برای حیات و مصیبات و زحماتی که بشر با آن دست به گریبان است، تفسیر درست نموده و همه را در مسیر تعالی و ترقی و کمال او معرفی می‌نماید؛ صدای روح‌بخش و دلنواز لاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِاللهِ ۷۶] وَ لا تَیأَسُوا مِنْ رَوْحِ‌اللهِ ۷۷] قرآن کریم هر مسلمان مؤمن را با نشاط، امیدوار، آینده‌نگر و مقاوم می‌سازد و این قرآن و هدایت قرآن است که در یک آیه مثل: عَسی انْ تَکْرَهُوا شَیئاً وَ هُوَ خَیرٌ لَکُمْ وَ عَسی انْ تُحِبُّوا شَیئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللهُ یعْلَمُ وَ انْتُمْ لاتَعْلَمُون ۷۸] به انسان چنان روحیه می‌دهد که در موقف بسیار خطرناک، ایستا و پویا و پیشتاز جلو برود.

حدیث بیداری، ص: ۹۱

اعاده حیثیت بشر معاصر به بازگشت به دین، معارف صحیح و دینی و هدایتهای وحیانی است.

چنانکه همه می‌دانند یکی از بشارتهای امیدبخش که همه ادیان الهی، بلکه سایر ادیان هم بر آن اتفاق دارند، بشارت و مژده به دوره استقرار عدل جهانی و حکومت واحده همگانی است؛ حکومت مسؤولان و مدیران شایسته و صالح، حکومت عبادالله و جامعه عبادالله، حکومتی که رهبر آن پاکترین فرد انسانی، صالحترین عبادالله و مؤید من عندالله و بقیةالله و خلف و وارث برگزیده انبیاءالله و اولیاءالله است.

دوره و عصری که برکات و نعمتهای ظاهر سیر و باطنیه همه را شامل و به هم واصل باشد و فقر و زیردستی و زبردستی در آن نباشد، همه جا معمور و همه خادم و مخدوم باشند و خلاصه حکومت مهدی، موعود انبیا، قائم آل محمّد، صلوات‌الله علیهم اجمعین، حکومت صاحب‌الامر و صاحب‌الزمان، حکومت آن کس که

یمْلَاءُ اللهُ بِهِ الْارْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْمَاً وَ جَوراً.[۷۹]

حکومتی که کتابهای آسمانی تورات و انجیل و زبور و قرآن مجید، برهان بزرگ و باقی و جاودان حقّانیت رسالت همه پیغمبران بشریت را به آن بشارت داده و امیدوار نموده‌اند.

حکومتی که صدها آیات قرآن را تفسیر می‌کند و آیاتی مثل فَانَّ مَعَ الْعُسْرِ یسْراً انَّ مَعَ الْعُسْرِ یسْراً[۸۰] وَ نُرِیدُ انْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْارْضِ ۸۱] وَ وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوالصّالِحاتِ ۸۲] را حتمی و قطعی اعلام می‌نماید. همه باید به این آینده امیدوار باشند و در انتظار آن دوره و آن عصر و آن ظهور کامل حق و عدل باشند و برای آن عمل کنند و حیات خود و همه انسانها را برای آن معانی بزرگ و هدفهای ارزشمند بدانند. این ایمان که الَّذینَ یؤْمِنُونَ بِالْغَیبِ ۸۳] بدان تفسیر شده، بسیار عالی و قوت‌بخش و تحرّک‌آفرین و کوشش‌زا و تلاش‌افزاست.

حدیث بیداری، ص: ۹۲

مثل این آیه وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ انَّ الْارْضَ یرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ ۸۴] در آیات قرآن که همه نور و شفا است، نورانیت خاص خود را دارد و هشدار می‌دهد که در هیچ شرایطی و در هر موقعیتی و هر چه اهل باطل و ظلم و زور غلبه کنند، عقب‌نشینی و رها کردن سنگر اخلاص و سعی و عمل جایز نیست، ضعف و سستی و ناامیدی در این قاموس انتظار و امید وجود ندارد.

مثل این روایت

«لَوْ لَمْ یبْقِ مِنَ الدُّنْیا الّا یوْم واحِد لِطَوَّلَ اللهُ ذلِکَ الْیوْمَ حَتّی یبْعَثَ فیهِ رَجُلًا مِنْ امَّتی وَ مِنْ اهْلِ بَیتی یواطَئُ اسْمُهُ اسْمی یمْلأُ الْارْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً»[۸۵]

را که در کمال تأکید، بشر را امیدوار می‌کند و آن آینده را محققالوقوع اعلام می‌نماید، باید همیشه برابر چشم انسانهای فعّال انسانهای مبارز انسانهای جهادگر انسانهای پیشرو باشد.

در بین سخنان پرمعنا و جذّاب و نوشته‌ها، رساله‌ها و کتابهایی که برای هدایت بشر و قوت روح و مقاومت در برابر سختیها و برای ثبات، استقامت و پایداری او نوشته شده، سخنانی که پیرامون این آینده نورانی و آن شخصیت بی‌مانند خدایی باشد و دلها را به سوی او متوجّه نماید، جلوه و جذابیت و دلربایی خاص خود را دارد و همه چون خود را ناامید و درهای فرج و امید را بسته می‌بینند و نقطه اتکایی در پیرامون خود نمی‌یابند، می‌خواهند از او بشنوند و از آن روزگار رهایی و خلاص یاد کنند، این کتابها را

می‌خوانند، ورق می‌زنند، گریه می‌کنند، ناله سر می‌دهند و الغوث و الامان می‌گویند.
به مکانها و مقاماتی که به آن عزیز خدا انتساب دارد، علاقه ویژه نشان می‌دهند.
در بین اشعار، اشعاری که این شور و شوق و امید آنها را زیاد کند، دلپذیرتر است.
معنا و درسی که از مثل این اشعار می‌گیرند، به نشاط و امید آنها می‌افزاید.

حدیث بیداری، ص: ۹۳

بایـد این مکتب برای بشـر، برای زن، برای مرد، برای جوان، برای سالمنـد، برای همه تبلیغ شود، همه را بایـد امیدوار نمود تا فرهنگ انتظار عمومی و همگانی باشد و ریشه یأس و ناامیدی و خودکشـی و بی‌تفاوتی و سـیر قهقرایی و سستی و گرفتاری به مواد مخدّر و ملاهی و مناهی خشکانده شود.
بایـد همه بداننـد و باور کننـد که تاریکیها برطرف می‌شود، به حکم «وَ یأْبِی اللهَ الّا انْ یتِمَّ نورِهِ» نور حقایق نور اسـلام نور ایمان، نور عدل، و نور علم و معرفت کامل و سراسر جهان را فرا می‌گیرد.
در احادیث شریفه است:
انْتِظارُ الْفَرَجِ مِنْ افْضَلِ الْعَمَلِ، افْضَلُ اعْمالِ امَّتی انْتِظارُ الْفَرَجِ.[۸۶]
ایـن انتظـار امیـد اسـت، نیروبخش اسـت، حیـات و نشـاط و جهـاد است، خمـودی و خاموشـی و افسـردگی و ضـعف و کم‌کـاری و بیچارگی و سستی نیست. عمل برای خدا برای اعلای کلمهٔالله برای خیر و آسایش عبادالله و سیر الی الله است.
امروز جامعه ما جوانان ما، همه ما، به آشـنایی به این مکتب، به دیـدن این مـدرسه الهی محتاجیم، باید معرفت خود را به امام زمان و ولی دوران کامل و کاملتر کنیم.
پیامبر اکرم، صلّی‌الله علیه و آله و سلّم، می‌فرماید:
مَنْ ماتَ وَ لَمْ یعْرِفْ امامَ زَمانِهِ ماتَ مَیتَةً جاهِلِیةً[۸۷]
و حدیث دیگر است:
فَلْیمُتْ انْ شاءَ یهُودِیاً وَ انْ شاءَ نَصْرانِیاً.[۸۸]
این تأکید بسـیار هشداردهنده است، باید امام زمان را بشناسـیم، آیات و روایاتی را که مربوط به آن حضـرت است، بخوانیم، مطرح کنیم، در منـابر، در سـخنرانیها، در مقالاـت این مقوله را شـرح و بسـط دهیم. راجع به غیبت آن حضـرت و خصوصـیات این عصـر و امتحانات و برنامه‌هایی که هست و تخلیص و تمحیصـی که پیش می‌آید آگاه باشـیم، باید در حد توان به مقاصد آن حضـرت آشـنا شویم، از صدها کتاب که از پیش از ولادت آن حضرت تا زمان ما نوشته شده، بهره بگیریم.
در حدیث است که از حضرت سیدالشهداء، امام حسین،

حدیث بیداری، ص: ۹۴

علیه‌السّـلام، سؤال شـد: یابن رسول الله بابی انت و امی فما معرفهٔالله؛ معرفت خدا چیست؟ یعنی؛ به چه کامل می‌شود؟ فرمود: معرفهٔ اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته،[۸۹] معرفت اهل هر زمان و عصـر به امامشان معرفهٔالله است، چون بدون معرفت امام، معرفت خدا، چنانکه سـزاوار است، فراهم نمی‌شود. بکم عبدالله و بکم عرف الله؛ باید این فرهنگ امام‌شناسـی که تکمیل خداشناسی پیغمبرشناسی اسلام‌شناسی است، در جامعه هر چه بیشتر ترویج شود.
قال مولانا الامام الهمام ابو محمّد الحسن بن علی العسـکری علیه و علی آبائه الطاهرین و خلفه خلیفهٔ رب العالمین صلوات الله و رسله

و ملائکته و خلقه اجمعین: و له ولی‌الله و حجهٔالله علی خلقه و خلیفتی من بعدی فی لیلهٔالنصف من شعبان سنهٔ خمس و خمسین و مأتین عند طلوع الفجر و اول من غسله رضوان خازن‌الجنهٔ و جمع من الملائکهٔ المقربین بماء الکوثر و السلسبیل ثم غسله عمتی الحکیمه بنت الامام محمد بن علی الرضا، علیه‌السّلام.[۹۰]

اینک که ماه شریف و مبارک شعبان‌المعظم ۱۴۲۱ هجری قمری را در پیش داریم، ماهی که مطلع و مشرق آفتاب جهانتاب وجود اقدس ولی دوران و کهف امان، امام مبین و خلف صالح انبیا و مرسلین و غیاث مضطر مستکین، حصن حصین و ماء معین، حضرت بقیهٔالله صاحب‌الامر و غوث‌الدهر، مولانا المهدی، ارواح‌العالمین له الفدا، است، در این فرصت عزیز، و در این ماه پربرکت، مناسب است که شیعیان و دوستان و منتظران آن حضرت، دهه دوم این ماه شریف را به نام نامی و اسم گرامی آن حضرت (دهه مهدویت) نام‌گذاری کنندو به مراسم تجلیل و تعظیم از این میلاد عظیم ارادت و شدت شوق و شور انتظار خود را اظهار نمایند و مجالس و محافل بزرگ پاک و منزّه از ملاهی برای ذکر فضایل و مقامات ملکوتیه و شئون قدسیه آن حجت خدا تشکیل

حدیث بیداری، ص: ۹۵

دهند و خلاصه با سخنرانیها، با نوشتن اعلامیه و پوسترها، با مقالات و طبع و نشر کتابها و برگزاری میزگردها و هر کار و اقدامی که جامعه را بیشتر با آن حضرت آشنایی می‌دهد، اقدام نمایند و آن را به عنوان یک سنّت حسنه بزرگ باقی و برقرار بدارند که همه ساله این دهه مبارکه بنام (دهه مهدویت)، مشحون به برکات و ظهور احساسات ولایی برای همگان منبع کسب معارف و حقایق گردد.

امید است شروع این اقدام در شهر بزرگ و مذهبی اصفهان با آن سوابق درخشان علمی و ولایی و آن مردم عزیز و مؤمن و دلباخته اهل بیت، علیهم‌السّلام، موجب اعلای امرالله گردیده، خدمات همگان مقبول و مأجور باشد.

در خاتمه از خداوند متعال، تعجیل در فرج آن ولی خدا و خاتم ائمه هدی، علیه‌السّلام، را مسألت می‌نمایم و با کمال ضراعت عرض می‌کنم:

اللهم ان ابلیس المتمرّد اللعین قد عشّش و کثرت جنوده و ازدحمت جیوشه، و انتشرت دعاته فی اقطار الارض اللهم طهر بلادک منهم و ابسط عدلک و اظهرِ دینک و قوّ اولیائک و اورث دیار ابلیس و دیار اولیائه و اولیائک اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج ولیک و انصره نصرا عزیزا و اجعلنا من انصاره انک سمیع الدعا و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین.

والسّلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

لطف‌الله صافی

---

[۱] (۱). سیوطی، جامع‌الصغیر، ج ۲، ص ۱۹۰؛ علما، امینان الهی، بر خلق اویند.

[۲] (۲). مریم، ۱۵؛ و بر او در روزی که زاد، و روزی که درمی گذرد و روزی که زنده برانگیخته می شود، درود باد.

[۳] (۱). فاطر، ۲۷؛ آیا ننگریسته‌ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاده است.

[۴] (۲). فاطر، ۲۸؛ بی گمان خداوند پیروزمند آمرزگار است.

[۵] (۱). صف، ۸؛ می خواهند نور الهی را با سخنان خویش خاموش کنند و حال آنکه خداوند کمال‌بخش نور خویش است، ولو آنکه کافران ناخوش داشته باشند.

[۶] (۱). یوسف، ۱۱۱؛ به راستی که در بیان داستان ایشان، مایه عبرتی برای خردمندان هست.

[۷] (۱). مائده، ۵۴؛ اینان با مؤمنان مهربان و فروتن و با کافران سختگیرند.

[۸] (۲). فتح، ۲۹؛ و بر کافران سختگیر و با خودشان مهربانند.

[۹] (۱). ابراهیم، ۲۰؛ و این بر خداوند دشوار نیست.

[۱۰] (۲). ابراهیم، ۴۷؛ و هرگز خداوند را خلاف‌کننده وعده‌ای که به پیامبرانش داده است مینگار؛ چرا که خداوند پیروزمند دادستان است.

[۱۱] (۱). اسراء، ۹؛ بی گمان این قرآن به آیینی که استوارتر است، راه می نمایاند و به مؤمنانی که نیکوکاری می کنند، بشارت می دهد که برای آنان پاداش بزرگی است.

[۱۲] (۲). یونس، ۵۷؛ ای مردم، از سوی پروردگارتان پندی برای شما و شفابخش دلها و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است.

[۱۳] (۳). بقره، ۲۹؛ آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.

[۱۴] (۴). جاثیه، ۱۳؛ و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، همه از آن اوست.

[۱۵] (۱). کهف، ۱۱۰؛ که خدای شما خدای یگانه است.

[۱۶] (۲). نحل، ۹۰؛ همانا خدا انسان را به عدل و احسان امر می کند.

[۱۷] (۳). حجرات، ۱۳؛ بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست.

[۱۸] (۴). بقره، ۲۳؛ و اگر از آنچه بر بنده خویش فروفرستاده‌ایم، شک دارید، اگر راست می گویید سوره‌ای همانند آن بیاورید.

[۱۹] (۵). بقره، ۲۴؛ ولی اگر چنین نکردید- که هرگز نخواهید کرد-.

[۲۰] (۱). فیض کاشانی، ملّا محسن؛ المحجة البیضا، ج ۲، ص ۲۱۸؛ چه بسیارند تلاوت‌کنندگان قرآن که قرآن ایشان را نفرین می کند.

[۲۱] (۱). منافقون، ۸؛ حال آنکه عزّت، خاص خداوند و پیامبر او و مؤمنان است.

[۲۲] (۱). انبیا، ۱۰۵؛ و به راستی در زبور، پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند.

[۲۳] (۱). الامام و التبصره، ص ۱۲۶؛ برای صاحب این امر] امام مهدی، علیه‌السّلام غیبتی است و کسی که بخواهد دینش را حفظ کند، مانند آنست که قصد نگهداری درخت خارداری را در دستش دارد.

[۲۴] (۲). صدوق، محمّد؛ کمال‌الدّین، ص ۲۲۰؛ به تحقیق ایشان مخلص بوده و از سر صدق و صفا شیعه مایند و دعوت‌کنندگان به دین خدا، آشکارا و پنهانی، همانا ایشان ایمان‌آورندگان به غیب‌اند، سپس ایشان حزب‌الله‌اند. آگاه باشید که طرفداران حق، رستگارانند.

[۲۵] (۳). برقی، المحاسن، ص ۵۰؛ کسی که منتظر امر ما باشد، مانند آنست که در راه خدا به خون خود غلتان است.

[۲۶] (۱). نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام، خطبه ۲۲۹؛ چه طولانی است این درد و رنج و چه دور است این آمال و آرزو.

[۲۷] (۱). توبه، ۱۰۵؛ و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست.

[۲۸] (۱). حج، ۳۲؛ چنین است و هر کس شعایر الهی را بزرگ شمارد، آن از پروا و پرهیز دلهاست.

[۲۹] (۲). ابن نما، محمّد؛ مثیر الاحزان، ص ۳۲؛ همانا من مرگ را جز سعادت نمی دانم و زندگی با ستمکاران را جز خستگی و خواری نمی پندارم.

[۳۰] (۱). ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۱، ص ۳۰۲؛ ولی ذلّت از ما به دور است.

[۳۱] (۲). نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم‌ارزشی، همچون ته‌مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند، به اهلش واگذارد. به راستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست.

[۳۲] (۱). ملك، ۳۰؛ اگر آب شما در زمین فرود رود] و ناپدید گردد[چه کسی برای شما آب روان می آورد؟

[۳۳] (۲). یس، ۱۲؛ و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمارده‌ایم.

[۳۴] (۳). بقره، ۱۰۶؛] ترجمه قسمتی از آیه هر آیه‌ای را که نسخ کنیم یا فروگذاریم، بهتر از آن یا همانندش را در میان آوریم.

[۳۵] (۱). توبه، ۱۰۵؛ و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست.

[۳۶] (۱). بقره، ۱۸۳؛ ای مؤمنان، بر شما روزه مقرّر گردیده است همچنانکه بر کسانی که پیش از شما بودند نیز مقرّر شده بود، باشد که تقوا پیشه کنید.

[۳۷] (۲). صدوق، محمّد؛ امالی، ص ۱۵۴؛ همانا این ماهی است که در آن به میهمانی الهی دعوت شدید، و از کرامت و بزرگواری الهی بهره‌مند، نفسهاتان در آن تسبیح الهی است و خوابتان در آن ماه عبادت است، و اعمالتان نیز مقبول؛ پس چه ناسعادتمند است آن کسی که رحمت و غفران الهی در این ماه بزرگ را از دست بدهد.

[۳۸] (۱). همان.

[۳۹] (۱). نسا، ۶۵؛ چنین نیست و سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورده‌اند مگر آنکه در اختلافی که دارند تو را داور کنند، آنگاه در آنچه داوری کردی هیچ دلتنگی در خود نیابند و به خوبی،] به حکم تو[گردن بگذارند.

[۴۰] (۲). نسا، ۱۵۰؛ به بعضی ایمان داریم و به بعضی نداریم.

[۴۱] (۳). نسا، ۱۵۱؛ اینان به واقع کافرند و ما برای کافران، عذابی خفّت‌بار آماده ساخته‌ایم.

[۴۲] (۱). بقره، ۱۳۲؛ مبادا که جز به فرمانبرداری،] از جهان درگذرید.

[۴۳] (۱). اعراف، ۴۳؛ و گویند: سپاس خدای را که ما را به اینجا رهنمون شد و اگر خداوند راهبر نمی شد، هرگز راه نمی یافتیم.

[۴۴] (۱). قمی، حاج شیخ عبّاس، الانوار البهیه، ص ۷۶؛ امام حسن، علیه‌السّلام، هنگامی که یاد مرگ، یاد قبر، یاد عرض اعمال بر خدا و یاد عبور از پل صراط را می نمود، گریه می کرد و فریاد و خروشی برمی آورد که از آن به حالت غشوه می افتاد.

[۴۵] (۱). بقره، ۱۵۴؛ و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند ولی شما نمی دانید.

[۴۶] (۱). بقره، ۳۰؛ من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

[۴۷] (۲). توبه، ۲۴؛ بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادش می ترسید، و خانه‌هایی که خوش دارید، در نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش عزیزتر است، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به میان آورد؛ و خداوند نافرمانان را هدایت نمی کند.

[۴۸] (۱). بحار، ج ۲۳، ص ۲۳۳.

[۴۹] (۲). مفید، محمّد، المقنعه، ص ۸۰۸؛ کسی که نهی از منکر را ترك گوید، گویی مرده‌ای در میان زندگان است.

[۵۰] (۳). انفال، ۶۰؛ و در برابر آنان هر نیرویی که می توانید، از جمله نگاهداری اسبان، فراهم آورید، تا به آن وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.

[۵۱] (۱). کلینی، محمّد؛ کافی، ج ۲، ص ۱۶۴؛ هر کس ندای« ای مسلمینِ» مسلمانی را بشنود و پاسخ نگوید، پس مسلمان نیست.

[۵۲] (۲). ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۶۹؛ اگر انسان مسلمانی پس از این حادثه، به خاطر تأسّف و تأثّر از آن بمیرد، مورد ملامت نیست، بلکه شایسته است که به خاطر نگرانی از این موضوع، جان بدهد.

[۵۳] (۱). مائده، ۶۷؛ ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را

نگزارده‌ای؛ و خداوند تو را از] آسیب مردمان حفظ می کند؛ خداوند خدانشناسان را هدایت نمی کند.

[۵۴] (۱). شعراء، ۲۱۴؛ و خاندان خویشاوندت را هشدار ده.

[۵۵] (۲). اگر شمشیر وی نبود، بنیان اسلام فرو می ریخت.

[۵۶] (۱). خدایا! عزّت برای من، همین بس که بنده توام و برای من افتخار همین بس که تو پروردگارم باشی.

[۵۷] (۱). احزاب، ۵۳؛ این کارتان برای دلهای شما و دلهای ایشان پاکیزه‌تر است.

[۵۸] (۱). احقاف، ۱۳؛ بی گمان کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند است، سپس در این راه پایداری ورزیدند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

[۵۹] (۱). نور، ۳۷؛ مردانی هستند که هیچ داد و ستد و خرید و فروشی ایشان را از یاد خداوند و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد، و از روزی که در آن دلها و دیدگان دیگرگون شود، بیمناکند.

[۶۰] (۲). احزاب، ۲۳؛ از میان مؤمنان مردمی هستند که در پیمانی که با خداوند بسته‌اند، راست و درست رفتار کرده‌اند؛ و از ایشان کسی هست که عهد خویش تا پایان حیات به سر برده است، و کسی هست که شهادت را[انتظار می کشد، و هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در کار نیاورده‌اند.

[۶۱] (۱). زخرف، ۸۲؛ منزّه و فراتر است پروردگار آسمانها و زمین.

[۶۲] (۱). ابن نما، محمّد؛ مثیر الاحزان، ص ۳۲؛ باید مؤمن، برای رسیدن به پروردگارش مشتاق باشد، همانا من مرگ را جز سعادت نمی دانم و زندگی با ستمکاران را جز خستگی و خواری نمی پندارم.

[۶۳] (۲). ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۱، ص ۳۰۲؛ آگاه باشید که زنازاده پسر زنازاده، بین دو خصلت ما را قرار داده است: بین کشته شدن یا به خواری و ذلّت تسلیم شدن؛ ولی ذلّت از ما به دور است. خدا راضی نیست که ما به ذلّت تسلیم شویم و پیغمبر خدا و مؤمنان و دامن‌های پاک و پاکیزه‌ای که ما در آن پرورش یافته‌ایم، و آن مردانی که از تن دادن به زیر بار ستم منزّه و برکنارند راضی نیستند که اطاعت مردان پست را بر قتلگاه کریمان و بزرگواران برگزینیم.

[۶۴] (۱). بقره، ۳۰؛ فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

[۶۵] (۱). توبه، ۲۴؛ بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادش می ترسید، و خانه‌هایی که خوش دارید، در نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش عزیزتر است، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به میان آورد؛ و خداوند نافرمانان را هدایت نمی کند.

[۶۶] (۱). احزاب، ۳۵؛ بی گمان مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان فرمانبر، و مردان و زنان درستکار، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌بخش، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خداوند را بسیار یاد می کنند، خداوند برای همگیشان آمرزش و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.

[۶۷] (۱). مائده، ۶۷؛ ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را نگزارده‌ای؛ و خداوند تو را از] آسیب مردمان حفظ می کند؛ خداوند خدانشناسان را هدایت نمی کند.

[۶۸] (۱). آل عمران، ۸۵؛ و هر کس که دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.

[۶۹] (۲). ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۳، ص ۷۰؛ آگاه باشید که برای هر اقتداگری، امامی است که به وی اقتدا می کند و از پرتو نور علم وی، بهره‌مند می شود.

[۷۰] (۱). فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۴۵؛ بنده الهی نمی تواند مؤمن باشد مگر آنکه آنچه در سر دارد را مطابق آنچه من برایش

آورده‌ام قرار دهد و شرح صدر داشته باشد.

[۷۱] (۱). روم، ۳۰؛ این فطرت الهی است که مردمان را بر وفق آن آفریده است.

[۷۲] (۱). توسی، محمّد؛ تبیان، ج ۱، ص ۳۳۲؛

چو عضوی به درد آورد روزگار*** دگ- ر عضوه--- ا را نمان-- د ق-- رار

[۷۳] (۱). آل عمران، ۱۰۳؛ و همگی به رشته الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.

[۷۴] (۲). مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۴؛ مؤمن نسبت به مؤمن همانند ساختمانی است که قسمتی از آن، قسمتی دیگر را حفظ می کند.

[۷۵] (۱). کهف، ۱۰۹؛ بگو، اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگارم، مرکب باشد، بی شک آن دریا، پیش از به پایان رسیدن کلمات پروردگارم، به پایان می رسد، ولو آنکه مددی همانند آن به میان آوریم.

[۷۶] (۱). زمر، ۵۳؛ از رحمت الهی، نومید مباشید.

[۷۷] (۲). یوسف، ۸۷؛ و از رحمت الهی نومید مباشید.

[۷۸] (۳). بقره، ۲۱۶؛ چه بسا چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد، و چه بسا چیزی را خوش داشته باشید، و آن به زیان شما باشد، و خداوند می داند و شما نمی دانید.

[۷۹] (۱). صدوق، محمّد، امالی، ص ۷۸؛ خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می کند، هنگامی که از ظلم و جور، پر گشته است.

[۸۰] (۲). انشراح، ۵ و ۶؛ بی گمان در جنب دشواری، آسانی است. آری، در جنب دشواری، آسانی است.

[۸۱] (۳). قصص، ۵؛ و ما می خواهیم که بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شده‌اند، منّت نهیم.

[۸۲] (۴). نور، ۵۵؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است.

[۸۳] (۵). بقره، ۳؛ همان کسانی که به غیب، ایمان دارند.

[۸۴] (۱). انبیاء، ۱۰۵؛ و به راستی در زبور، پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند.

[۸۵] (۲). الامام و التبصره، ص ۱۵۳؛ اگر از دنیا حتّی یک روز هم باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن‌چنان طولانی می کند تا مردی از امّت من و اهل بیتم برخیزد، هم او که نامش، هم‌نام من است و به وسیله او زمین، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد پر خواهد شد.

[۸۶] (۱). الامام و التبصره، ص ۱۶۳؛ انتظار فرج، از بزرگترین اعمال است؛ بزرگترین جهاد امّت من، انتظار فرج است.

[۸۷] (۲). توسی، محمّد؛ الاقتصاد، ص ۲۲۶؛ هر کس بمیرد، در حالی که امام عصر خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.

[۸۸] (۳). عاملی، شیخ حرّ؛ وسایل‌الشیعه، ج ۸، ص ۲۰؛ خواه یهودی بمیرد، خواه نصرانی.

[۸۹] (۱). صدوق، محمّد؛ علل‌الشرایع، ج، ص ۹؛ معرفت اهل هر زمان و عصر به امامشان، معرفت خدا است.

[۹۰] (۲). صافی گلپایگانی آیت الله العظمی ، لطف‌الله؛ منتخب‌الا-ثر، ص ۳۲۰؛ و او] امام مهدی ولی و حجت الهی بر خلق و جانشین من می باشد، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵، در هنگام طلوع فجر به دنیا آمد و اوّلین کسانی که او را با آب کوثر و سلسبیل، شست و شو دادند، خازن و کلیددار بهشت و ملایکه مقرب پروردگار بودند، آن گاه عمّه من، جناب حکیمه، دختر امام محمّد تقی، علیه‌السّلام، او را شست و شو نمود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹